

برای پی ریزی جامعه ای بکوشیم که در آن حکومت بیشتر از یک قاتل عادی حق قاتل بودن نداشته باشد، و وقتیکه بصورت حیوانی درنده عمل کند، با خودش نیز چون با حیوانی درنده عمل شود،

برای پی ریزی جامعه ای بکوشیم که در آن جای کشیش در کلیسای خودش باشد و جای دولت در مراکز کار خودش، نه حکومت در موعظه مذهبی کشیشان دخالت کند و نه مذهب به بودجه و سیاست دولت کاری داشته باشد،

برای پی ریزی جامعه ای بکوشیم که در آن، همچنانکه قرن گذشته ما قرن اعلام تساوی حقوق مردان بود، قرن حاضر ما قرن اعلام برابری کامل حقوقی زنان با مردان باشد، برای پی ریزی جامعه ای بکوشیم که در آن آموزش عمومی و رایگان، از دبستان گرفته تا کلژدوفرانس، همه جا راه را به یکسان بر استعدادها و آمادگی ها بگشاید. هر جا که فکری باشد کتابی نیز باشد. نه یک روستا بی دبستان باشد، نه یک شهر بی دبیرستان، نه یک شهرستان بی دانشگاه، و همه اینها زیر نظر و مسئولیت حکومتی laïc، حکومتی کاملاً laïc، حکومتی منحصرأ laïc.

برای پی ریزی جامعه ای بکوشیم که در آن بلای ویرانگری بنام گرسنگی جایی نداشته باشد. شما قانونگذاران، از من بشنوید که فقر آفت یک طبقه نیست، بلای همه جامعه است. رنج فقیر تنها رنج یک فقیر نیست، ویرانی یک اجتماع است. احتضار طولانی فقیر است که مرگ حاد توانگر را به دنبال میآورد. فقر بدترین دشمن نظم و قانون است. فقر نیز، همانند جهل، شبی تاریک است که الزاماً میباید سپیده ای بامدادی در پی داشته باشد.

**ویکتور هوگو، سخنرانی در مجمع قانونگذاری فرانسه**

خاصیت زندگی از سر گرفتن و نوساختن، عامل بزرگ حافظ تمدن‌ها در جهان ما است. هر ملتی که نتواند در دوره‌های مرگ و زندگی، خودش را با نیازهای بنیادی زمانی و مکانی تطبیق دهد، متوقف می‌شود، راکد می‌شود، فاسد می‌شود و آنگاه می‌میرد. ولی اگر از این توانایی برخوردار باشد که در آنجا که تجدید زندگی شرط زنده ماندن است زندگی را از سر گیرد، خواهد توانست به بقای خویش ادامه دهد. این کاری است که ایران شما از چند هزار سال پیش تاکنون همواره با درجات مختلفی از موفقیت انجام داده است.

تاریخ زندگی همه ملت‌ها، خواه ناخواه دارای دورانهایی از شکست‌های سیاسی و ناکامی‌های نظامی یا اقتصادی است. اما اگر باید پیامی برای شما آورده باشم، این پیام این است که حیاتی‌ترین اصل در زندگانی یک ملت، بقای نیرومندی روحی او است، آنچه برای ملت بزرگی چون ملت ایران ضروری است این است که روح آن زنده بماند، و استوار بماند. این چیزی است که نه تنها برای ایران، بلکه برای همه جهان، و برای آینده تمدن بشری اهمیت دارد.

**دکتر رادهاگ‌ریشان، رئیس جمهوری هند و استاد ممتاز**

دانشگاه اکسفورد، تهران، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۲

## اهداء کتاب

در نیمه راه نگارش این کتاب، و در روزهایی که بیماری آزاردهنده ای هفته های پیاپی در بستر نگاهم داشته و توانایی ادامه کار را از من گرفته بود، خبر درگذشت نابهنگام فرزند جوان دوستان سالیان دراز من، ابوالحسن و آذر ابتهاج، رنج درینا کتری را بر رنجهای من افزود. داور ابتهاج، که من به خواست پدر و مادرش از هنگام کودکی او سمت پدرخواندگی وی را داشتم، نمونه ای دوست داشتی و مهربان از نسل جوان و روشنفکری بود که میبایست کار بازسازی موفقیت آمیز کشورش را در شرایط مساعد سالهای پایانی هزاره دوم به سامان برساند. اما تحولی ناگهانی و ویرانگر، این نسل سرنوشت ساز را همراه با همه مردم دیگر ایران بجای هزاره تازه ای روشن، به قرون وسطائی ظلمت زده ای بازگردانید که همچنان در چنبره آن گرفتار مانده است.

در سالهای بیوطنی، داور که به صورتی بیمارگونه از آنچه در کشورش میگذشت رنج میبرد، بارها از من میپرسید که اگر واقعاً خدا آن خدای خوبی است که به ما گفته شده است، برای چه باید به مافیای تبهکاران اجازه داده باشد که به نام او سیل خون در جامعه ما براه اندازند و از کشور خودشان زندانی بزرگ یا گورستانی بزرگتر بسازند؟... متأسفانه هشدارهای مکرر پزشکان که این حساسیت غیرعادی را برای او خطرناک میدیند تحقق یافت و در نیمه شبی زمستانی، قلب رنجور او در بهترین سالهای جوانیش از کار ایستاد.

به هنگام دریافت این خبر، اندیشیدم که چیزی ارزنده تر از این ندارم که کتاب کنونی خودم را، بهنگام انتشار به خاطره عزیز این جوان اهداء کنم. اکنون به قولی که به خودم داده بودم وفا میکنم، منتها این اهداء را نه تنها به او، بلکه از ورای او به خاطره صدها هزار نوجوان دختر و پسر ایرانی دیگری میکنم که در این سالهای فاجعه، به خواست زادگان ظلمت، یا در روی مین های دشمن جان سپرده اند، یا در درون سیاهچالهای دژخیمان به کام مرگ رفته اند، یا نومیدانه دست به خودکشی زده اند، یا به بیماری های روانی گرفتار آمده اند، و یا به مواد مخدر پناه برده اند. به همه گلهایی اهداء میکنم که در جهنم روئیده اند و ناشکفته پژمرده شده اند.

## فهرست جلد اول

۱۳	<b>سرآغاز</b>
	فهرستی از یکصد کتاب کلیدی جهان خاورشناسی، در ارتباط با محمد، اسلام، قرآن و جهانگشایی عرب
۳۵	
۹۵	<b>۱ - اسلام و قرآن در دوران زندگانی محمد</b>
۹۷	اطلاعاتی اصولی در باره قرآن
۱۰۶	تفسیرهای قرآن
۱۰۸	ترجمه های قرآن
۱۱۰	سوره های قرآن
۱۱۳	بررسی های پژوهشگران غربی در باره قرآن
۱۱۶	طبقه بندی واقعی سوره ها
۱۱۷	قرآن مکه و قرآن مدینه
۱۲۴	جبر و اختیار
۱۲۹	آیات قتال
۱۳۱	... و آیات غنیمت
۱۳۲	سیری در سالهای مدنی محمد و آیه های مربوط بدان
۱۶۶	قرآن و یهودیان
۱۸۵	قرآن و مسیحیان
۲۰۱	<b>۲ - اسلام و قرآن بعد از محمد</b>
۲۰۳	«رده»، واقعه ای که مسیر تاریخ اسلام را عوض کرد
۲۱۶	خلافت اسلامی در دو راهه تاریخ
۲۲۴	برای هر قومی پیامبری
۲۳۰	اسلام آیینی جهانی یا آیینی عربی؟
۲۴۶	اسطوره ها و واقعیت ها
۲۵۴	هشدار که علی در باره قرآن داد
۲۶۴	«جهاد» در دوران مدینه و جهاد عصر خلافت
۲۷۰	ارزیابی هایی از پژوهشگران

۳۰۷ عشره مبشره  
۳۱۷ بازگشت بت پرستی

### ۳ - جای پای سعد وقاص

۳۶۵ خانه و دزد  
۳۶۷ نامه محمد به خسرو پرویز  
۳۷۳ ... و نامه سعد وقاص به رستم فرخزاد  
۳۸۵ آنچه در قادسیه گذشت  
۳۹۱ افسانه افسانه ها  
۳۹۹ نامه ای از معاویه  
۴۱۴ قتلهای زنجیره ای در بغداد  
۴۲۴ دو قرن غارتگری  
۴۳۵ چو با تخت منبر برابر شود...  
۴۴۴ فاجعه زرتشتیان  
۴۵۳ حماسه قیام ها  
۴۶۰ حماسه ای در طبرستان  
۴۷۴ آغاز مبارزه ۱۴۰۰ ساله فرهنگی  
۴۷۷

### ۴ - کارنامه ۱۴۰۰ ساله خلافت‌های اسلامی

۴۸۵ خلفای اموی  
۵۰۹ خلفای عباسی  
۵۲۶ خلافت‌های مصر و اندلس  
۵۷۸ خلفای عثمانی  
۵۸۳ زندگانی خصوصی امیرالمؤمنین ها  
۶۰۳

## سر آغاز

سه سال پیش، در چنین روزهایی، کتاب تولدی دیگر من که حاوی فشرده ای از بررسیها و ارزیابی های دوست ساله گذشته پژوهشگران جهان غرب در ارتباط با تاریخ مذاهب و سیر تحول آنها در درازای قرون بود منتشر شد. با آنکه انتظار استقبال خوبی از آن را از جانب جامعه برونمرزی ایرانی داشتم، باید اعتراف کنم که این استقبال از آنچه میتوانستم انتظار داشته باشم بسیار فراتر رفت، بطوریکه در کوتاه مدتی این کتاب با چاپهای پیاپی خود پرخواننده ترین کتاب فارسی چاپ برونمرزی در بیست ساله گذشته شناخته شد. با اینهمه آنچه برای خود من و مسلماً برای خوانندگان کتاب غیرمنتظره تر بود، این بود که درست در همین مدت کوتاه در خود ایران نیز، علیرغم چماقداری پاسداران انقلاب و نهی از منکر بیضه داران دین، همین کتاب از راه تکثیر و فروش زیرزمینی آن با رقم انتشاری فراتر از یکصد هزار نسخه پرخواننده ترین کتاب منتشر شده سالهای انقلاب از کار در آمد، و بدین ترتیب یکبار دیگر، در داخل ایران نیز چون در خارج آن، عملاً بر این واقعیت تأکید نهاده شد که در آشفته بازار سرگشتگی ها و راه گم کردگی های کنونی جامعه ایرانی، و در گرماگرم دگرگونی اجتماعی و فرهنگی سرنوشت سازی که امروزه این جامعه از سر میگذراند تا از ورای آن راه فردای خود را بجوید، جامعه ایرانی، به ویژه نسل جوان آن، بیش از هر زمان دیگر مشتاق دستیابی به آگاهی هایی است که اگر برای جوامعی دیگر، در بخش پیشرفته جهان امروز، هم شناخته شده اند و هم به آسانی قابل دسترسیند، در دنیای در بسته اسلامی، آنهم در در بسته ترین بخش آن، برای او همچنان ناشناخته نگاه داشته شده اند، و بر پایه چنین آگاهی ها این نسل جوان خواستار دریافت پاسخهایی روشن به پرسشهایی است که اگر هم اجازه گفتن آنها بسو داده نمیشود، ولی

همچنان وجود دارند، و همچنان در انتظار دریافت پاسخهایی هستند که میباید دیر یا زود بدانها داده شود. کسانی، صادقانه یا مغرضانه، کوشیده اند تا در داخل یا در خارج کشور بر آنچه در «تولد دیگری» آمده است مهر دین ستیزی بزنند، ولی اگر واقعاً باید مهری بسدان زده شود، بسیار منصفانه تر و در عین حال واقع بینانه تر است که این مهر مهر «روشنگری» باشد.

انتشار این کتاب، در عین حال دریافت نامه های فراوانی را از جانب بسیاری از دوستان شناخته و بخصوص ناشناخته من از چهار گوشه جهان، حتی از شهرها و کشورهایی که مطلقاً انتظار نداشتم برایم به همراه آورد که متأسفانه هنوز هم نتوانسته ام به همه آنها آنطور که مایل بوده ام پاسخ دهم. تقریباً همه این نامه ها بازتابی از رضامندی نویسندگان آنها از کوششی بود که در این کتاب در مورد پاسخ به یکی از بنیادی ترین مسائل ایران امروز - و فراتر از آن همه تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلامی ایران - بکار رفته است، ولی در عین حال نویسندگان بسیاری از همین نامه ها در فراسوی این ارزیابی های اصولی، دریافت آگاهی های بیشتری را اختصاصاً در ارتباط با آیینی خواستار شده بودند که در طول ۱۴۰۰ سال همه نشیب و فرازهای کشورشان و بد و خوب های سرنوشت ملتشان و زندگی روزانه پسران و مادرانشان، و فاجعه ها و خونریزیها و ترکتازیهای پیگیر تاریخشان، با همه ویرانگریهایی که ببار آوردند و رنجهایی که نصیب قربانیان خود کردند، از نزدیک با آن گره خورده اند، و ناچیزترین واقعه ای در این تاریخ ۱۴۰۰ ساله نمیتوان یافت که از جهتی با مسائل دینی آن ارتباط نداشته باشد. درست بهمین جهت، اینان خواستار دانستنی های بیشتری در این باره شده بودند تا در شرایط استثنایی کنونی برای تصمیم گیری الزامی در باره راه آینده خویش، از چنین آگاهی ها یاری گیرند.

درک من در این مورد از همان آغاز این بود که چنین خواستی، خواستی منطقی است که میباید پاسخی روشن نیز دریافت دارد، و لسو آنکه این پاسخگویی حساسیتی بیش از پاسخ به هر پرسشی دیگر داشته

باشد، و چنین پاسخی میباید الزاماً از هرگونه پیشداوری یا جان‌گیری بدور باشد و به موازات آن، تا آنجا که ممکن گردد، منعکس کننده حداکثر برداشتها و نظرات پژوهندگان دور و نزدیک و دیدگاههای مختلف آنان در سطح جهانی و نه تنها در محدوده درسته جهان اسلامی باشد. کتاب حاضر، که آنرا به عنوان مکملی بر «تولد دیگر» تقدیم خوانندگان وفادار خویش میکنم، تا آنجا که خود میپندارم، با توجه به همه این شرایط و این مسئولیتها نوشته شده است.

در نگارش چنین کتابی، طبعاً به منابع نویسندگان خود جهان مسلمان، اعم از مورخان یا مفسران یا محدثان آن، اکتفا نمیتوان کرد، زیرا که اینان هر اندازه هم که متبحر و دانشمند بوده باشند این نقطه ضعف مشترک را داشته اند و در دنیای معاصر خود ما نیز همچنان دارند که نخواستند یا نتوانستند در مورد آنچه به اسلام مربوط میشود نه خود کمترین برداشت انتقادی داشته باشند، نه چنین برداشتی را از جانب دیگران بپذیرا شوند. برای همه اینان اصولی وجود دارند که از آغاز مسلم شناخته میشوند، و بعداً سراغ از مدارک و شواهدی گرفته میشود که بتوانند بر این واقعیتهای مسلم به صورتهای مختلف تأکید گذارند، درست در همان جهتی که مورخان و مفسران جهان مسیحیت نیز تا پیش از قرن روشنگری اروپا بدان میرفتند، و درست در جهت عکس روشی که دانش روشنگر جهان غرب در دو قرن گذشته در برخورد با اسطوره های کهن و نو، در همه زمینه های علمی و فنی و تاریخی و اجتماعی، در پیش گرفته است.

نخستین مورخان جهان مسلمان، ابن اسحاق و ابن هشام و ابن سعد و طبری، و بدنبال آنان تقریباً همه مورخان دیگر، روایات فراوانی بدنبال هم میآورند که فی المثل در فلان شب طاق کسری شکست برداشت و آتشکده های فارس خاموش شدند، زیرا که در این شب پیامبر آینده اسلام تولد یافت، ولی حتی یکی از آنها مانند گلدتسیهر اروپایی نمیپرسد که این قدرت نمایی خداوند، وقتی که هیچکس جز خود او بر آینده و بر رسالت چنین نوزادی آگاهی نداشته است، و



نمیتوانسته است هم داشته باشد، برای هشدار به چه کسانی صورت گرفته است؟ یا همین طبری، بدنبال دو سیره نویس پیش از خود، و دیگران بدنبال طبری، در شرح ماجرای ارسال نامه های محمد به پادشاهان ایران و بیزانس و حبشه برای دعوت آنها به دین اسلام، با قاطعیت مینویسند که اگر پادشاه ایران نامه محمد را پاره کرد، در عوض امپراتور بیزانس و پادشاه حبشه، بمحض دریافت این نامه ها یکی بی سر و صدا و دیگری آشکارا اسلام آوردند و حتی شاه حبشه خطبه بنام محمد خواند، و هیچکس، در همه طول تاریخ اسلام، نه تنها چون پرنس کانتانی ایتالیایی ارسال این نامه ها را از اصل افسانه ای ساخته و پرداخته دستگاه خلافت ندانسته است، بلکه حتی پرشی هم در این باره بمیان نیاورده است که اگر این دو پرچمدار شناخته شده مسیحیت در اروپا و افریقا خودشان بدین آسانی مسلمان شده بودند، چگونه مسیحیت آنها دو هزار سال در این هر دو جا برقرار مانده است، و چگونه هیچ تنابنده ای جز سیره نویسان جهان مسلمان از این بزرگترین واقعه انقلابی تاریخ مسیحیت اطلاعی نیافته است؟

حتی مورخان امروزی این جهان اسلام نیز در شرایط کنونی دنیای دانش و بینش غالباً جز اینکه دقیقاً پا در جای پای پیش کسوتان خود گذارند، کاری نمیکنند. نمونه ای از این طرز کار را در کتاب تاریخ سیاسی اسلام نوشته مورخ معاصر برجسته ای مصری که به فارسی نیز ترجمه شده است میتوان یافت که تنها چند صفحه بعد از شرح پرآب و تابی در باره پیروزی جنگی لشکریان سعد وقاص در قادسیه، مدعی میشود که: «بعضی از نویسندگان مغرض تصور کرده اند که دین اسلام به نیروی شمشیر رواج یافت، در صورتیکه این سخن بیجا با گفتار خداوند در قرآن که «لااکراه فی الدین» منافات دارد و بعلاوه با روایاتی که مورخان موثق از چگونگی رواج اسلام آورده اند سازگار نیست، زیرا پیروزی اسلام همه جا بدون جنگ و خونریزی انجام گرفت و شمشیر در آن دخالتی نداشت». و همین مورخ در جایی دیگر از همین کتاب، علیرغم آنکه بررسیهای شصت ساله نلدکه پژوهشگر آلمانی را در باره قرآن میستاید، در فاصله کوتاهی

بعد از آن، تنها بخاطر اینکه نلذکه ناهمگونی برخی از آیات قرآنی را متذکر شده است، مدعی میشود که نلذکه اصلاً قرآن را نخوانده است تا بتواند در باره آن قضاوتی بکند.

در ارتباط با خود آیات قرآنی، که مهمترین مرجع استناد و مراجعه پژوهشگران غربی در بررسیهای اسلامی آنهاست، حتی بهترین کتابهای تفسیر مفسران مسلمان حداقل یک ارزیابی واقعی را به خواننده خود ارائه نمیدهند، زیرا تلاش همه آنها در همه شرایط توجیه بیقید و شرط مطلبی است که در آیه مورد تفسیر آنها آمده است، ولو آنکه مضمون آن با مضمون آیه یا آیاتی دیگر متناقض باشد. مفسر فاضل وظیفه خود را در چنین موارد منحصر بدین میدانند که محتوای هر دو آیه را با قاطعیتی یکسان توجیه کند و هر وقت هم که بکلی در این کار ناتوان بماند حل آنرا با ذکر «والله اعلم» به فرستنده آیه حواله دهد، درست بهمانصورت که مفسران کتاب مقدس در جهان مسیحیت در طول هجده قرن تناقضهای آشکار متون آنرا توجیه میکردند و اشکالی در تأیید همگی آنها نمیدیدند.

برای دنیای اسلام مشکل در اینجا است که امروز هم، در عصر پیشرفتهای شگفت آور جهان دانش و بینش، همچنان حکومت بیقید و شرط بسیاری از اسطوره های کهن در ارتباط با دین، در آن پای برجاست مانده است. حتی روشنفکرانی که با فرهنگ روشنگری جهان غرب از نزدیک آشنایند در مورد آنچه پژوهشگران غربی در ارتباط با برداشتهای پیش ساخته این صاحب نظران گفته اند یا میگویند بسراغ معیارهای دوگانه میروند. آنجا که نوشته فلان خاورشناس اروپایی با این برداشتها مطابق درآید نسبت باو از در کمال ستایش درمیآیند، ولی در برخورد با اولین گفته یا نوشته ای از همین خاورشناس که در آن انتقادی نسبت بدین برداشتها شده باشد، به او نسبت غرض ورزی آشکار میدهند، یا اساساً گفته او را از خوانندگان خود پوشیده میدارند. فی المثل Thomas Carlyle انگلیسی را بعنوان محقق بزرگ غربی که با ستایش فراوانش از رهبری محمد واقع بینی و بلند نظری خویش را باثبات رسانیده است به افراط میستایند، اما وقتی که همین

محقق «بیغرض» در جای دیگری از کتابش قرآن را مجموعه ای از مکررات خسته کننده و کسالت آور می‌شمارد که نمیتوان باور داشت که از جانب خداوند الهام شده باشند، او را یا مظهر شیطان می‌شمارند و یا گفته اش را اساساً بروی خود نمی‌آورند. گوستاو لوبون فرانسوی را که در «تمدن اعراب» خود در باره تمدن عرب داد سخن داده است به حد بهترین محقق اروپایی بالا می‌برند، اما این تذکر او را که «نمیتوان ماوراء الطبیعه کودکانه آیین های سامی را با فلسفه مذهبی والای هندوان برابر نهاد» نادیده می‌گیرند. صاحب‌نظر دانشمند ایرانی، در ترجمه استادانه خود از «اسلام در ایران» پتروشفسکی، او را به کرات بابت اظهارنظرهای واقع بینانه اش مورد ستایش قرار میدهد، اما هم او، بمحض آنکه اظهار نظر دیگری از این پژوهشگر مارکسیست و پیرو مکتب دیالک تیک را ترجمه میکند که با تعصب افراطی شیعی جور در نیاید، در همان حواشی وی را مورد تندزبانی قرار میدهد. ناشر کتاب ارزنده باستان شناس ایرانی، علی سامی، که در باره «نقش ایران در فرهنگ اسلامی» تألیف شده است، اشکالی در سرمایه گذاری برای چاپ خود این کتاب قطور نمی بیند، ولی آنجا که نویسنده آن مطالبی را از ابن خلدون در باره برتری فرهنگی ایرانیان بر اعراب نقل میکند، وی خشمگینانه در مقدمه خود بر این کتاب ابن خلدون را دشمن اسلام و عرب می‌شمارد که نه تعصب قومی داشته است و نه تعصب دینی، و با خوشوقتی از اینکه استاد بزرگوار شهید مطهری نیز این نظر را تأیید کرده اند، فراموش میکند که نه تنها این دشمن اسلام سالها استاد دانشگاه الازهر و قاضی القضاة قاهره بوده است، بلکه خود قرآن نیز، بسیار پیش از او، همین اعراب را «اشدکفراً ونفاقاً» دانسته است، و همین بزرگوار اشکالی نمی بیند که بگوید عرب حتی در دوره جاهلیت نیز فرهنگی بس عمیق داشته است که اگر ما بر آن آگاهی نداریم این دلیلی بر فقدان این فرهنگ والا نمیشود.

آنچه در این زمینه در اروپای قرون نوزدهم و بیستم، در ادامه جهش روشنگری قرن هجدهم انجام گرفت، کوششی درست در جهت

عکس این برداشتهای جانبگیرانه و متعصبانه، از جانب صدها دانشمند و پژوهشگر و استادی بود که در سراسر این دو قرن استثنایی تاریخ تمدن بشری، با دانش و همتی شگفت آور، در تب تحقیق و تتبعی که اروپای دوران روشنگری را فرا گرفته بود، در همه زمینه های مادی و اجتماعی، در همه رشته های علوم ریاضی همچون در همه رشته های علوم انسانی بکار بردند و جهان بشریت را تنها در درازای دوست سال از دستاوردهایی چنان بزرگ و چنان فراوان برخوردار کردند که چنانکه بارها گفته شده است، از تمام دستاوردهای پنج هزار ساله پیشین تمدن بشری فراتر رفت، آنسان که این جامعه بشری را در پایان قرن بیستم از یکسو به دستیابی به اسرار نهفته بی نهایت بزرگ کائنات رسانید و از سوی دیگر به اسرار نهفته جهان بینهایت کوچک.

تلاشی که در این راستا در باره بررسی های علمی و اصولی در زمینه تاریخ مذاهب صورت گرفت تنها جزیی از مجموعه پژوهش ها و روشنگریهای فراگیر دیگر در همه زمینه ها بود، و همین رشته بررسیها چهره صدها ساله و هزاران ساله اسطوره های کهن را در قلمرو مذهبی بکلی تغییر داد، نه برای اینکه به دشمنی با آنها برخاسته باشد، بلکه برای اینکه آرایش های اسطوره ای دورانهای بسر رسیده را از چهره واقعیتهای تاریخی و مذهبی زدوده باشد، و مذهب را که از دیرباز به دشمنی با دانش روی آورده بود با آن آشتی داده باشد. این کار بیش از همه و پیش از همه، در مورد مذاهبی صورت گرفت که خود این پژوهشگران وابسته بدان بودند، برای اینکه بعد از آن، نوبت به دیگر آیین های بزرگ و کوچک موجود یا از میان رفته برسد. در تمام این موارد بصورتی یکسان، یعنی با همان شیوه متدیک و دقیق و کنجکاوانه ای که از آغاز بکار گرفته شده بود عمل شد، حتی اگر در همه جا کلیدداران سنتی این آیین ها علیه آن بانک های خشم آلوده برداشتند. واقعیتهای بسیاری از آیین های کهن، اصولاً با همین پژوهشها و بدست همین پژوهشگران دو قرن گذشته روشنگری از پرده فراموشی و ابهام بیرون آورده شد، چنانکه فی المثل بدون چنین بررسیها، امروز جامعه دانش ایران خود ما نه به تاریخ میترائیسم

فراگیر خود آگاهی داشت و نه به تاریخ مانویت فراگیر خویش، و در مورد آیین زرتشتی کهن خود نیز آگاهی های بسیار کمتری از آن داشت که امروز به برکت بررسیهای دانشمندان غربی دارد، پیش از آنکه پژوهندگان شایسته ای این دانش ها را بار دیگر به خود ایران بازگردانده باشند.

بررسیهای گسترده اسلام شناسی، از آغاز قرن نوزدهم تا به امروز، یکی از رشته های اصلی این جنبش روشنگری بسوده است، و حاصل آنها بیش از هزاران کتاب و رساله و مقاله ای است که در این مدت بطور مستقل یا در نشریات تخصصی جهان غرب از جانب پژوهشگران مختلف به زبانهای مختلف بچاپ رسیده اند. بدیهی است که همه این آثار از نظر اعتبار و اصالت در یک سطح نیستند، کتابها و مقالاتی از آنها از درجه اعلائی اعتبار برخوردارند و کتابها و مقالات دیگری از اعتباری کمتر، و دسته سومی اصولاً ارزش علمی قابل قبولی ندارند.

در نگارش کتاب حاضر، من کوشیده ام تا از حد و مرز کتابهای «کلیدی» شناخته شده دو قرن نوزدهم و بیستم جهان غرب فراتر نروم تا جز کالای «دست اول» به خوانندگان خود تحویل نداده باشم. بهمین جهت، برای تسهیل کار آنان در مراجعه های احتمالی شخصی، در آغاز همین کتاب فهرستی جداگانه از یکصد کتاب «کلیدی» را با توضیحاتی کوتاه در باره هرکدام از آنها در اختیار آنان گذاشته ام. فهرستی مشروحتر از دیگر کتابهایی را که درین باره مورد مراجعه من بوده اند، در کتابنامه پایانی بخش دوم همین کتاب خواهید یافت.

آنچه در کتاب حاضر ارائه کرده ام، فشرده ای از همه این بررسیها و ارزیابی ها است، و با خواندن آنها خواهید دید که این کار کاری واقعاً ضروری بوده است، زیرا پژوهندگان این بررسیها، صرفاً با استناد به خود قرآن، انگشت بر واقعیتهایی نهاده اند که هیچیک از محققان و مفسران خود جهان اسلام، در طول قرون، نخواستند یا به احتمال قویتر امکان نیافته اند تا بر آنها انگشت گذارند.

حق ناشناسی است اگر سهم بزرگ کسانی از پیشگامان جنبش روشنگری ایران نو، در طرح پرسشهایی از آن قبیل که در مورد نسل کنونی جامعه ما از آن سخن رفت، آنهم بسیار پیش از سالهای ما و در شرایطی عمیقاً دشوارتر از شرایط جهان پیشرو امروز ما، نادیده گرفته شود، زیرا این چنین پرسش ها را بیش از ۱۵۰ سال پیش فتحعلی آخوندزاده در «مکتوبات» خود بمیان آورده بود که:

«به تکلیف سعد وقاص اسلام را قبول کردیم تا در هر دو عالم به شادی و شاهی بوده باشیم. از عالم آخرت که هنوز خبری نداریم؛ ولی از عالم دنیا، آنچه واقع است این است که از هجرت تا این زمان به ایرانیان مصیبت هایی رسیده است که در هیچیک از صفحات دنیا خلق بدانگونه مصائب گرفتار نگردیده است. آیا لشکرکشی و خونریزی عربها را بگویم یا لشکرکشی و خونریزی غزنویان و سلجوقیان و اتابکان و خوارزمشاهیان و چنگیزیان و آل مظفر و تیموریان و غوریان و شیبانیان و چوپانیان و آق قویونلو و قره قویونلو و پادشاهان صفویه و خوانین افغانیه و افشاریه و زندیه و قاجاریه را، و علاوه بر اینان آنقدر ملوک الطوائف و صاحبان داعیه و خروج در گوشه و کنار مملکت را که به حساب نمیآید؟ نتیجه بشارتی که سعد وقاص داده بود این شد. و تازه تنها اهل ایران نیستند، خود عربها به چه روز رسیدند! حالا در دنیا گمنام تر و بدبخت تر از آنها کمتر طایفه ای میتوان یافت. پس چرا اسلام مایه سعادت ایشان نشد؟ الحال همه آنها گرسنه و برهنه، بی علم و بی هنر، در گوشه ای افتاده میمانند. هرگاه در بت پرستی باقی میبودند یحتمل به روزی رسیده بودند... حالا تو به من جواب بده که آیا در مدت این یکهزار و دویست و هشتاد سال ظهور اینهمه سلسله های سلاطین برای این ملت چه فایده ای داشت؟ و ملت ما چرا باید اینقدر ناتوان باشد که هر دد و دام از گوشه و کنار سر بلند کند و ملت ایران را دچار اینگونه بلیات نماید؟»<sup>۱</sup>

و اندکی پس از آخوندزاده، روشنگر پیشگامی دیگر، میرزا آقاخان کرمانی، در «سه مکتوب» خود خطاب به ملتش نوشته بود:

۱ - فتحعلی آخوندزاده در «مکتوبات»، چاپ آلمان، ۱۳۶۴

«ظاهراً خدا و پیغمبر و جبرئیل و تمامی ملائک دست به هم دادند و قسم خوردند که ترا از تخت شوکت و شرافت فرود آورند و بر سر خاک مذلت و فقر و مسکنت بنشانند. الحمدلله الذی صدقنا وعده. مشتی عرب بیابانی اجرای فوری این پیمان را بر عهده گرفتند. تخت پادشاهی و آبادی مملکت و امنیت و تمدن آن و تربیست و صداقت و شجاعت و کرامت طبیعت ترا بر باد فنا دادند. جوانان ترا اسیر کردند و زنان را دستگیر. پیران و مغان و دبیران و موبدان را مانند گوسفند سر بریدند و بر میدان مذلت هشتند. شهرهایت را خراب کردند و آبادیهایت را بیابان، و اموالت را به غارت بردند. مختصر ترا به آن روز سیاهی نشانیدند که وعده داده بودند، و چنان پریشان کردند که شاید اگر دانشمندان بنی آدم دو هزار سال دامن همت به کمر زنند تا ترا از غرقاب هلاکت نجات دهند نتوانند.»<sup>۱</sup>



در تاریخ همه مذاهب بزرگ، معتقدات سنتی ریشه دار و جاافتاده ای وجود دارند که در درازای قرون، هم برای پیروان خود این مذاهب و هم برای دیگران بصورت واقعیهایی بیچون و چرا مورد قبول قرار گرفته اند. بخشی از این بیچون و چرایی طبعاً مربوط به ماهیت خود این آیین ها است که این معتقدات را مستقیماً با آسمان و با قوانین ثابت و ابدی آن پیوند میزنند، ولی بخشی دیگر مربوط بدین است که پیروان این مذاهب از روزی که زبان باز میکنند تا روزی که خاموش میشوند اصولاً چیزی در جهت خلاف این معتقدات سنتی نمیشنوند تا احياناً تردیدی در باره اصالت آنها به خاطر راه دهند. و باوجود این دیر یا زود وقتی فرا میرسد که شواهدی مسلم نشان میدهند این معتقدات با همه ریشه دار بودن خود و با همه «آسمانی» دانسته شدنشان پایه های چندان استواری نداشته اند.

نمونه ساده ای از این واقعیت را در تورات میتوان یافت که در

---

۱ - میرزا آقاخان کرمانی در «سه مکتوب»، چاپ آلمان، ۱۳۶۶

طول قرون، از جانب یهودیان و از جانب مسیحیان، همه کتابهای ۲۴ گانه آن نوشته خود پیامبرانی دانسته میشدند که این کتابها نام آنانرا دارند، ولی بررسیهای مستند قرن روشنگری نشان داد که تقریباً هیچکدام از آنها نه توسط پیامبرانی نوشته شده اند که نامشان بر آنها نهاده شده است، و نه اساساً در زمان خود این پیامبران نوشته شده اند، بطوریکه امروزه بصورت یک واقعیت مسلم تاریخی در هر دائرة المعارف و دیکسیونر معتبری میتوان خواند که فلان کتاب تورات مربوط به فلان پیمبر، در عمل فلان مدت بعد از او نوشته شده است، همچنانکه گاه میتوان خواند که اساساً موجودیت چنین نبی مورد تردید است، و اتفاقاً یکی از همین پیامبرانی که موجودیتشان شدیداً مورد چنین تردیدی است مهمترین آنها یعنی خود موسی است.<sup>۱</sup> موردی مشابه مورد انجیل عیسی است که همه مسلمانان در طول قرون بر مبنای کتاب آسمانی خود آنرا کتابی دانسته اند که همانند قرآن بر عیسی نازل شده است، در صورتیکه انجیل مسیحیان نه یک کتاب واحد است، نه خود عیسی هرگز مدعی دریافت آن شده یا از آن سخنی گفته یا اساساً تصویری از کتابت آینده آن را داشته است. انجیلهای چهارگانه نیز توسط چهار نفری نوشته شده اند که احتمالاً هیچکدام عیسی را بچشم ندیده اند، و تازه خود این چهار انجیل نیز در بسیاری از موارد با یکدیگر نمیخوانند.

۱ - کتاب پر سر و صدایی بنام *The Bible Unearthed* نوشته استاد اسرائیلی Israel Finkelstein رئیس انستیتوی باستان شناسی دانشگاه تل آویو، و Neil Asher Silberman استاد آمریکایی و رئیس بخش تاریخ مرکز باستان شناسی و میراث فرهنگی بلژیک که این روزها در امریکا انتشار یافته، براساس بررسیهای باستان شناسی پنجاه سال گذشته مدعی شده است که هیچیک از آنچه در عهد عتیق در بساطه پیغمبران اسرائیل و ماجرای خروج قوم یهود از مصر و سابقه تاریخی اورشلیم آمده، اصولاً وجود خارجی نداشته و همه آنها ساخته و پرداخته گروه کاهنانی است که در قرن هفتم پیش از میلاد از جانب یوشیا Josias پادشاه وقت سرزمین «یهودا» مأمور تدوین کتابی بمنظور ساختن سابقه ای تاریخی و مذهبی برای قوم یهود شدند، و آنان بخشهای مختلف این کتاب را از روی اسطوره ها و افسانه های کهن بین النهرین و مصر و فنیقیه و کنعان گردآوری کردند و در کنار هم گذاشتند و مجموعه ای بنام تورات را بوجود آوردند.



در مورد قرآن و محمد، این پرسشها مطرح نیستند، زیرا که هم در وجود پیامبری بنام محمد از نظر تاریخی تردیدی نیست، هم تاریخ زندگی و فعالیت او تقریباً به روشنی معلوم است، و هم قرآن از زمان خود او وجود داشته و شناخته شده بوده است. در عوض، اگر چنین پرسشهایی مطرح نیستند، پرسشهای دیگری در ارتباط با محمد و قرآن مطرحند که در مورد تورات و انجیل مطرح نبوده اند و اهمیت آنها مسلماً کمتر از اهمیت پرسشهایی که در مورد تورات و انجیل مطرح شده اند نیست.

آنچه بخصوص در ارتباط با اسلام مطرح است، برداشت های مربوط به ضوابط زیربنایی دوران هزار و چهار صد ساله این آیین است، زیرا تقریباً همه این محققان بر این همدستانند که واقعیت های تاریخی این دوران با آنچه بطور سنتی در طول قرون در این باره روایت شده است و امروز نیز میشود تطبیق نمیکنند. از این دیدگاه، میباید تاریخ واقعی اسلام را به دو بخش مجزا تقسیم کرد، که اولی شامل سالهای خود محمد است، و دومی شامل دوران ممتد بعد از محمد، و این دو دوران نه تنها هماهنگ با یکدیگر نیستند و در مسیر واحدی قرار ندارند، بلکه در بسیار موارد درست جهتی خلاف همدیگر دارند. این دوگانگی اصولی را (که بعداً در باره آن با تفصیل بیشتری گفتگو خواهیم کرد) میتوان چنین خلاصه کرد که در دوران ۲۳ ساله اسلام خود محمد، چه در سالهای سیزده گانه مکه و چه در ده ساله مدینه، وی همواره خود را رسولی از جانب خداوند برای هدایت قوم مشرک عرب به یکتاپرستی دانست، به همان صورت که پیش از او موسی برای یهود و عیسی برای نصاری فرستاده شده بودند، و در هیچ شرایطی صحبت از رسالتی جهانی برای خود بمیان نیاورد، زیرا اصولاً در هیچیک از آیینهای توحیدی سامی برداشت آیین جهانی و پیامبر جهانی جایی نداشت و این اندیشه ای است که برای آنها بکلی ناشناخته بود، منطبق اصولی این هر سه آیین این بود که هر قومی میباید پیامبر خاص خود را داشته باشد، و این منطبق نه تنها در آیین یهود بصورتی آشکارا نمودار است، بلکه در انجیل های آیین

مسیحیت نیز منعکس است که در آنها عیسی بارها رسالت خویش را منحصرًا بازگردانیدن گوسفندان راه گم کرده اسرائیل به گله خود دانسته است. مورخ نامی قرن بیستم Arnold Toynbee که بحث جامعی را در «بررسی تاریخ» خود بدین موضوع اختصاص داده است توضیح میدهد که اندیشه جهانی کردن مسیحیت فقط بعد از مرگ عیسی توسط حواریونی پا گرفت که از سرزمین یهود به امپراتوری رم رفتند و در آنجا زمینه را در نزد توده های محروم و سرخورده جامعه اشرافی این امپراتوری برای نشر پیام انقلابی خود مساعد یافتند. با اینهمه قاطعانه ترین تأکیدها را در راستای این اصل پیامبری قومی و نه جهانی، در خود قرآن میتوان یافت، که در آن از آغاز تا انجام، به مناسبتهاهای مختلف و در آیات مختلف، تصریح شده است که خداوند برای هدایت هر قومی رسولی را از میان مردم همان قوم به نزدشان میفرستد تا آنانرا با زبان خودشان به راه رستگاری بخواند و از رفتن به راه شرک برحذر دارد. این قانون از نظر قرآن چنان قاطعیت دارد که در آن تصریح شده است که حتی برای قوم جن نیز قبلاً رسولی از خودشان فرستاده شده است (انعام، ۱۳۰)، و «اگر قرار بود ملائکه هم در زمین قرارگاهی داشته باشند در آنصورت خداوند بر آنان نیز فرشته ای را از میان خودشان به رسالت میفرستاد» (اسرا، ۹۵).

در آیات متعدد دیگر در همین قرآن، تصریح شده است که محمد پیامبری است که از میان قوم عرب به رسالت برای این قوم فرستاده شده است. در دو آیه از قرآن با صراحتی باز هم بیشتر، این رسالت دعوت مردم ام القری و پیرامون آن به توحید و ترک بت پرستی اعلام شده است (شوری، ۷ و انعام، ۹۳).

خود قرآن نیز چنانکه در آیاتی متعدد بر آن تأکید نهاده شده است از این رو به زبان عربی نازل شده است که درک آن برای قوم عرب ممکن باشد. در یکی از این آیات تصریح شده است که اگر قرآن به زبانی عجمی فرستاده نشده، برای این است که کتابی برای عرب است و نه عجم (فصلت، ۴۴).

در خطبه معروف حجة الوداع که پیامبر اندکی پیش از درگذشت خود در ذی الحجه سال ۱۰ هجری خطاب به ده ها هزار نفر از همراهان آخرین سفر حج خود ایراد میکند، وی با تذکر نهایی بخشی از مهمترین قوانین اسلام، بطلان کلیه خونشهایی را که در دوران جاهلیت ریخته شده اعلام میدارد، مکه را شهر حرام میخواند و خونریزی در آنرا ممنوع میکند، مال و جان مسلمانان را بر یکدیگر حرام میکند، گرفتن ربا را بهر صورت که باشد تحریم میکند، سنت نستی را که بموجب آن اعراب برای تطبیق دادن دهم ذیحجه (روز حج) با سال خورشیدی یازده روز به سال قمری میافزودند نفی میکند و ماههای قمری را تنها تقویم مجاز اسلامی میشمارد، بر حرمت چهار ماه رجب و ذیقعد و ذیحجه و محرم که در طول آنها جنگ و خونریزی ممنوع است تأکید میگذارد، و پس از یک سلسله اوامر و نواهی دیگر، با استناد به سومین آیه سوره مائده که «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا» اعلام میدارد که او در این روز رسالت خود را با کامل کردن دین اسلام و شمول آن بر همه مسلمانان بانجام رسانیده است، و خدا را از این بابت شکر میگوید، بی آنکه در سرتاسر این خطبه بسیار مهم سخنی از اینکه میباید این دین از راه جهاد به بیرون از سرزمین عرب نیز گسترش یابد بمیان آید، کما اینکه در آیه خود قرآن نیز چیزی در این زمینه گفته نمیشود، در صورتیکه اگر چنین قراری در میان میبود، محمد در مهمترین خطبه دوران رسالت خود نمیتوانست آنرا نادیده بگیرد و اسلام را به کمال رسیده و نعمت خداوند را بر مسلمانان تمام شده و رسالت خود را انجام یافته اعلام کند.

بخش دوم تاریخ اسلام، یعنی اسلام بعد از محمد، دورانی است که اسلام نه به عنوان یک دین، بلکه تنها به عنوان یک ابزار تبلیغاتی برای مشروعیت دادن به جهش جهانگشایی و غنیمت گیری عرب از جانب دستگاه خلافت به کار گرفته میشود، و

ریشه این تحول اصولی را میباید در عصیانی جست که بلافاصله پس از درگذشت محمد تقریباً سراسر عربستان را فرا گرفت و در تاریخ اسلام از آن به نام «رده» یاد میشود، و در کتاب حاضر فصل مستقلی بدان اختصاص داده شده است.

واقعیتی که عموم پژوهشگران تاریخ اسلام بر آن همداستانند این است که محمد پیش از مرگ نابهنگام خویش هیچ رهنمودی، نه کتبی و نه شفاهی، در باره برنامه های آینده برای جانشینان خویش نگذاشته بود، زیرا که بیگمان هنوز احتمال مرگ نزدیکی را برای خویش نمیداد. ولی خروج غیرمنتظره او از صحنه، راه را بر عصیان ها و ارتدادهای سراسری که با احتمال بسیار در صورت زندگی وی امکانی برای بروز آنها در پیش نیامد گشود و دستگاه خلافتی که با شتاب و از طریق بند و بست ها و بده و بستانهای اضطراری به جانشینی او نشسته بود خود را ناگهان با خطر سقوطی حتمی روبرو یافت که تنها با نیروی نظامی و با سرکوبگریهای بسیار بیرحمانه توانست از آن جلوگیری کند. ولی همین ماجرای خونین بدین جانشینان فهماند که اگر تدبیری برای فرونشاندن نارضایی بادیه نشینان مغلوب شده اندیشیده نشود، خطر آنکه عصیان آنان هر لحظه از سر گرفته شود همچنان باقی خواهد ماند. راه آزموده شده ای که در این مورد برای اینان وجود داشت این بود که شور جنگجویی و بخصوص عطش غنیمت طلبی و غارتگری سنتی این بادیه نشینان ناآرام را به جایی در بیرون از مرزهای سرزمین خشک و بی آب و علف خودشان منحرف کنند، تا از این راه هم آنان را به غنیمت های مورد دلخواهشان برسانند و هم آرامش داخلی را برای خلافت نوحاسته محفوظ نگاه دارند. غارتگریهایی که بدین ترتیب در خاک همسایگان مستقیم عرب صورت گرفت، نخست با سلسله ای از شبیخون ها و زد و خوردهای کوچک در مرزهای ایران آغاز شد که هرچند پیش از آن نیز کم یا بیش سابقه داشت، ولی این بار همبستگی بیشتر غارتگران و ضعف فراوانتر غارت شدگان ابعاد

تازه ای بدانها بخشید، و همین سلسله شیخون ها و غارتها بود که در طول چند سال، چنانکه به تفصیل در «سالنامه های اسلام» Leone Caetani مورد ارزیابی قرار گرفته است، سر از جنگهای تمام عیاری بنام قادسیه و جلولا، برآورد، و خرده غارتگریهای سنتی به بزرگترین غنیمت گیری همه تاریخ اعراب، یعنی تاراج بیدریغ تیسفون و گنجینه های افسانه ای آن منجر شد که طبق افسانه ای از جمله آن افسانه هایی که بعداً ساخته شد، محمد در زمان زندگی خود تصرف آنها را به مؤمنین خویش وعده داده بود.



بسیاری از محققان متذکر شده اند که برخلاف آنچه خود دستگاه خلافت ادعا کرد و بعداً در جریان عمل از جانب تقریباً همه کارگردانان دستگاه بر آن تأکید نهاده شد، منطق شمشیر منطق بنیادی اسلام نبوده بلکه یک منطق تاکتیکی و آنهم برای مدت زمانی معین بوده است، زیرا در ۱۳ سال اول رسالت محمد در هیچیک از آنچه در مکه توسط وی گفته و نوشته شد مطلقاً صحبتی از شمشیر و جنگ بمیان نیامده است. در آن بخش از قرآن نیز که به این مدت مربوط میشود و بخش مکی قرآن شناخته شده است، با آنکه ۸۶ سوره از سوره های ۱۱۴ گانه قرآن یعنی بیشتر از سه چهارم تمام سوره ها و ۴۶۱۷ آیه از ۶۲۳۶ آیه کلی قرآن، یعنی بیشتر از هفتاد درصد همه آیه ها را شامل میشود، حتی یکبار از آن شمشیرکشی که بعداً مأموریت مقدس سعدبن ابی وقاص در حمله به ایران دانسته شد سخنی آورده نشده است. تنها در بخش دیگر قرآن یعنی بخش مدنی آن است که صحبت از قتال و گردن زدن و دست و پا بریدن بمیان آمده است، و این بخش که تنها سه دهم سوره ها و آیه های قرآن را شامل میشود بخشی است که عمدتاً به مبارزات جامعه نوپای اسلامی با دشمنان قریشی این جامعه و قبایل متحد این قریشیان اختصاص دارد. در باره این چرخش بنیادی از موعظه به شمشیر و از «لااکراه فی الدین» به «اقتلوهم حیث ثقتموهم» در

شرایطی که وضع جامعه آنروزی عربستان چنین تحول ناخوشایندی را بصورتی الزامی درآورده بود، بررسیهای فراوانی توسط پژوهشگران صورت گرفته که فشرده‌هایی از آنها در فصول بعدی کتاب حاضر منعکس شده است و در این صفحات محدود نه جای آن است و نه ضرورتی که جداگانه بدانها اشاره شود. آنچه بعکس میباید مورد تذکر خاص قرار گیرد این است که همه آنچه در سوره‌های مدنی قرآن در ارتباط با این شمشیرکشی‌ها و قتال‌ها آمده است مربوط به جنگهای شخص پیامبر در سالهای مدینه است و هر آیه‌ای از آیات ۳۱ گانه‌ای که بدین قتال‌ها مربوط میشود با جنگ مشخصی، و در همه شرایط با حضور شخصی محمد در آن جنگ در مقام رهبر و گرداننده آن ارتباط دارد، و شمول آن بر جنگهای جهانگشایانه بعد از محمد، مغلطه‌ای عمدی است که در تعبیر و تفسیر این آیات انجام گرفته است تا این شمشیرکشیهای تهاجمی را از مشروعیتی که میتوانسته است به شمشیرکشیهای غالباً تدافعی دوران خود محمد تعلق گیرد برخوردار سازد. در این مورد که آیه‌های قتال قرآن در دوران مدینه عمدتاً جنبه دفاعی دارند و نه تهاجمی، یعنی بیشتر به دفاع جامعه مسلمانان از خود در برابر حملات تهاجمی قریشیان مربوط میشوند تا به تهاجم خود مسلمانان، بخصوص بررسی جالبی را توسط Sir Thomas Arnold در کتاب Preaching of Islam او میتوان یافت.

ولی آنچه در این مورد از نظر ایران و تاریخ اسلامی آن مهمتر است این است که به هر حال آنچه در این دوران در داخل عربستان انجام گرفته است، خوب یا بد، به خود جزیره العرب و به مبارزات درونی آن مربوط میشود، و اصولاً به ایران ما ارتباطی ندارد تا در باره آن نیازی به بحث و بررسی در پیش آید، زیرا این ارتباط فقط از آنروز آغاز شد که جانشینان خودخوانده محمد به طمع «خزائن کسری» شمشیر تیز کردند و پای آن اسلامی را که در اصل به عرب و به شبه جزیره عربستان مربوط میشد به ایران و به متصرفات بیزانس کشاندند.

و تازه این «رزمندگان اسلام» اساساً پیام ناشناخته ای نداشتند که برای مردم زرتشتی یا مسیحی ایران و بیزانس به‌همراه بیاورند، آنهم در شرایطی که به ارزیابی مشروح Caetani اکثریت عظیم این بادیه نشینان خودشان هنوز مسلمان نبودند، و شمار اندکی از آنان نیز که ادعای مسلمانی داشتند از آئین نو فقط ایسن را میدانستند که بجای خدایان دروغین زمینی خدای ناپسند و احدی را بنام الله به خدایی بشناسند که جایش در بتکده کعبه نیست و در آسمان است، و تنها چیزی که اینان از قرآن او میشناختند شعار بسم الله الرحمن الرحیم بود، زیرا این کسانی که همگی بیسواد بودند اساساً توانایی خواندن قرآن را نداشتند، و بفرض آنهم که داشتند، هنوز قرآن بصورت مدون در نیامده بود تا در دسترس آنان گذاشته شود.

و همین اسلام سفارشی شمشیر و غارت بود که چهارده قرن تمام بر جهان اسلامی سایه گسترد، بی آنکه از معنویت و فضیلتی که از همان آغاز از آن دریغ شده بود در دورانه‌های بعدی این چهارده قرن نشانی پدیدار شود. درست بالعکس در تمام این ۱۴۰۰ سال، از جانب همه خلافت‌های عرب و ترک، و همه دیگر حکومت‌های مملوک و چرکس و ارناتوت و وهابی جهان اسلامی، و همه بیضه داران بزرگوار دین، چه در بخش تسنن و چه در بخش تشیع آن، کوششی پیگیر در حفظ و تقویت همین اسلام ناصیل مبذول شد، زیرا منافع ریاست طلبی و سودجویی همه آنان تنها با چنین برداشتی از اسلام تأمین میشد. و بنام همین اسلام «سفارشی» شمشیر و غارت بود که در درازای ۱۴۰۰ سال، امپریالیسم‌های ویرانگر عرب و ترک و غز و سلجوقی و مغول و تاتار و قزلباش و ترکمن، یکی بدنبال دیگری در ایران زخم خورده ما شمشیر کشیدند و کشتند و چشم درآوردند و همه اینها را اجرای احکام «اسلام ناب محمدی» نامیدند.

\* \* \*

ایران کهن ما، نخستین و بزرگترین قربانی امپریالیسم بیابانی تازه نفسی بود که خلافت عرب بر آن رنگ سبز مذهب زده بود، اما رنگ واقعی آن، مثل همه امپریالیسم‌های دیگر رنگ خونهای بود

که شمشیرهای بادیه نشینان سعد و قاص را رنگین کرد. در همه این ۱۴۰۰ سال، غارتگرانی که یا از بیابانهای خشک جنوبی آمده بودند و یا از استپ های سرد شمالی، و وجه مشترک جملگی آنها چادرنشینی و بی فرهنگی و راهزنی بود، خون مردمی را که یکی پس از دیگری به اسارت گرفتند ریختند و مالشان را بردند و اصالت روح و اندیشه آنان را به چالش گرفتند. تراژدی کشاکش هزار و چهار صد ساله فرهنگ باروری که روزگاری بر ستایش زندگی و سر سازندگی و آفرینندگی بنیاد نهاده شده بود و بدست اینان تبدیل به فرهنگ مرگ و عزای روضه خوانان و بهشت زهراسازان شد، با فرهنگ غیرایرانی عرب و ترک و قزلباش، از تلخ ترین تراژدیهای تاریخ ایران و همه تاریخ جهان است، زیرا احتضار دردناک فرهنگ والائی است که اگر هم هنوز نفسی برایش باقی مانده است، توانی برایش باقی نمانده است.

مسلماً خود ملت ما نیز سهم خویش را در این تراژدی آفرینی بر عهده دارد، زیرا بیعدالتی های اجتماعی و تبعیضات طبقاتی و بخصوص خودخواهی ها و قدرت طلبی های آخوندان زرتشتی بود که به تعبیر Clément Huart مورخ نامی آغاز قرن بیستم اروپا، در خانه را بروی دزدان باز گذاشت. ولی گناه یک صاحبخانه در بازگذاشتن در خانه اش، بهرحال چیزی از گناه دزدانی که به تاراج خانه میآیند نمیکاهد. اگر جز این بود بر هیچیک از غارتگران شناخته شده تاریخ جهان، آتیلاها، چنگیزها، محمود غزنوی ها، تیمورها، نادرها و سر conquistador های اسپانیائی و دیگر بنیانگذاران امپراتوریهای مستعمراتی کهن و نو نیز جای ایرادی نبود، زیرا که تقریباً همه آنها از باز بودن درهای خانه قربانیان خویش بهره گرفتند.

منافع مشترک همه کارگردانان تاریخ جهان اسلامی، از امیرالمؤمنین های ۱۴۴ گانه عرب و ترک آن که خود را جانشینان بلاعزل پیامبر عرب خواندند، تا پادشاهان و نیمچه شاهان و امیران و ایلخانان و اتابکان و ممالیکی که در طول ۱۴۰۰ سال بر این جهان پهناور حکم راندند و ده ها هزار بیضه دار بزرگ و کوچک دین که به



تعبیر صائب تبریزی بزرگی عمامه و قطر شکم را در جای فضیلت ناموجود گذاشتند و سراسر تاریخ اسلامی را بصورت یک سوپرمارکت دین فروشی و ریا و دروغ و تقریباً همیشه آمیخته با خون و مرگ و اختناق درآوردند، در همه این دوران بر این تمرکز یافته است که همه این شمشیرکشی ها و غارتگریها و دکانداریهای دین را بحساب آن اسلام ناب محمدی گذارند که احتمالاً خود محمد حتی تصویری از آنرا نیز نکرده بود، همچنانکه همه جنایتهای دو هزار ساله کلیسای مسیحیت بحساب آن ژنده پوش ساده دلی نهاده شد که حتی از شنیدن کلمه شمشیر نیز نفرت داشت.

رسالت ایران ما در همه تاریخ اسلامی خودش «نه» گفتن بدین فریبکاری ۱۴۰۰ ساله از همه راههای ممکن بوده است. امروزه نیز رسالت درهم شکستن این حلقه دوزخی، بیش از هر بخش دیگر این جهان اسلامی بر عهده نسل جوان همان کشوری است که شوم ترین آزمایش عصر حاضر این جهان، در کمتر از سه دهه پیش، بدست نسل پدران آن انجام گرفت.

کتابی که اکنون بدست شما میرسد، در هزار و چهار صدمین سالروز نبردی بنام جنگ نهاوند تألیف شده است که عرب آنرا فتح الفتوح نامید، زیرا در این جنگ نه تنها بر شاهنشاهی ساسانی، بلکه بر نیمی تمام از تاریخ ایران - و پرشکوه ترین و سرفرازترین نیمه آن - نقطه پایان گذاشته شد. چه بهتر که نقطه پایانی یک اسلام تقلبی نیز، که نه بدست خود بنیانگذار این آیین بلکه بدست سیاست بازان جانشین او، و نه بصورت یک مذهب بلکه بصورت سرپوش استعماری یک امپریالیسم چماقدار ساخته و پرداخته شد، در چنین سالروزی نهاده شود، یا لااقل زمینه آماده تری برای نهاده شدن چنین نقطه پایانی فراهم آید.

مفهوم این سخن مسلماً این نیست که بر خود آیین اسلام نیز در جامعه ما نقطه پایان گذاشته شود، زیرا که چنین سخنی نه منطقی است، نه واقع بینانه است و نه قانونی است. داشتن یا نداشتن مذهب، و آزادی انتخاب مذهب، از حقوق بی گفتگوی هر فرد بشری

است، و اصلی است که در اعلامیه حقوق بشر، یعنی در پیشرفته ترین منشور تاریخ تمدن انسانی به صراحت بر آن تأکید نهاده شده است، هر چند که در کشور خود ما، بسیار پیش از آن، در فرمان شاه بزرگ هخامنشی بهمین صورت بر آن تأکید نهاده شده بود. هیچ مجوزی سیاسی یا ایدئولوژیک نمیتواند داشتن یا نداشتن مذهبی را به کسی تحمیل کند، زیرا این امری کاملاً شخصی است که به رابطه معنوی انسان با خدای او مربوط میشود. آنچه واقعاً مطرح است این است که از این حق بهمانقدر که آزادانه استفاده میشود، آگاهانه نیز استفاده شود، و این چیزی است که در هیچیک از ادوار ۱۴۰۰ ساله شمشیرکشی و چماقداری تازیان و ترکان در ایران ما، حتی یگروز و حتی یکبار هم رعایت نشده است. اسلامی که بتواند در پایان چهارده قرن اختناق مذهبی به جامعه فردای ما عرضه شود، این بار، و برای نخستین بار در چهارده قرن، میباید صورت یک مذهب داشته باشد و نه صورت یک ابزار سیاست و غارت، و نه در رویارویی با جهان دانش، بلکه در هماهنگی با آن و بعنوان مکمل معنوی مورد نیاز آن، درست بهمانصورت که اکنون مسیحیت به زادگان جهان غرب عرضه میشود.

بگذاریم اسلام سیاسی چماقداری که پس از چهارده قرن میداننداری، و با همه دست بریدنها و سنگسارها و حد زدن ها و تعزیرهایش جز موضع حقیرانه جهان سومی با توشه های گران فقر و جهل و بیماری و فساد و عقب ماندگی چیزی برای بیش از یک میلیارد پیروانش به همراه نیاورده است با جبر تاریخ به فراموشخانه همین تاریخ سپرده شود تا برای همین اسلام امکان آن فراهم آید که این بار در صورت یک مذهب و در تطبیق با الزامات انکارناپذیر تمدن و فرهنگ بشری، پا به میدان گذارد.

\* \* \*

در باره همه آنچه در این فصل «سرآغاز» خواندید، در صفحات آینده کتاب توضیحات خیلی مبسوط تری خواهید خواند که همه آنها به همان شیوه کتاب «تولد دیگری» بر مبنای بررسیهای

دوستان ساله پژوهشگران سرشناس جهان غرب، و در عین حال نوشته های خود مورخان و مفسران جهان اسلامی نوشته شده است و من جانبگیری خاصی از طرف خودم در مورد هیچیک از آنها نکرده ام. ولی، برای پاسخگویی به خواست بسیاری از خوانندگان «تولد دیگری» که مؤکداً نظر خود مرا نیز در باره مسائل طرح شده خواستار شده اند، و در عین حال از این نظر که واقعاً در این مورد برای خود احساس وظیفه میکنم، فصل پایانی کتاب حاضر را بخلاف سایر فصول آن به گفتگویی دوجانبه میان خودم و خوانندگانم اختصاص داده ام، برای اینکه نظرات شخصی خویش را - که حاصل مطالعات و بررسیها و ارزیابی های سالیان دراز من است - با صراحت و صداقتی که هم خواست من و هم مسلماً خواست خوانندگان من است، بدون توجه به اینکه بیضه داران دستاربند یا بی عمامه دین در ارتباط با آن چه خواهند گفت و چه خواهند کرد، با آنان در میان گذاشته باشم، بی آنکه بهیچ صورت قصد قبولاندن پندارهای شخصی خودم را بدانان - که مسلماً هیچکدامشان کمتر از من «بالغ و رشید و عاقل» نیستند - داشته باشم..

## فهرستی از یکصد کتاب «کلیدی» جهان خاورشناسی در ارتباط با محمد، اسلام، قرآن و جهانگشایی عرب که در تدوین کتاب حاضر مورد استناد قرار گرفته اند\*

چنانکه در فصل سرآغاز گفته شد، از آغاز قرن نوزدهم تا پایان قرن بیستم کتابهای تحقیقی فراوانی در ارتباط با تاریخ مذاهب بطور کلی، و با آیین های مختلف این تاریخ بطور خاص (آیین های اساطیری، یهودی، مسیحیت، اسلام، زرتشتی، بودائی، برهمنی، میترائی، مانوی و...) در جهان غرب منتشر شده اند که شمار کلی آنها به چند هزار میرسد. از نظر نسبی، شمار کتابهای مربوط به مذاهب بزرگ، بهمان نسبت شماره پیروان این آیین ها، در درجه اول به جهان مشترک «یهودی - مسیحی» و در درجه بعد به جهان اسلام تعلق دارند.

همه این کتابها طبعاً دارای ارزش علمی و تحقیقی یکسانی نیستند، و بطور کلی در هیچ مورد شمار آثاری که جنبه «کلیدی» دارند، یعنی درهای تازه ای را بروی تحقیقات و آگاهی های مربوط به آیین های مورد ارزیابی گشوده اند از ارقام معدودی فراتر نمیروند. شاید نیازی بدین تذکر نباشد که مراد از این پژوهشها و ارزیابی ها، آنهایی هستند که صرفاً بصورت علمی و تحقیقی، بدون جانگیریهای عقیدتی یا عاطفی تعصب آمیز و جزمی و در خط کلی دانش عصر روشنگری توسط دانشمندانی انجام گرفته اند که تمدن امروزی ما، در آغاز هزاره سوم، دیدگاههای پیشرفته خویش را در همه زمینه ها، و جدا از دیدگاههای سنتی گذشته، مدیون آنها است.

تا آنجا که به موضوع کتاب حاضر مربوط میشود، در اینجا فهرستی از یکصد کتاب «کلیدی» مربوط به بررسیهای دوست ساله

---

\* فهرست دیگر منابعی را که در نگارش کتاب حاضر مورد مراجعه بوده اند در کتابنامه پایانی کتاب خواهید یافت.

جهان غرب را که دنیای دانش امروز از طریق دانشگاه ها و آکادمی ها و سازمانهای علمی و تحقیقی خود بر اعتبارشان صحنه نهاده و آنها را مورد استناد و مراجعه دائمی خود قرار داده است، برحسب تقدم و تاخر تاریخ انتشار آنها و با توضیح کوتاهی در باره محتوایشان نقل میکنم تا کار مراجعه به اصل این مراجع را برای خوانندگان علاقمندی که مایل به چنین مراجعه ای باشند آسان تر کرده باشم.

در این راستا تذکر این نکته را ضروری میدانم که متأسفانه جای کتابهای ارزشمندی که در این زمینه توسط پژوهشگران برجسته روسی نوشته شده اند در این فهرست خالی است، زیرا خود من با زبان روسی آشنا نیستم و این کتابها نیز غالباً به زبانهای غیرروسی ترجمه نشده اند، ولی میتوانم از جمله این آثار از «محمد و ریشه های اسلام» M.N. Petrov ، «محمد» Soloviev . و بخصوص از سه کتاب «منابع تاریخ محمد» و «تاریخ آیین اسلام» و «تاریخ اعراب» A.E. Krymskii محقق سرشناس آغاز قرن گذشته روسیه که در عین حال مترجم بخشی از قرآن نیز بود، و از ترجمه و تفسیر متن کامل قرآن به زبان روسی توسط Yu. Krachkovskii در سالهای دهه ۵۰ اتحاد شوروی (که پس از مرگ مترجم آن بچاپ رسید) نام ببرم. اثر محقق معاصر روسی E.A. Belyaev بنام «اعراب، اسلام و خلافت عرب در قرون وسطی» که ترجمه انگلیسی آن در لندن و نیویورک بچاپ رسیده در فهرست حاضر منظور شده است. از دو اثر جامع دیگر از پژوهشگران سرشناس معاصر روسی بنام «اسلام در ایران» نوشته U.P. Petrushevskii و «تاریخ ایران از دوران باستانی تا سده هجدهم» اثر دسته جمعی چند خاورشناس روس که فصل جامعی از آن (نوشته A.U. Yakubovskii) به ایران و اسلام اختصاص دارد ترجمه های خوبی به فارسی توسط کریم کشاورز در سالهای پیش از انقلاب در تهران منتشر شده اند که شاید تنها نقطه ضعف آنها حواشی جانبگیرانه ای باشد که از دیدگاه یک شیعه متعصب بر اظهارنظرهای صرفاً علمی و تحقیقی پژوهشگرانی مارکسیست افزوده شده است.

\* \* \*

پیش از آنکه فهرست این یکصد کتاب «کلیدی» را نقل کنم،

لازم میدانم بصورتی اختصاصی به معرفی اثری واقعاً استثنایی از میان آنها بپردازم که از آغاز انتشار خود در نخستین سالهای قرن بیستم تا به امروز تقریباً به اتفاق آراء، از جانب دانشمندان خاورشناس غربی، معتبرترین اثر جهان خاورشناسی در رشته مطالعات اسلامی شناخته شده است، هر چند که متأسفانه، هم به علت حجم زیاد خود و هم بمناسبت نامأنوس بودن نسبی زبان ایتالیایی، در ایران ما تقریباً بکلی ناشناخته مانده است. این اثر، دوره ده جلدی *Annali dell'Islam* تألیف پرنس Leone Caetani ایتالیایی است که در طول بیست و دو سال (۱۹۰۴-۱۹۲۶) در شهر میلان به چاپ رسیده و چاپ تازه ای نیز از آن در سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۶ همزمان در هیلدسهایم آلمان و در نیویورک منتشر شده است.

لنونه کائتانی (۱۸۶۹-۱۹۳۵) عضو یکی از خانواده های کهن و بسیار سرشناس ایتالیایی است که از قرن دوازدهم مسیحی به بعد همواره در صحنه سیاسی و اجتماعی این سرزمین حضور مؤثر داشته است. پدر او شهردار رم و سناتور و وزیر امور خارجه ایتالیا بود و خودش عنوان های پرنس «تتانو» و دوک «سرمونه تا» را داشت، ولسی خیلی زود از سیاست کناره گرفت تا خود را وقف فعالیتهای فرهنگی بخصوص در رشته خاورشناسی کند که مورد علاقه خاص او بود. در دوران تحصیلی خود هفت زبان از جمله فارسی و عربی را آموخت. سفرهای متعددی به ایران و هند و مصر و سوریه کرد و در طول سالها یکی از بزرگترین کتابخانه های شرقی را در اروپا برای خود فراهم آورد که در آخرین سالهای زندگانش آنرا به فرهنگستان ایتالیا *Accademia nazionale dei Lincei* اهدا کرد، و همزمان با آن انستیتوی مطالعاتی بزرگی را بنام بنیاد کائتانی بمنظور کمک به ادامه مطالعات اسلامی در این فرهنگستان با سرمایه شخصی خود تأسیس کرد که توضیحات مربوط بدان را در کتابی که خاورشناس دیگر ایتالیایی گابریلی بنام «بنیاد کائتانی برای مطالعات اسلام شناسی» *La Fondazione Caetani per gli studi musulmani* (رم، ۱۹۲۶) منتشر کرده است میتوان یافت. کائتانی از سال ۱۹۰۰ تا هنگام درگذشت خود آثار تحقیقی

متعددی در ارتباط با جهان اسلام بچاپ رسانید که همه از معتبرترین کتابهای نوع خود بحساب آمده اند، ولی بزرگترین کار او چنانکه گفته شد، تدوین *Annali dell' Islam* است که در آن به شیوه تبارخ طبری و تاریخ های مشابه آن، وقایع تاریخ اسلام از سال اول هجری بصورت سال به سال و در حد اعلا تحقیقی، بدون جانبگیری های موافق یا مخالف مذهبی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. انتشار این مجموعه از همان نخستین جلد آن که در آن نزدیک به یکهزار صفحه تنها به تاریخ سه ساله نخستین هجری اختصاص داده شده بود از نظر وسعت بیسابقه تحقیقاتی آن و فراوانی مراجع و اسناد و نحوه تازه ارزیابی های اجتماعی آن و بخصوص آنچه جهان خاورشناسی غرب آنرا «بازسازی تبارخی» نام داده ستایش یکپارچه دانشمندان شرق شناس اروپا و امریکا و در درجه اول اسلام شناسان آنها را برانگیخت. از آن تاریخ ببعده هر چند سال یکبار جلد تازه ای از این سالنامه ها منتشر شد، بطوریکه تا سال ۱۹۲۶ ده جلد کامل از این مجموعه بچاپ رسیده بود.

بموازات انتشار این «سالنامه» ها، کاتتانی کتاب مشابه دیگری را بنام *Chronographia islamica* از سال ۱۹۱۲ ببعده در پاریس منتشر کرد که شامل تاریخ سال به سال کلیه سرزمینهای اسلامی با جنبه تحلیلی کمتر ولی با توجه بیشتر به جنبه تاریخی وقایع بود و از سال اول تا سال ۱۳۲ هجری (۶۲۲ تا ۷۵۰ مسیحی) را دربر میگرفت. از سال ۱۹۱۳ دست به انتشار مجموعه ای سومین از این نوع با عنوان *Chronografia generale dell'Oriente musulmano* (گاهشمار عمومی شرق اسلامی) زد که جلد اول آن وقایع سالهای ۱۳۳ تا ۱۳۴ هجری را شامل میشد، و عملاً مکمل مجموعه دیگری با عنوان *Studi di storia orientale* (پژوهش هایی در تاریخ مشرق زمین) بود که دو جلد اول و سوم آن در سالهای ۱۹۱۱ و ۱۹۱۴ در میلان بچاپ رسید. در سال ۱۹۲۳ کاتتانی با همکاری *Gabrieli* چاپ *Onomasticon Arabicum* (بررسی در اسامی خاص عربی) در رم شروع کرد که جلد اول آن با آنکه بیش از

یکهزار صفحه داشت تنها بخشی از حرف A را شامل میشد، ولی عمر هیچیک از این دو نفر به ادامه این اثر غول آسای تازه کفاف نداد.

کاتسانی در دوران زندگی و پس از مرگ خود مورد احترام فراوان مجامع علمی جهان عرب و بخصوص کشور مصر مرکز فرهنگی این جهان بود و بخشهای متعددی از آثار او در آن کشور ترجمه و چاپ شده است. چندین بار نیز وی سخنرانیهایی در دانشگاه های مصر ایراد کرد.

در باره اثر اصلی او (Annali) دائرة المعارف ایتالیا Enciclopedia italiana چنین مینویسد: «کاتسانی در این مجموعه عظیم، اضافه بر نقل کامل منابع مورد استناد خود در هر مورد، در باره همه آنها به ارزیابی های جامعی نیز میپردازد و بر مبنای این ارزیابی ها در موارد مختلف مراحل گوناگون تکوین و تکامل آیین اسلام را بصورتی که غالباً غسیر از برداشتهای سنتی آنها است بازنویسی میکنند. در مقام یک منقد دقیق و سختگیر، اصالت بخش اعظم از روایاتی را که از دیدگاه او بسیار بعد از محمد در باره دوران اولیه زندگانی پیامبری او ساخته شده اند مورد انکار قرار میدهد و بموازات آن نقش عامل مذهب را در جهانگشایی های اعراب بسیار کمتر از آن میدانند که مورخان مسلمان مدعی آن شده اند. بخصوص وی برای سنت بسیار کهن مهاجرتهای ملل سامی در طول تاریخ (کلدانیان، بابلیان، اکدیان، آشوریان، فنیقیان، سریانیان، یهودیان، فلسطینیان) از زادگاه مشترک خود در عربستان به سرزمینهای پهناور و حاصلخیز خاورمیانه و خاور نزدیک با انگیزه های اقتصادی اهمیت اساسی قائل است، زیرا جهانگشایی عرب را آخرین و مهمترین موج این هجومها میدانند که تحولات ناشی از ظهور اسلام شرایط مساعدی را برای آن فراهم آورد. این تحلیل کاتسانی با آنکه مخالفتهایی را نیز از جانب برخی از خاورشناسان به همراه آورده، تأثیر عمیقی در همه پژوهشهایی که بعد از انتشار این اثر در باره تاریخ باستانی اسلام صورت گرفته، بر جای گذاشته است.

برای اینکه خوانندگان از وسعت بررسیهای «سالنامه های اسلام» در باره وقایع تاریخی مربوط به نخستین چهل ساله دوران اسلامی که



دائرة المعارف ایتالیا بدانها اشاره میکند برداشتی کلی داشته باشند، کافی است تذکر داده شود که بخش مربوط به علل انحطاط شاهنشاهی ساسانی در این کتاب ۵۱ صفحه (ج ۲، بخش ۲، ص ۸۶۱-۹۱۲)، بخش مربوط به هجوم اعراب بدین شاهنشاهی و ارزیابی های مرتبط بدان ۸۵ صفحه (ج ۲، بخش ۲، ص ۹۱۲-۹۹۷)، بخش مربوط به جنگ قادسیه ۹۰ صفحه (ج ۳، ص ۶۲۹-۷۱۹)، بخش مربوط به جنگ جلولاء ۳۲ صفحه (ج ۳، ص ۷۲۰-۷۵۲) و بخش مربوط به جنگ نهاوند ۲۷ صفحه (ج ۴، ص ۴۷۴-۵۰۱) از کتاب را شامل میشود.

کائتانی در شرح وقایع نه تنها از کلیه منابع خبری شناخته شده جهان اسلامی، از ابن اسحاق و ابن هشام و ابن سعد و طبری و بعد از او (که مشخصات مجموع آنها را در فهرست کتابشناسی خود نقل کرده است)، بلکه بموازات آنها از تواریخ غیراسلامی همزمان با این آثار (بیزانسی، لاتینی، ارمنی، گرجی، سریانی، یهودی)، از نسخه های خطی غالباً منحصر بفرد کتابخانه های ملی برلین و پاریس و لندن و رم و اسکوریا، و از کتابهای تحقیقی پژوهشگران اروپایی ماقبل خود بطور وسیعی استفاده کرده است، بطوریکه گاه استنادهای مربوط به یک موضوع کم اهمیت چند سطری، دهها برابر خود موضوع شامل میشود. با اینهمه، ارزش خاص کار او بیش از وسواس در استناد به حداکثر مراجع و منابع، در این است که بجای اینکه به شیوه عمومی مورخان مسلمان تنها به نقل پشت سر هم وقایع اکتفا کند، در هر مورد به شیوه علمی امروزی به تجزیه و تحلیل روایات مختلف و برابر گذاشتن آنها با یکدیگر و ارزیابی های تاریخی و اجتماعی و نتیجه گیری از همه آنها میپردازد، و بدین ترتیب در بسیار موارد به نتایجی درست خلاف آن میرسد که پیش از او مسلم و تردیدناپذیر شناخته شده بودند.

بعنوان نمونه ای از اظهارنظرهای دانشمندان غرب در باره کتاب کائتانی، میتوان این گفته دانشمند بسیار سرشناس دیگر اروپای قرن بیستم در رشته مطالعات اسلامی، I. Goldziher را در مقدمه کتاب «درسهایی در باره اسلام» او نقل کرد:

«برای شناخت کاملتر اسلام، میباید شرایط و عواملی را که

بویژه در سالهای مدینه در این تحول بنیادین نقشی تعیین کننده ایفا کردند هر قدر ممکن باشد بیشتر و بهتر بشناسیم، و در اینجا است که میباید به اهمیت بیسابقه کاری که لئونه کانتانی در کتاب مافوق استثنایی و بی نظیر «سالنامه های اسلام»، در این راستا انجام داده است اشاره کنم، زیرا وی در این اثر عظیم، تمام مراجع موجود در تاریخ اسلام را مورد بررسی تطبیقی و انتقادی چنان گسترده ای قرار داده است که تا با امروز در هیچ اثر دیگر از هیچ محقق دیگری نظیر نداشته است، و حاصل این ارزیابی ارائه برداشتهای فراوان تازه ای در باره بسیاری از واقعیتهایی است که تا پیش از آن بصورت واقعیتهایی مسلم پذیرفته شده بوده اند.<sup>۱</sup>

۱ - پیش از قرن نوزدهم و آغاز انتشار پژوهشهای علمی و تحقیقی واقعی در باره پیامبر اسلام نیز کتابهای چندی در قرون هفدهم و هجدهم در ارتباط با زندگی و آئین محمد منتشر شده بودند که مشخصات شماری از آنها چنین است:  
 زندگی و مرگ محمد *The life and death of Mahomet*، تألیف W. Raleigh، چاپ لندن، ۱۶۳۷.

زندگانی محمد *Life of Mahomet*، تألیف L. Adison، چاپ اکسفرد، ۱۶۷۸.  
 زندگانی محمد، همراه با ترجمه قرآن *La vie de Mahomet; traduction et compilation de l'Alcoran*، تألیف و ترجمه A. Gagnier، چاپ آمستردام، ۱۷۳۱.

زندگانی محمد *Vie de Mahomet*، تألیف Comte de Boulainvilliers، چاپ پاریس، ۱۷۳۹. (ترجمه انگلیسی این کتاب، چاپ لندن، ۱۹۸۳ در لندن).  
 یادداشتی در باره استقرار آیین و امپراتوری محمد *Mémoire sur l'établissement de la religion et de l'empire de Mahomet*، تألیف L.G. de Bréquigny، نشریه آکادمی سلطنتی خطوط و ادبیات فرانسه، چاپ پاریس، ۱۷۶۸.

تاریخ زندگانی محمد، قانونگذار عربستان *Histoire de la vie de Mahomet législateur de l'Arabie*، تألیف François-René Turpin، در سه جلد، چاپ پاریس، ۱۷۷۳.

در سال ۱۷۴۱ نمایشنامه ای بقلم ولتر بنام Mahomet در پاریس منتشر شد، که در سال ۱۷۹۹ توسط گوته به آلمانی ترجمه شد. خود گوته نیز در سال ۱۷۷۵ نمایشنامه منظومی در سه پرده بنام Mahomet تنظیم کرد که چاپ شد، ولسی آن

دیگر کتابهای «کلیدی» فهرست حاضر بدینقرارند:

### ۱- در باره محمد

محمد پیامبر، زندگی و کیش او. Mohammed der Prophet. Seine Leben und seine lehre تألیف Gustav Weil محقق آلمانی، چاپ اشتوتگارت، ۱۸۴۳.

انتشار این کتاب آغازگر دو قرن بررسیهای علمی در باره زندگی و آیین محمد از نوع بررسیهای علمی مشابهی بود که در همین دوران در باره دیگر مذاهب بزرگ یهودی و مسیحیت و زرتشتی و بودایی و میترائی و مانوی و بنیانگذاران آنها در جهان غرب صورت گرفته است و همچنان نیز ادامه دارد. در عین حال این اثر محقق آلمانی مقدمه ای بود بر اثر بزرگ نزدیک به سه هزار صفحه ای دیگر او در باره تاریخ خلافت که تاکنون بهترین اثر نوع خود به شمار آمده است. این دو اثر «ویل» را میتوان پایه گذار مکتب تحلیل علمی تاریخ پیدایش اسلام و تحولات آن دانست.

نیز مانند اثر ولتر به روی صحنه نیامد. این دو اثر صرفاً جنبه فلسفی و ادبی دارند و آثار تحقیقی بشمار نیامده اند.

۱- از نظر تقدم تاریخ انتشار، منطقیاً میباید در اینجا از کتاب Heroes, Hero-Worship and the Heroic in History (قهرمانان، کیش قهرمانی و قهرمان روشی در تاریخ) اثر معروف Thomas Carlyle متفکر و نویسنده قرن نوزدهم اسکاتلندی (۱۷۹۵-۱۸۸۱) یاد شده باشد که در سال ۱۸۴۱ در لندن منتشر شد، و فصلی از آن که شامل تجلیل کم سابقه ای از پیامبر اسلام است از همانوقت در جهان اسلام بازتاب گسترده ای یافت. ولی لازم به تذکر است که این کتاب یک اثر تحقیقی و علمی نیست، بلکه یک برداشت فلسفی و اجتماعی خاص از تاریخ است که بموجب آن سرنوشت تاریخ بشر و تمدنهای آنرا پیش از هر عامل دیگر مردانسی بزرگ در مقام رهبران تاریخ رقم میزنند، و در این جمع کارلایل محمد را همانند کسان دیگری چون لوتر و کرمول و فردریک کبیر و ناپلئون یکی از این رهبران تاریخ ساز دانسته است. تذکر این نکته نیز در عین حال ضروری است که این تجلیل فقط شخص محمد و قدرت رهبری او را شامل میشود و نه آیین او را، زیرا که

محمد و مبانی اسلام *Mahomet et les origines de l'Islam* تألیف Ernest Renan محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۸۵۱.

این تحقیق در آغاز بخشی از کتاب بزرگ «تاریخ مبانی مسیحیت» ارنست رنان را تشکیل میداد، ولی بعداً بصورت جداگانه توسط مجله معروف *Revue des deux mondes* بچاپ رسید. نحوه ارزیابی فیلسوف و روشنگر برجسته فرانسوی (عضو آکادمی فرانسه، رئیس و استاد زبان عبری کلژ دو فرانس) از بنیانگذاری اسلام توسط محمد کمابیش همان نحوه ارزیابی او از بنیانگذاری آئین مسیحیت بدست عیسی در اثر معروف «زندگی مسیح» او است، با این تفاوت که او به موضوع اندیشه های سامی و آریایی در ارزیابی مربوط به اسلام توجه بیشتری نشان داده است. در این هر دو مورد وی هیچ نقشی واقعی برای جنبه های مافوق الطبیعه و معتقدات تلقینی قائل نشده است.

زندگانی محمد *The Life of Mahomet* تألیف Sir William Muir محقق انگلیسی، در چهار جلد، چاپ لندن، ۱۸۵۸-۱۸۶۱.

کتابی راهگشا از یکی از برجسته ترین محققان اسلام شناس قرن نوزدهم انگلستان، که در آن به شیوه تاریخ نگاران بزرگ جهان مسلمان جریان وقایع سالهای شکل گیری اسلام در عربستان و بعد از آن بصورت زمان بندی شده و سال به سال مورد تحلیل قرار گرفته است. اهمیت خاص این کتاب نوآوری های آن در تجزیه و تحلیل علمی حوادث و تحولات است که از این لحاظ میتوان آنرا زمینه اساسی کار لئون کانتانی در تدوین «سالنامه های اسلام» دانست.

کارلایل در چند جای دیگر نسبت به قرآن و محتوای آن نظراتی نامساعد ابراز میدارد. فصل محمد کتاب کارلایل با عنوان «محمد الهدی والرحمه» به عربی و از عربی توسط حاجی میرزا ابوعبدالله زنجانی به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۱۵ با عنوان «زندگانی محمد یا تاریخ حیات پیغمبر اسلام» در تبریز به چاپ رسیده است و بعد از آن نیز پنج بار دیگر با مقدمه و اضافات حاج عباسقلی واعظ چرندابی تجدید چاپ شده است.

زندگانی و آیین محمد Das Leben und die Lehre des Mohammed  
تألیف A. Sprenger محقق اتریشی، در سه جلد، چاپ  
برلین، ۱۸۶۱-۱۸۶۹.

کتاب «کلیدی» دیگری از یکی از پژوهشگران برجسته نیمه قرن  
نوزدهم اروپا در رشته مطالعات اسلامی. این کتاب همپای دو کتاب  
Weil و Grimme از کتابهای کلاسیک مکتب اسلام شناسی آلمان در  
سالهایی بشمار میروند که آلمان «لابراتوار خاورشناسی اروپا» نام  
گرفته بود. اشپرنگر بخلاف عقیده سنتی در باره بیسوادی محمد،  
معتقد است که او نه تنها از سواد کافی بلکه از آگاهی های تاریخی و  
مذهبی کافی نیز برخوردار بوده است، که با توجه با خانواده ای که در  
آن پرورش یافته، و اینکه بیوه ثروتمندی او را به مباشرت امور بازرگانی  
خود برگزیده است امری منطقی مینماید. از دیگر نظرات اشپرنگر این  
است که ساختن خانه کعبه بدست ابراهیم و فرزندش اسماعیل توسط  
خود محمد مطرح شد تا از این راه اسلام از یهودیت بطور قاطع جدا  
شود، و تا پیش از آن صحبتی از این موضع در میان نبود.

اشپرنگر که در عین حال پزشک برجسته ای بود، موضوع  
دریافت وحی را از جانب محمد به نوعی بیماری صرع او مربوط  
میداند که در آن اندیشه ها و خواستهای نادانسته خود او بصورت  
الهامی از بیرون منعکس میشد، ولی بخلاف کسانی دیگر آنها را  
صحنه سازی نمیداند. در این راستا فی المثل وی مینویسد که در  
هیچیک از دیگر متون مقدس مشرق زمین موردی نمیتوان یافت که  
اتفاق کاملاً شخصی و زودگذری چون علاقه پیامبر به همسر پسر  
خوانده اش زید و نزول وحی هایی در جهت ارضای خواست او موضوع  
آیه هایی قرار گرفته باشد که مسلمانان بعدی تا پایان جهان آنرا  
بصورت متن مقدسی بخوانند و تکرار کنند.

زندگانی محمد Das Leben Mohammad تألیف Theodor  
Nöldeke محقق آلمانی، چاپ هانوفر، ۱۸۶۳.  
رشته تخصصی نولدکه - یکی از سه پژوهشگر درجه اول

مطالعات اسلامی در اروپای دو قرن گذشته - بررسیهای مربوط به قرآن است، و کتاب زندگانی محمد او که سه سال بعد از انتشار نخستین متن «تاریخ قرآن» وی بچاپ رسید در واقع مقدمه ای بود که مؤلف کتاب Geschichte der Qoran ارائه آنرا برای آگاهی خوانندگان کتاب خود ضروری دانسته بود. این کتاب بصورت بخشی از Orientalische Skizzen نولدکه منشر شد.

زندگانی محمد Hubert Muhammed. Das Leben تألیف Grimme، چاپ مونستر، ۱۸۹۲.

انتشار این کتاب بحث انگیز، نقطه عطفی در تاریخ مطالعات مربوط به ظهور و تکامل آئین اسلام است. «گریمه» در این اثر - که کانتانی آنرا جالبترین کار تحقیقی اروپای قرن نوزدهم در رشته بررسیهای اسلامی دانسته است - نه تنها بسیاری از معتقدات سنتی پذیرفته شده و جاافتاده تاریخ نویسان قرون گذشته جهان مسلمان، بلکه نظرات مورخان و محققان غربی گذشته را نیز در باره تحولات صدر اسلام و جهانگشایی های اسلامی به پرسش گرفته و پاسخهای تازه ای بدانها داده است که بعداً موضوع بررسیهای گسترده تر پژوهشگرانی چون کانتانی و بکر قرار گرفت و به تکمیل و تأکید آنها انجامید.

گریمه برای نخستین بار جنبش اسلامی محمد را بیشتر از جنبه مذهبی آن، از جنبه اجتماعی مورد تحلیل قرار داده و با تشریح شرایط اقتصادی نامطلوب جامعه مکی در دوران محمد که بر اثر تغییر شرایط سنتی بازرگانی خارجی حجاز این جامعه را بصورت جامعه ای دو قطبی مرکب از اقلیتی بسیار ثروتمند و اکثریتی محروم و تنگدست درآورده بود و امکان همه گونه فشار ظالمانه را از جانب توانگران قریش بدین توده ها میداد، نتیجه میگیرد که نهضت اسلامی محمد بیش از هر چیز جنبه یک جنبش سوسیالیستی بمفهوم امروزی آنرا داشت و اصول مذهبی آن نیز بخصوص بر این زیربنای اجتماعی شکل گرفته بود. نظرات گریمه در دوران او بحثهای فراوانی را میان طرفداران و مخالفان این ارزیابی برانگیخت.

زندگانی محمد La vie de Mahomet، نوشته E. Dermenghem، محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۹۲۹. ترجمه انگلیسی چاپ نیویورک، ۱۹۳۰؛ ترجمه ایتالیایی چاپ میلان، ۱۹۳۳؛ ترجمه اسپانیایی چاپ بارسلونا، ۱۹۴۲.

این کتاب بمناسبت سادگی و روانی آن از هنگام انتشار با استقبال بسیار مواجه شد. در برداشتهای آن ویژگی خاصی دیده نمیشود، ولی چگونگی ارتباط حوادث با یکدیگر و مقاطع اساسی دوران شکل گیری اسلام که بر آنها تکیه خاص نهاده شده است تازگی دارد. فصول ۲۴ گانه کتاب با سلمان فارسی و عام الفیل و خدیجه آغاز میشود و با ماجراهای مدینه النبی و تحولات مربوط به یهودیان و مسیحیان و داستان زینب همسر زید و عایشه ادامه مییابد و سرانجام با حجة الوداع و مرگ نابهنگام محمد و آشفتگی هایی که در انتظار خلافت بود پایان میپذیرد.

محمد، زندگی و آیین او Mohammed, hans liv och hans tro نوشته Tor Andrae محقق سوئدی، چاپ استکهلم، ۱۹۱۸، ترجمه آلمانی با عنوان Mohammed, sein Leben und sein Glaube چاپ گوتینگن، ۱۹۳۲؛ ترجمه اسپانیایی چاپ مادرید، ۱۹۳۳؛ ترجمه ایتالیایی چاپ رم، ۱۹۳۴؛ ترجمه انگلیسی چاپ لندن، ۱۹۳۶؛ ترجمه فرانسوی چاپ پاریس، ۱۹۴۵. از همین محقق Der Ursprung des Islams und das Christentum (ریشه های اسلام و مسیحیت)، چاپ اوپسالا، ۱۹۲۶ و Die Person Muhammed (شخصیت محمد)، چاپ اوپسالا، ۱۹۳۹.

انتشار کتابهای سه گانه تور آندره، استاد دانشگاه اوپسالا سوئد، از طرف عموم خاورشناسان نقطه عطف دیگری در تاریخ مطالعات اسلام شناسی اروپا به حساب آمده است. وجه مشخص این هر سه بررسی، بازسازی دقیق محیط اجتماعی و جو مذهبی و شرایط اقتصادی و فرهنگی عربستان قرون ششم و هفتم میلادی است که اسلام در آن پا به وجود گذاشت، و از خلال آن میتواند به بسیاری از پرسشهایی که برای یک انسان قرن بیستم یا آغاز هزاره سوم مطرح

میشود پاسخ داده شود. مؤلف بر این عقیده است که محمد واقعاً آنچه را که وحی های او نامیده شده است، در شرایط روحی و عصبی خاصی دریافت میکرد و بخلاف آنچه بسیاری در این باره اظهار نظر کرده اند این دریافت وحی صحنه سازی و تظاهر ساده ای نبود، هر چند که خود او نیز ریشه ای ماورا، الطبیعه برای آن قائل نیست. بخش بزرگی از دیگر بررسیهای او به دریافت های اسلام از جریانهای فکری و مذهبی دیگر و ارزیابی نحوه این دریافت ها اختصاص یافته است، که از آن میان توجه خاص نویسنده به تأثیر مانویت در شکل گیری اسلام شایان تذکر است، زیرا این بحث چندین صفحه تمام از کتاب او را شامل میشود. در باره داوری جهان غرب در مورد محمد، وی بسیاری از نقاط ضعف مختلفی را که عادتاً بدو نسبت داده میشود میپذیرد، ولی متذکر میشود که در مورد هر قضاوتی میباید شرایط فکری و اجتماعی زمان را در نظر گرفت و نه شرایط امروزی را، و در این راستا به عنوان یکی از دوست داشتنی ترین محاسن پیامبر اسلام بر این تأکید میگذارد که وی هیچگاه خود را فرد کامل و خطاناپذیری بشمار نیاورد و درست بعکس بارها کاستی های خود و اشتباه پذیریش را پذیرفت، امری که هرگز در مورد آنهایی که به جانشینی او نشستند اتفاق نیفتاد.

زندگانی محمد Muhammed liv تألیف Franz Buhl محقق دانمارکی، چاپ کپنهاگ، ۱۹۳۰. ترجمه آلمانی این کتاب توسط خود مؤلف Das Leben Mohammed، چاپ لایپتسیگ، ۱۹۳۱.

استاد دانمارکی در عین آنکه بسیاری از رویدادهای دوران مدینه زندگانی محمد را با دیده انتقادی ارزیابی میکند و آنها را نوعی قبول این اصل معروف جهان سیاست قرار میدهد که «برای رسیدن به هدف میتوان از هر وسیله ای استفاده کرد»، میکوشد تا غالب آنها را الزامی توجیه کند که بدو تحمیل شده است. فشرده ای از این کتاب توسط خود مؤلف در دائرة المعارف اسلام Encycloepadia of Islam (چاپ اول، ج ۳۰، ص ۱۹۳۶ به بعد) در مبحث قرآن بچاپ رسیده است.



محمد و شارلمانی Mahomet et Charlemagne، تألیف Henri Pirenne محقق بلژیکی، چاپ بروکسل و پاریس، ۱۹۳۶.

بررسی تاریخی همه جانبه ای است در ریشه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی رویارویی دو واحد سیاسی بزرگ اروپا و آسیا در طول قرون وسطی که از نظر کلی در دو دنیای مسیحی و مسلمان متجلی شده است، و در ارزیابی آکادمیسین و استاد بلژیکی آغاز قرن بیستم، مظاهر بنیادی این دو جهان محمد در شرق و شارلمانی در غرب بودند. بخش نخستین این کتاب، که انتشار آن انعکاس فراوانی در اروپا یافت، به تحلیل جامعی از تحولات سیاسی و اقتصادی اروپای ژرمنی و رومی بعد از هجوم های معروف قبایل شمالی به امپراتوری رم و با توجه خاص به شرایط بازرگانی و دریای مدیترانه و نقش دولتهای نوخاسته در فرانسه و آلمان و بخصوص کلیسای مسیحیت و دربار مذهبی واتیکان در سالهای آغاز قرون وسطی اختصاص یافته است، و بخش دیگر آن به پیروزیهای برق آسای اعراب در خاور نزدیک و افریقای شمالی و شبه جزیره ایبریا و جنوب ایتالیا که عملاً ساختار سیاسی و اقتصادی اروپای شارلمانی را بهم میریزد و پرده آهنینی در دریای متوسط (مدیترانه) میان شرق و غرب میکشد که جز بندر قسطنطنیه (بیزانس) و چند بندر ایتالیایی (ونیز و باری و آمالفی) همه این دریا در درون آن قرار میگردد، و این وضع که قرنها ادامه مییابد، غرب را که تا آنوقت عمدتاً با زندگی طفیلی یعنی با فرآورده های صادره از شرق مسیحی اداره میشد به بهره برداری مستقیم از منابع کشاورزی و اقتصادی خودش وامیدارد که سرانجام تحول فراگیر اقتصادی جهان غرب را بدنبال میآورد. کتاب محمد و شارلمانی با وجود گذشت زمان همچنان یکی از مراجع اساسی بررسیهای خاورشناسی بخصوص در رشته های اجتماعی و اقتصادی است.

مسئله محمد، بررسی تحلیلی در باره زندگانی بنیانگذار اسلام

Le problème de Mahomet ; essai de biographie critique du fondateur

de l'islam تألیف Régie Blachère محقق فرانسوی و مترجم کاملترین ترجمه قرآن به زبان فرانسه، چاپ پاریس، ۱۹۵۲.

نویسنده کتاب از سرشناس ترین مترجمان قرآن در جهان غرب است و از این دیدگاه طبعاً صلاحیت بسیاری در بررسی تحلیلی زندگی و آیین محمد با توجه به آشنایی نزدیک خود با جزئیات آیات قرآنی دارد. با اینهمه وی، بطوریکه خودش نیز متذکر شده است شخصاً پیرو هیچ مذهبی نیست و شاید بهمین جهت بهتر توانسته است در باره نکات مورد نظر خود صرفاً از دیدگاه علمی و با موشکافی هایی انتقادی بررسی کند. این بررسی در هشت مبحث جداگانه با عناوین منابع اصلی و برداشتهای تکمیلی، مسئله زمان بندی (کرونولوژی)، گهواره اسلام، محمد پیش از پیامبری، آغاز دعوت در مکه و اعلام مبارزه با بت پرستی، شکست رسالت محمد در مکه و استقرار و تثبیت جامعه اسلامی در مدینه، سیر تحول اسلام مکی به اسلام مدنی، گسترش اسلام در عربستان و انجام برنامه اسلامی شدن آن در زمان درگذشت محمد، صورت گرفته است.

محمد در مکه Muhammed at Mecca و محمد در مدینه Muhammed at Medina، دو تألیف W. Montgomery Watt محقق انگلیسی، چاپ لندن، ۱۹۵۳ و ۱۹۵۶. ترجمه فرانسه بخش اول توسط ماکزیم رودنسن محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۹۵۸.

ترکیبی از محتوای این دو کتاب، بصورتی فشرده تر ولی همراه با بررسیهایی تازه، در سال ۱۹۶۱ در کتاب دیگری بنام «محمد، پیامبر و دولتمرد» Muhammed, Prophet and Statesman در لندن منتشر شد. در سال ۱۹۶۸ کتاب چهارمی در همین راستا با عنوان «اسلام چیست؟» What is Islam از همین محقق در لندن بچاپ رسید.

دو کتاب محمد در مکه و محمد در مدینه از زمان انتشار خود کتابهایی کلاسیک در این رشته تلقی شده اند. ویژگی این هر دو کتاب تحلیل همه جانبه ای از تفاوتهای دو دوران مکی و مدنی پیامبر اسلام در ارتباط با شرایط مختلف قبیله ای و اجتماعی و اقتصادی و

فرهنگی کاملاً متفاوت این دو شهر و تأثیر آن‌ها در شکل‌گیری کلی اسلام و در همه تاریخ بعدی آن است. در کتاب سومی بر نقش عمدتاً سیاسی و بسیار کمتر مذهبی محمد در مدینه، و در کتاب چهارم به جامعه‌شناسی اسلامی در صدر اسلام و در طول تاریخ آن تا به امروز تکیه نهاده شده است.

در میان پژوهشگرانی که زندگانی محمد را موضوع تحقیقات خود قرار داده‌اند، مونتهگومری وات که خود شخصیتی روحانی است برداشتی مساعدتر از غالب محققان دیگر در مورد وی دارد. بخصوص در تحلیل دوران مکی او بر این تأکید می‌گذارد که محمد به عوامل بنیادی تشنج‌های اجتماعی و ناآرامی‌های زمان خود در جامعه مکه پی برده بود و بهمین جهت موفق شد ایسن بحران را در چهارچوب مشخصی قرار دهد و بر مبنای آن یک رهبری مافوق‌قبیله‌ای در عربستان بوجود آورد که در نهایت برای همه قابل قبول باشد.

محمد و قرآن، زندگینامه تحلیلی پیامبر اسلام و ارزیابی‌هایی از پیام او *Mahoma y el Korán. Biografía crítica del Profeta y estudios de su mensaje*، تألیف Rafael Casinos-Assens محقق اسپانیایی، چاپ بوننوس آیرس، ۱۹۵۴.

اثر تحلیلی جامعی از کشوری اروپایی است که هشتصد سال تمام پیوند بسیار نزدیکی با جهان اسلام داشته است. بهمین جهت تحلیل محقق اسلام‌شناس برجسته قرن بیستم اسپانیا در ایسن راستا برخلاف دیگر همکاران غربی او مایه‌زیادتری از عوامل احساسی و عاطفی دارد.

محمد، شخصیت او و پیام او: تولد جهان مسلمان *Mahomet, l'homme et son message; naissance du monde musulman*، تألیف Maurice Gaudefroy-Demombynes محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۹۵۷.

انبوهی است از تقریباً همه مدارک و اطلاعاتی که گردآوری

آنها در زمان مؤلف امکان داشته است. این کتاب قطور حاصل بیست سال کار دانشمند و پژوهشگر سرشناس قرن بیستم فرانسوی است، با این ویژگی که این مدارک عمدتاً بر منابع سنتی متکی هستند و نوآوری تحقیقی خاصی در آنها نمیتوان یافت، و اصولاً اینکار برای مؤلف امکان پذیر هم نبود، زیرا هنگام انتشار آن در سال ۱۹۵۷، وی ۹۴ سال داشت.

محمد Mahomet، تألیف Maxime Rodinson محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۹۶۱.

در این کتاب، یک مارکسیست سرشناس، و در عین حال یک کارشناس برجسته بررسیهای اسلامی، زندگی یک حماسه آفرین بزرگ (اصطلاح خود او) را از زمان گمنامی و یتیمی او تا زمان بنیانگذاری نخستین دولت متمرکز عربی در سرزمین قبیله ها و بادیه نشینان مرحله به مرحله در فصول مختلفی بنام زادگاه جغرافیایی اسلام، تولد یک پیامبر، تولد یک آیین، پیمبر مسلح، تولد یک حکومت، ارزیابی میکند و سرانجام آنرا با فصل پیروزی بر مرگ پایان میرساند. برداشتهای زیربنایی کتاب غالباً تازگی دارند و بخصوص تحلیل و تجزیه های اجتماعی و اقتصادی آن با نوآوری های بسیار همراه است، ولی در هیچیک این تحلیل ها جایی برای عوامل ماوراء الطبیعه منظور نشده است.

محمد Mahomet، تألیف Roger Arnaldez محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۹۷۵.

اثری است از یک استاد کهنسال و یک خاورشناس سابقه دار، که درست در جهت عکس «محمد» ماکزیم رودنسون توسط یک مسیحی معتقد و گاه متعصب، ولی منحصر بر اساس علمی و تحقیقی نوشته شده است. این کتاب به نوشته خود مؤلف آن معارضه ای میان مسیحیت و اسلام نیست، بلکه کوششی برای شناساندن عوامل پیدایش اسلام و چگونگی شکل گیری و نشو و نمو آن به خواننده ناآگاه یا کم

آگاه غربی است. به تعبیر «پیرسن» مؤلف مجموعه Index Islamicus کوششی است برای «درک از درون» یک حرکت فراگیر مذهبی که «بهرحال میباید راه همزیستی با آن را آموخت». با اینهمه در کتاب جای مهمی به انتقاد اساسی نویسندگان غربی در زمینه درآمیختن مذهب و شمشیر و عوارض این امر در تحولات جامعه اسلامی زمان محمد و بخصوص بعد از او، داده شده است.

محمد Mahomet، تألیف Roger Caratini محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۹۹۳.

از تازه ترین بررسیهای مربوط به پیمبر اسلام است. کتاب قطوری با مدارک و اطلاعات بسیار، بخصوص همسراه با تابلوها و گرافیک ها و آمارهای فراوان، که نویسنده هرکدام از آنها را با توضیحات زمانی و مکانی مستندی همراه کرده است.

از همین نویسنده قبلاً کتاب قطور دیگری در ۸۰۰ صفحه با عنوان Le génie de l'islamisme (در ارتباط با عنوان کتاب «نبوغ مسیحیت» شاتوریان) منتشر شده بود که در سال ۱۹۹۲ با عنوان تازه L'Islam, cet inconnu در پاریس تجدید چاپ شد. هر دو کتاب به احتمال بسیار در ارتباط با مراکز مذهبی خاصی تدوین شده اند و بدین جهت جنبه حاد اسلام گرایانه دارند، هر چند که در نحوه تنظیم مطالب آنها روش تحقیقی غربی بکار رفته است.

## ۲- در باره اسلام

تاریخ اندیشه های زیربنایی اسلام در اتباط با خدا و پیامبری و

حکومت Geschichte der herrschenden Ideen der Islam; der

Alfred F. von Gottesbegriff, die Prophetie und Staatidee

Kremer محقق آلمانی، چاپ لایپتسیگ، ۱۸۶۸.

نخستین اثر تحقیقی در نوع خود و یکی از معتبرترین کتابهای

اسلام شناسی جهان غرب است که تا به امروز همواره از مراجع اصلی پژوهشگران رشته مطالعات اسلامی بشمار آمده است. از کرم اثر دیگری با عنوان «تاریخ تحولات فرهنگی در جهان اسلام» Culturgeschichtliche Streifzüge auf dem Gebiete des Islams نیز در سال ۱۸۷۳ در لایپتسیگ منتشر شد که مانند کتاب قبلی او مورد ستایش جامعه خاورشناسی اروپا قرار گرفت. در هر دو کتاب، مؤلف کوشیده است تا چگونگی شکل گیری مبانی ایدئولوژیک اسلام را با توجه به شرایط زمانی و مکانی عربستان قرون ششم و هفتم میلادی و در عین حال سهم مذاهب سامی و آریایی ماقبل اسلامی را در ارتباط با پیروان آنها در حجاز عصر محمد از دیدگاهی تحلیلی مورد بررسی قرار دهد.

#### نگرشی در تاریخ آیین اسلام Essai sur l'histoire de l'Islamisme

تألیف Reinhart Dozy محقق هلندی، چاپ لیدن و پاریس، ۱۸۷۹.  
«دوزی» سرشناس ترین پژوهشگر تاریخ و تمدن اسپانیای مسلمان، این کتاب را به عنوان مقدمه ای بر سلسله تحقیقات خود در باره اسپانیای عرب (الاندلس) تألیف کرد، ولی خیلی زود خود این اثر او بصورت یک کتاب کلاسیک تاریخ اسلام در آمد. برداشتهای تحلیلی نویسنده در این کتاب بیشتر به سود گرایش تسنن در جهان اسلامی است که وی آنرا علی الاصول یک گرایش مذهبی دمکراتیک میداند، هرچند که موروثی شدن خلافتهای مسلمان را محکوم میکند و آنرا بدعتی در اصول می شمارد، در صورتیکه تشیع را به سبب ساختار موروثی آن و بخصوص امتیازات تبعیض آمیزی که به امامان آن داده شده است یک گرایش مذهبی استبدادی تلقی میکند.

#### اسلام در خاورزمین و باخترزمین Der Islam im Morgen-und

Abendland تألیف A. Müller محقق آلمانی، در دو جلد، چاپ برلین، ۱۸۸۵-۱۸۸۷.

پژوهش همه جانبه ای است در نزدیک به ۱۴۰۰ صفحه، در مبانی تاریخی، جغرافیایی، فکری و سیاسی انواع مختلفی از اسلام که

از همان پایان قرن اول هجری در بخشهای شرقی و غربی جهان اسلامی پدیدار شدند و ارتباط هر یک از آنها با تمدن‌ها و فرهنگهای زیربناسایی سرزمینهایی که بدست تازیان گشوده شده بود.

از همین پژوهشگر اثر دیگری با عنوان Beiträge zur Geschichte der Westlichen Araber (بررسی در تاریخ عربهای باختری) در دو جلد در سالهای ۱۸۶۶ و ۱۸۷۸ در مونیخ منتشر شد که در آن اختصاصاً به حکومت‌های عرب در افریقا و اروپای جنوب غربی توجه شده بود.

سیر تحول الهیات و فقه و اصول اسلامی Development of Muslim Theology, Jurisprudence and Constitutional Theory  
تألیف D.B. Macdonald محقق امریکایی، چاپ نیویورک، ۱۹۰۳.

این کتاب از اولین آثار تحقیقی مربوط به فقه و قضای اسلامی بود که در جهان غرب منتشر شد. پیش از آن اثر مفصلی با عنوان حقوق اسلامی Droit musulman توسط E. Clavel در پاریس منتشر شده بود، ولی تا پیش از انتشار کتاب شاخت در سال ۱۹۵۰، این اثر «مکدونالد» بهترین اثر پژوهشی غربی در این زمینه در خاورشناسی غرب بحساب می‌آمد. در این کتاب، مؤلف منابع اولیه فقه اسلامی را در کتابهای مذهبی قبلی و در سنن و رسوم ماقبل اسلامی عربستان و شرایط روزمره سالهای شکل‌گیری جامعه اسلامی در مدینه، و بدنبال آن مقرراتی که در ارتباط با تحولات بعدی جامعه اسلامی و شرایط ناشی از دوران فتوحات و ورود جوامع پیشرفته‌ای در آسیا و شمال افریقا به جهان اسلامی وضع آنها ضرورت یافته است، در تطبیق با حدیثها و روایاتی که غالباً با هدف پاسخگویی به همین نیازها ساخته شدند، مورد بررسی قرار داده است.

پژوهشهای اسلامی Muhammedanische Studien و درسهایی در باره اسلام Vorlesungen über den Islam تألیف Ignaz Goldziher محقق مجارستانی، بترتیب در دو جلد چاپ لاهه ۱۸۹۹-۱۹۰۰، و در یک جلد، چاپ هایدلبرگ، ۱۹۱۰.

دو اثر بنیادی از یکی از بزرگترین چهره های اسلام شناسی جهان غرب، که همانند «سالنامه های اسلام» لئونه کانتانی از ارکان مطالعات اسلامی شناخته شده اند و باوجود گذشت یک قرن همچنان از منابع الزامی پژوهشهای مربوط بدین رشته بشمار میآیند. در میان بیش از پانصد کتاب و مقاله تحقیقی گلدتسیهر در ارتباط با اسلام، این دو اثر که حاصل بیش از سی سال کار مداوم این محقق در این زمینه اند، دو شاهکار بی گفتگوی او دانسته شده اند.

در کتاب دو جلدی و هشتصد صفحه ای پژوهشهای اسلامی (یا پژوهشهای محمدی)، گلدتسیهر نهضت اسلامی را به عنوان مبارزه ای میان تمدن دوران بت پرستی اعراب و مشخصات ساختاری آن یعنی تأکید بر موازین نژادی و قومی و اشرافیت عربی آمیخته با خصائص شجاعت و مردانگی و گذشت و در عین حال خودخواهی و سودپرستی، و تمدن تازه ای مبتنی بر نفی همه این امتیازات اشرافی و قومی و بنیانگذاری جامعه ای بر پایه ارزشهای اخلاقی و معنوی و مسئولیت افراد در برابر قدرتی واحد و برتر مطرح و ارزیابی میکند که سرانجام به پیروزی آرمانهای اسلامی میانجامد، و لسی چیزی نمیگذرد که رویارویی مشابهی این بار میان خود عربهای پیروزمند که باوجود مسلمان شدن غالب خصایص دوران بت پرستی خود را در صورتی نو همچنان حفظ کرده اند و ملتهای مغلوب ولی متمدن تر، به ویژه ایرانیان، درمیگیرد<sup>۱</sup> و بار دیگر شکست آریستوکراسی تغیسیر شکل یافته عربی را بدنبال میآورد و در نتیجه پیروزی عرب به زبان و مذهب، آنهم تنها در زمینه های فقهی محدود میماند. بخش دوم این کتاب ارزیابی گسترده و محققانه ای در باره تاریخ حدیث در اسلام و بررسی تحولات وسیع سیاسی و مذهبی جامعه اسلامی در طول قرون بر مبنای پژوهش در نحوه این حدیث سازها، و هدفها و خواستههای پشت

---

۱ - I. Goldziher، سخنرانی در کنگره اول کارشناسان مذاهب، پاریس، سال ۱۹۰۰. متن این کنفرانس در Revue de l'histoire des religions، دوره چهل و سوم، سال ۱۹۰۰ با عنوان «اسلام و آیین پارسی» بچاپ رسیده است.



پرده سازندگان آنها و پرده برداری از جریانهای مختلف سیاسی است که در پشت واژه های حدیث ها پنهان شده است. بخش پایانی همین جلد به تاریخچه ای تحلیلی از اولیاء و مقدسین اسلام سنی و شیعه و پیوندهای بسیاری از معتقدات توده ها با پندارهای بت پرستان پیشین و تقسیم بندی این «اولیاء» از دیدگاههای اقلیمی و قومی و گونه گونی آنها در سرزمینهای اسلامی اختصاص یافته است.

کتاب دیگر، درسهایی در باره اسلام، در طول بخشهای ششگانه خود (محمد و اسلام، نشو و نما، باورها، رشد عقاید قشری، فرقه گرایی ها، تصوف، جنبشهای مذهبی دورانهای متأخر) جوانب مختلف اندیشه اسلامی را در ارتباط با فرقه های مختلف و مسائل فلسفی و کلامی و فقهی و عرفانی و تسنن و تشیع و مهدویت و اجتهاد و جنبشهای مذهبی دو قرن گذشته با همین نحو موشکافی مورد تحلیل و تجزیه قرار داده است. ترجمه انگلیسی این کتاب با عنوان Mohammed and Islam در سال ۱۹۱۷ در نیوهایون (امریکا)، ترجمه فرانسوی آن با عنوان Le dogme et la loi de l'islam در پاریس در ۱۹۲۰، ترجمه عربی آن با عنوان العقيدة والشريعة فی الاسلام در قاهره و بغداد و اکرا (غنا) در ۱۹۴۶ و ترجمه فارسی آن با عنوان درسهایی در باره اسلام در بیروت در سال ۱۳۵۵ شمسی و در تهران در سال ۱۳۵۷ شمسی منتشر شده اند.

چهار اثر تحقیقی از Julius Wellhausen منتشره در برلین در سالهای ۱۸۸۹ تا ۱۹۰۱: «مدینه در دوران پیش از اسلام» Medina vor dem Islam، «نظام حکومتی محمد در مدینه» Muhammeds Gemeindeordnung von Medina، «مقدمه ای بر نخستین سالهای تاریخ اسلام» Die Prolegomena zur ältesten Geschichte von Islam، «فرقه های مذهبی - سیاسی اپوزیسیون در صدر اسلام» Die religiös-politischen Oppositionsparteien im alten Islam

این هر چهار اثر محقق برجسته آلمانی از زمان انتشار تا به امروز از بهترین آثار تحقیقی جهان غرب در ارتباط با دوران

شکل گیری اسلام بشمار آمده اند و بسیاری از تحقیقات بعدی از آنها مایه گرفته اند. اثر «کلیدی» دیگر این نویسنده بنام «دولت عرب و سقوط آن» Das Arabische Reich und seine Sturz که در سال ۱۹۰۲ در برلین منتشر شده، مکملی بر این چهار اثر است که در جای خود بدان اشاره خواهد شد.

ولهاوزن همانند محقق معاصر خود گلدتسیهر اصالت تقریباً همه احادیثی را که ترکیب حکومت و فقه و قضای اسلامی زمان خلفای اموی و عباسی در قرون دوم و سوم هجری بر آنها استوار شده است مورد تردید قرار میدهد و معتقد است که بسیاری از این احادیث اصولاً برای این ساخته شده بودند که اعتبار حدیثهای قبلی را که از نظر خلافت نامطلوب تلقی میشدند خنثی کنند.

دعوت اسلامی: نظری تاریخی به نحوه گسترش آئین اسلام The

Preaching of Islam : a History of the propagation of the musulman faits

تألیف T.W. Arnold محقق انگلیسی، چاپ لندن، ۱۸۹۶.

بررسی گسترده ای است در نحوه دعوت اسلامی، براساس برداشتی بکلی تازه که در کتاب حاضر با تفصیل بیشتر از آن سخن خواهد رفت. پژوهشگر انگلیسی در این اثر تحقیقی خود با بررسی دقیق در آیه های مربوط به «قتال» و جهاد در قرآن، نتیجه میگیرد که کلیه این آیه ها به شرایط زمانی و مکانی معینی مربوط میشوند، یعنی از نظر زمانی تنها دوران خود محمد را در مدینه و از نظر مکانی غزوات او را علیه «مشرکون» بخصوص قریش دربرمیگیرند و هیچکدام مفهوم آنچه را که بعداً بصورت جهاد تهاجمی علیه غیرمشرکین یعنی پیروان دیگر مذاهب توحیدی در آمد ندارند، به اضافه بر این تاکید میگذارد که در سوره های مدنی همواره جهاد و قتال از جانب مسلمانان بصورت تدافعی و نه تهاجمی مورد بحث قرار گرفته است و این جنبه تهاجمی جنبه ای بود که بعد از محمد بدانها داده شد. بررسیهای آرنولد در موارد متعدد مورد استناد لئون کانتانی در «سالنامه های اسلام» قرار گرفته است. این کتاب توسط محقق معاصر مصری حسن ابراهیم حسن

و عبدالمجید عابدین و اسمعیل الخراوی با عنوان «الدعوة الى الاسلام» به عربی ترجمه شده و در سال ۱۹۴۷ در قاهره بچاپ رسیده است.

### آیین محمد. نبوغ سامی و نبوغ آریایی در اسلام

Le mahométisme. Le génie sémitique et le génie arien dans l'Islam  
تألیف بارون کارادووو Carra de Vaux محقق فرانسوی، پاریس، ۱۸۹۷.  
بررسی محققانه ای است در باره نقش اندیشه های زیربنایی مذاهب سامی و اندیشه های بنیادی آیینهای آریایی در شکل گیری و تکامل اسلام، در سالهایی که بازار این بحث در خاورشناسی اروپا بسیار گرم بود. کارادووو در مقام یک استاد برجسته مطالعات اسلامی مؤلف اثر پنج جلدی معروف «اندیشمندان اسلام» Les penseurs de l'Islam (چاپ پاریس، ۱۹۲۱-۱۹۲۶)، و در مقام یک ایران شناس برجسته، مؤلف کتابهای «ابن سینا»، «غزالی»، «سهروردی و مکتب اشراق» است که در سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۲ در پاریس به چاپ رسیده اند. کارادووو مؤلف اثر دیگری بنام La doctrine de l'Islam نیز هست که به معرفی کلی اسلام اختصاص داده شده است ولی آنرا نمیتوان جزو آثار واقعاً ارزنده این رشته مطالعات بشمار آورد.

### منابع اصلی اسلام Original Sources of Islam، تألیف William

Tisdall، محقق انگلیسی، چاپ ادین برو، ۱۹۰۱.  
این کتاب آغازگر سلسله کتابهای متعددی است که در قرن گذشته در باره ریشه های یهودی، مسیحی، صابئی، زرتشتی، مانوی قرآن و معتقدات ماقبل اسلامی خود اعراب انتشار یافتند، و پژوهندگان سرشناسی از قبیل آرتر جفری A. Jeffery، آبراهام گایگر A. Geiger، ریچارد بل R. Bell، رابرت اسمیت R. Smith، میلز L. H. Mills، و شاپیرو L. Schapiro را از جمله آنان نام میتوان برد. ویلیام تیسدال در کتاب خود به ویژه بر وامهای فراوانی که قرآن از منابع عبری گرفته تأکید نهاده است، با این تذکر که این اقتباس بیش از آنکه از اصل تورات و کتابهای عهد عتیق صورت گرفته باشد از

شرح‌ها و تفسیرهای «میدراشی» یسهود بر کتاب مقدس که در عربستان پیش از اسلام رایج بوده صورت گرفته است، بدین جهت هم مطالب قرآن و هم مطالب این تفسیرها، با متون واقعی تورات و عهد عتیق تفاوت دارند. بعنوان نمونه وی از اشتباهی میان کلمه Ur و Or در مورد ابراهیم یاد میکند که بموجب آن بجای اینکه از جانب یهوه به ابراهیم گفته شده باشد «ترا از شهر Ur نجات دادم» گفته شده است ترا از آتش (Or) نجات دادم، و این زیربنای تمام داستان نجات ابراهیم از آتش قرار گرفته که در قرآن به تفصیل از آن یاد شده است.

محمد و ظهور اسلام Mohammed and the Rise of Islam تألیف  
D.S. Margoliouth محقق انگلیسی، چاپ لندن و نیویورک، ۱۹۰۵.

مارگولیوئث، محقق انگلیسی پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، یکی از اسلام شناسان غربی است که در دنیای اسلامی بسیار شناخته شده اند. در طول بیست سال وی استاد زبانهای عربی و عبری دانشگاه اکسفورد بود و در همه این مدت از بهترین عربی دانان اروپا بشمار میرفت. مدتی نیز ریاست انجمن پادشاهی آسیایی انگلستان را بعهده داشت. از کارهای تحقیقی مهم او چاپ متن و ترجمه تجارب الامم ابن مسکویه، چاپ متن عربی و ترجمه انگلیسی رسائل ابی العلاء معری، چاپ ویراستاری شده معجم الادبای یاقوت و چاپ نخستین فرهنگ زبان سریانی است. کتاب «محمد و ظهور اسلام» او که در سالهای آغازین قرن بیستم همزمان در اروپا و امریکا بچاپ رسید، بیشتر به تحلیل جامعه عربی صدر اسلامی و تحولات آئین اسلام، با نظری غالباً انتقادی اختصاص یافته است و امتیاز خاص آن دسترسی وسیع نویسنده به منابع قدیم و جدید عربی است.

مارگولیوئث با این برداشت سنتی که عربستان ماقبل اسلامی جامعه ای بسیار عقب افتاده بود و فقط با ظهور اسلام تحول اساسی یافت موافق نیست و حتی از برخی جهات در این راستا برای اسلام نقشی بازدارنده قائل است. جامعه اسلامی را نیز، آنطور که در طول قرون شکل گرفته است تا حد زیادی جامعه ای درسته میدانند که راه را

برای هرگونه دگرگونی و تحول به روی خود بسته است، و متذکر میشود که معتقدات مسلمانان امروز در مورد ارتباط محمد با نیروهای غیبی تفاوت زیادی با عقیده فرقه مذهبی «مورمون» امریکا در باره ارتباط جوزف اسمیت بنیانگذار مذهبی خودشان با فرشته ای که از آسمان برای او وحی میآوردده است ندارد.

آیین محمدی Mohammedanism، تألیف C. Snouk-Hurgronje، محقق هلندی، چاپ نیویورک، ۱۹۱۶.

بررسی های اسلامی اسنوک هورکرونخه، خاورشناس برجسته هلندی پایان قرن نوزدهم با چاپ اثر تحقیقی او بنام *Het Mekkaanse Feest* در سال ۱۸۸۰ در لیدن و اثر تحقیقی دو جلدی دیگرش بنام *Mekka* در سال ۱۸۸۸ در لاهه جای مهمی در اسلام شناسی اروپا احراز کرد، و با انتشار «آیین محمدی» او در نیویورک به مرحله کمال خود رسید. وی در بررسی های خویش بخصوص اشکال اساسی قوانین و مقررات اسلامی یعنی انعطاف ناپذیری آنها و عدم امکان تطبیقشان را با شرایط و تحولات زمانی مورد ارزیابی قرار داده است و متذکر میشود که از قرن سوم هجری بعد، این قوانین و مقررات بصورتی در آمدند که از نظر مکتبهای اسلامی به همه مشکلات و مسائل فردی و اجتماعی جامعه مسلمان در آنها پاسخ داده شده بود و دیگر هیچگونه تغییر یا تعدیلی در آنها مجاز نبود. این تحجر، اگر چه در عین انحطاط و زوال سازمانهای سیاسی اسلامی در طول قرون ثبات احکام و اصول مذهبی را تضمین کرده، ولی بهمان نسبت امکان هماهنگی جامعه اسلامی را با تحولات تاریخی جامعه بشری کاهش داده است.

بررسیهای اسنوک هورکرونخه تأثیر عمیقی در مکتبهای فکری پژوهشگران بعدی چون شاخ و وانس برو داشته است. از خود شاخ برگزیده ای از مجموعه افکار او بنام *Selected Works of C. Snouk-Hurgronje* در سال ۱۹۵۷ در لیدن بچاپ رسیده است.

تأثیر معتقدات دوران بت پرستی در اسلام

The influence of Animism in Islam، تألیف S. Zwemer، چاپ لندن، ۱۹۲۰.

بررسی گسترده ای در این زمینه است که چگونه معتقدات مذهبی یا خرافاتی عربستان ماقبل اسلامی در مقیاس وسیعی، گاه بصورت اصلی و غالباً با اندکی تغییر در آیین اسلام پذیرفته شده اند. در این مورد به ویژه از سنت حج و مراسم مختلف آن (سعی بین صفا و مروه، رمی جمره (سنگ پرانی به شیطان)، بوسیدن حجرالاسود، قربانی) و اصولاً از خود این سنت (که به نوشته زومر در دوران جاهلیت انجام مراسمی برای واداشتن خدای خورشید به دادن سالی پربرکت و باران خیز و بارور کردن احشام بوده است)، از اعتقاد به اجنه و نقش مهم آنان در زندگی روزمره آدمیان و حتی از ازدواج آنها با زنان مسلمان، از «زنان جادوگری که روی گره ها میدمند» (سوره فلق، آیه ۴)، از «تاریکی شب که بدی و شر به همراه میآورد» (همان سوره، آیه ۳)، از «چشم بد» حسودان (همان سوره، آیه ۵)، از «اجنه و سوسه گری که در درون آدمیان پنهان میشوند» (سوره ناس، ۳-۵)، از رسم پاشیدن خاک نفرین شده به سوی دشمن (سوره انفال، آیه ۱۷) یاد شده است. نویسنده متذکر میشود که «در سال دهم هجری محمد با پیروزی در مکه بت‌های مورد پرستش اجداد خودش و دیگر مشرکان عربستان را شکست، اما آثار دوران بت پرستی آنها را از میان نبرد، بلکه این بار با دادن عنوان الهی و مذهبی بدانها بسیاری از آنها را با صورتهایی دیگر و غالباً ناهمگون وارد آیین خود کرد».

رنسانس اسلام در قرن چهارم هجری

Die Renaissance des Islams im XI Jahrhundert تألیف Adam Mez، در دو جلد، چاپ هایدلبرگ، ۱۹۲۲، ترجمه انگلیسی توسط مارگولیو و خدابخش، با عنوان The Renaissance of Islam in the XIth Century، چاپ پتنه (هندوستان)، ۱۹۳۷، ترجمه اسپانیایی با عنوان El renacimiento del Islam چاپ مادرید، ۱۹۳۶، ترجمه عربی با عنوان «الحضارة الاسلامیه فی القرن الرابع الهجری» چاپ قاهره، ۱۹۵۷، ترجمه فارسی

با عنوان تاریخ تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، در دو جلد، چاپ تهران، ۱۳۴۳.

بررسی گسترده ای در این واقعیت است که قرن چهارم هجری علیرغم بحران سیاسی جهان اسلام و آغاز فروپاشی امپراتوری عرب، قرن شکوفایی بیسابقه ای در قلمرو فکری و فرهنگی و هنری دنیای اسلامی نیز بود.

بررسیهای اسلامی Islamstudien، تألیف K.H. Becker محقق آلمانی، در دو جلد، چاپ لایپتسیگ، ۱۹۲۴.

کارل بکر آخرین فرد از سلسله اسلام شناسان درجه اولی است که در دو قرن نوزدهم و بیستم دانش اسلام شناسی جهان غرب را با مطالعات و تحقیقات وسیع خود در جنبه های مختلف آن بوجود آوردند و به اوج خود رسانیدند. «بررسی های اسلامی» این محقق یکی از بنیادی ترین آثار در جمع دستاوردهای این پژوهشها است، که از نظر برداشتهای تاریخی، اجتماعی و اقتصادی خود با «سالنامه های اسلام» کاتتانی بسیار نزدیک است و بخصوص بر نقش اصولی غنیمت گیری در فتوحات اسلامی تأکید دارد.

معتقدات و سازمانهای اسلامی Islam; croyance et institutions تألیف H. Lammens محقق روحانی بلژیکی، چاپ بیروت، ۱۹۲۶.

تحلیل و تجزیه غالباً جانبگیرانه ولسی آمیخته با اطلاعات وسیعی در زمینه تاریخ عرب و جامعه صدر اسلامی از جانب یک محقق روحانی بلژیکی است که در نزد کمتر محقق دیگری نظیر آنرا در چنین ابعادی میتوان یافت. تقریباً همه زندگی علمی و تحقیقی نویسنده در مقام استادی دانشگاه فرانسوی سن ژوزف بیروت گذشته است.

لامنس نیز مانند ولهاوزن و کاتتانی و گلدتسیهر و همفکران آنها به صحت روایاتی که در قرون اولیه اسلام از قول پیامبر نقل شده اند اعتقاد ندارد و به گفته برنارد لیوئیس آنها را مجموعه جعلیاتی میداند که توسط نسلهای سوم و چهارم بعد از محمد بر پایه

نوشته های قرآنی ساخته و پرداخته شده اند تا پاسخگوی نیازهای دوران خود این نسلها باشند. نظرات لامنس بخصوص مورد توجه و پیروی اسلام شناسان روسی نیمه اول قرن گذشته قرار گرفت و پیدایش تنوری های انقلابی گاه شگفت آوری را باعث شد.

راهنمای انساب و زمان بندی های تاریخ اسلام Manuel de  
Edward von Zambaur *généalogie et de chronologie pour l'histoire de l'Islam*  
محقق اتریشی، چاپ هانور، در ۲ جلد، ۱۹۲۷.

اثری است کلاسیک در زمینه تاریخ زمان بندی شده اسلام و نسب نامه های شخصیت‌های نامدار جهان اسلام، که نه تنها اسلام عربی، بلکه بخشهای ایرانی، ترکی و هندی جهان اسلام را نیز دربرمیگیرد، ولی قسمت مربوط به اندونزی و آفریقای سیاه آن جامعیت لازم را ندارد. با همه پژوهشهایی که در طول سه ربع قرن پس از انتشار این کتاب در راستای مسائل مورد بحث آن در جهان باستان شناسی و سنگنوشته ها و سکه شناسی و بررسیهای تاریخی صورت گرفته است، هنوز اثر کاملتری که بتواند جانشین آن شود منتشر نشده است. ترجمه عربی این کتاب با عنوان معجم الانساب والاسرات الحاکمه فی التاریخ الاسلامی در سال ۱۹۵۱ در قاهره بچاپ رسیده است.

اسلام Islam، تألیف Henri Massé محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۹۳۰. ترجمه انگلیسی در ۱۹۳۸، ترجمه آلمانی در ۱۹۵۷، ترجمه عربی در ۱۹۶۰، ترجمه روسی در ۱۹۶۱.

خاورشناس فقید فرانسوی که فرهنگ ایران با او در مقام یک ایران شناس صمیمی آشنایی نزدیکی دارد، در این اثر جالب خود نیز توجه خاص به آنچه را که به تاریخ و فرهنگ ایران میشود فراموش نکرده است. کتاب او به شش فصل تقسیم میشود که پیدایش اسلام و مبارزات پیمبر آن در مکه و مدینه تا بهنگام درگذشت وی فصل اساسی آنرا شامل میشود. بقیه فصول بترتیب عبارتند از: سلطه جویی



عرب در زمان خلفای راشدین، مبانی قانون در اسلام (قرآن، سنت، حدیث، فقه)، معتقدات جزمی، تحولات مذهبی و فلسفی و فرقه های مختلف اسلامی، اسلام ترکی و اسلام ایرانی. کتاب «اسلام» هانری ماسه با توجه به آشنایی کامل او با زبان و ادبیات عرب (که وی سالیان دراز تدریس این زبان را بر عهده داشت) از نظر استناد به منابع اصلی عربی و فارسی اثری بسیار مستند است.

ایمان اسلامی The Muslim Creed، نوشته A.J. Wensinck، محقق انگلیسی، چاپ کمبریج، ۱۹۳۲.

رشته تخصصی ونسینک حدیثهای اسلامی است، بهمین جهت مهمترین «کشف الاحادیث» جهان اسلام در دوره ای هفت جلدی در بیش از پنجهزار صفحه توسط او و گروهی از همکارانش در سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۶۹ در لیدن به چاپ رسیده است. ولی نتیجه گیری خود او از بررسی همه این احادیث، تأییدی بر بررسیهای قبلی گلدتسیهر در این باره است که تقریباً همه حدیثهای اسلامی بسرای پاسخگویی به هدفها و نیازهای معین سیاسی یا حکومتی یا فردی در دوره هایی خاص و در شرایط زمانی و مکانی معین ساخته شده اند، و بجای آنکه منعکس کننده واقعیتهایی مذهبی باشند، بیانگر تحولات مختلفی هستند که جهان اسلام، بخصوص دستگاههای خلافت، در طول قرون اولیه اسلامی صحنه آن بوده اند. در عین حال از دیدگاه وی مقررات کنونی اسلام که عموماً بر اساس این احادیث وضع شده اند عمدتاً همان اصولی هستند که در اوایل دوران خلافت عباسی در ارتباط با شرایط اجتماعی و اقتصادی آن زمان برقرار شده اند و با شرایط امروزی جهان بشری و دنیای اسلامی همخوانی ندارند.

تاریخ ملتها و دولتهای اسلامی Geschichte der islamischen Völker und Staaten تألیف Carl Brockelmann محقق آلمانی، در سه جلد، چاپ لیدن، ۱۹۳۹.

اثری کلاسیک از یکی از برجسته ترین خاورشناسان آلمانی

قرنهای نوزدهم و بیستم است که محصول بررسیهای سی ساله او در رشته مطالعات اسلامی در مقام استاد مطالعات شرقی دانشگاه هاله آلمان و استاد زبانهای سامی دانشگاه برسلاو چکوسلواکی است. بروکلن در عین حال مؤلف تاریخ ادبیات عرب، گرامر تطبیقی زبانهای سامی، صرف و نحو زبان عبری و فهرست کتابهای چاپ شده عربی است. ترجمه فارسی «تاریخ ملتها و دولتهای اسلامی» او در سال ۱۳۴۶ توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب در تهران بچاپ رسیده است.

عشق

آیین اسلام Mohammedanism و بررسی هایی در باره تمدن اسلامی Studies on the Civilization of Islam تألیف H.A.R. Gibb محقق انگلیسی، چاپ لندن، ۱۹۴۹ و ۱۹۶۲.

آخرین کتابهای «کلیدی» قرن بیستم انگلستان در رشته مطالعات اسلامی و نوشته یکی از بزرگترین اسلام شناسان قرن بیستمند. گیب که خود در اسکندریه زاده شده بود، بدین شهرت داشت که نه تنها عربی را بخوبی یک عرب حرف میزند بلکه آنرا به فصاحت یک نویسنده عرب نیز مینویسد. بیش از سی سال استاد زبان و ادبیات عرب در دانشگاههای لندن و اکسفورد و هاروارد بود و در این مدت آثار متعدد دیگری نیز منجمله «تفکر دینی در اسلام» را بزبان فرانسه منتشر کرد، که در همه آنها نقش بنیادی را در تمدن و فرهنگ اسلامی برای ایران و نه خود دنیای عرب قائل است. پس از مرگ دارایی او بنا به خواست همسر وی وقف بنیاد انتشارات گیب در هلند شد که تاکنون کتابهای فارسی متعددی به چاپ رسانیده است.

گیب بخاطر گرایش شدید مذهبی خود با هرگونه برداشتی در باره اسلام که در ماهیت یک «دین» در برابر اندیشه های ضد دینی و به پرسش گرفتن ضوابط مختلف مذهبی از جانب آنها خللی وارد آورد مخالف است، و بر این اساس هر جا که پای نفی اسلام در میان میآید، با همه وابستگی خود به مسیحیت سعی در تعدیل آن دارد. با اینهمه جا و بیجا نشان داده است که جز از این دیدگاه، اعتقاد زیادی به

ایرادناپذیری بسیاری از ضوابط اسلامی ندارد. مثلاً در کتاب «آیین اسلام» خویش مطالعه هفت کتاب مربوط به جهان اسلام و عرب را به خوانندگان خود توصیه میکند که دو اثر معروف R.A. Nicholson با عناوین «تاریخ ادبیات عرب» و «تصوف در اسلام» در صدر آنها قرار دارند، و در این دو کتاب، در اولی میتوان خواند که: «تردیدی در این نمیتوان داشت که قرآن اثری است که بدست انسان نوشته شده است»، و در دومی: «خواننده غربی قرآن نمیتواند با توجه به ناهماهنگی ها و ضد و نقیض گویی های نویسنده آن در موارد بحث از مسائل و مشکلاتی بنیادین از شگفتی برکنار بماند».

در جای دیگر همین کتاب «آیین اسلام»، نویسنده اظهارنظر میکند که: «در اسلام، هر انسانی باید بطور دائم در وحشت و بیم از خداوند بسر ببرد و پیوسته مراقب باشد که چگونه گلیم خود را از آب بیرون بکشد. این حالت روحی مفهوم اصطلاح ترس از خدا است که تقریباً سراسر قرآن را فرا گرفته است، زیرا بنیاد اخلاق مذهبی در آیین بر این قرار گرفته است که هر بنده خدایی بطور دائم در خطر خشم فرمانروایی باشد که با قدرت نامتناهی خود بر او نظارت میکند».

ریشه های قضای اسلامی The Origins of Muhammedan Jurisprudence، تألیف J. Schacht محقق آلمانی، چاپ اکسفورد، ۱۹۵۰؛ از همین مؤلف: «نگرشی به حقوق اسلامی» An Introduction to Islamic Law چاپ اکسفورد، ۱۹۶۴. دو اثر بنیادی در باره ضوابط و مقررات قضائی اسلام و ریشه های آنها با بررسی های جامع مؤلف در زمینه فقه و حقوق اسلامی و ضوابط قضائی جوامع مسلمان، که در دو کتاب نامبرده و در دو مقاله تحقیقی او با عناوین Islamic Religious Law (در مجموعه The Legacy of Islam) و Law and Justice in Islam (در The Cambridge History of Islam) بچاپ رسیده، مکتب تازه ای در مبحث فقه اسلامی در مطالعات اسلام شناسی جهان غرب گشوده شده است، هر چند که عملاً میتوان آنرا ادامه مکتب «گلدتسیهر» با توجه به تحقیقات پنجاه ساله بعد از او بشمار آورد.

ارزیابی های ساخت بدین نتیجه میرسد که مبدأ زمانی قوانین و مقررات مذهبی اسلام، نه دوران خود محمد است و نه قرآن، بلکه همه آنها دست کم یک قرن بعد از محمد، با روشهای معمول زمان خلافت خلفای اموی و برای پاسخگویی به نیازها و خواستههای خاص آنان، منتها با توجه به متون قرآنی و کاربرد اصطلاحات آن شکل گرفته اند، و برای مشروعیت این شکل گیری حدیثهایی بی اعتبار ساخته شده اند تا وجود تنوری های مذهبی قبلی یا رسوم برقرار شده دینی را بی ارزش کنند، و از این رو نویسندگان آنها را «ضد حدیث» نامیده است. از نظر ساخت حتی یک حدیث از حدیثهایی که به خود محمد نسبت داده شده اند اصالت ندارد، زیرا عادتاً حدیثهای ساخت حدیث سازان به صحابه محمد و حدیثهای صحابه محمد به خود او منتسب شده اند و بدین ترتیب زیربنای فقه و حقوق اسلامی روایاتی است که تقریباً همه آنها بی اعتبارند.

از همین مؤلف قبلاً کتابی با عنوان Der Islam. Religionsgeschichtliche Lesebuch نیز در سال ۱۹۳۱ در توینگن بچاپ رسیده بود.

اسلام شناسی Islamologia تألیف دسته جمعی، زیر نظر Felix Pareja محقق و روحانی اسپانیایی، با شرکت Alessandro Bausani محقق ایتالیایی، Ludwig von Hertling محقق آلمانی، J. du Bois محقق فرانسوی، چاپ مادرید، ۱۹۵۲-۱۹۵۴ در دو جلد. ترجمه فرانسه با عنوان Islamologie، چاپ بیروت در دو جلد، ۱۹۵۷-۱۹۶۳. جامعترین کار تحقیقی است که در زمینه مسائل مربوط به تاریخ و فرهنگ و اندیشه اسلامی از جانب خاورشناسی کشوری که بیش از هر کشور اروپایی دیگر سابقه ارتباط تاریخی نزدیک با دنیای اسلام را دارد انجام گرفته است، به اضافه بررسیهایی که کارشناسان برجسته چندین کشور دیگر اروپایی در زمینه های تخصصی کار خود در آن شرکت جسته اند. «فلیکس پارخا» سرپرست تدوین این مجموعه خودش یک مقام عالیرتبه روحانیت کاتولیک اسپانیا بود که در سال ۱۳۵۰

خورشیدی در مقام رئیس انجمن خاورشناسان اسپانیا در کنگره جهانی ایران شناسان در شیراز شرکت جست.

اسلام کلاسیک Classical Islam و اسلام قرون وسطی Medieval Islam، تألیف G. von Grunebaum محقق آلمانی الاصل امریکایی، چاپ شیکاگو، بترتیب در ۱۹۵۰ و ۱۹۵۳. از همین محقق: Islam Essays in the Nature and Growth of a Cultural Tradition چاپ شیکاگو، ۱۹۵۵.

فن گرونباوم که سالیان دراز استاد مطالعات اسلامی دانشگاه شیکاگو بود و سهم بزرگی را در پیشرفت این مطالعات در امریکا دارد، در هر سه کتاب خود کوشیده است تا بخصوص جنبه های سازنده اسلام را، در عین انتقادهایی که به گوشه هایی از آنها دارد مورد بررسی و معرفی قرار دهد، و به ویژه ارتباط اسلام و مسیحیت را در هر دو صورت یونانی و لاتینی آن بازسازی کند، زیرا وی تاریخ قرون وسطی دو جهان مسیحیت و اسلام را مرتبط با رشد، تکامل و انحطاط روابط متقابل این سه واحد سیاسی - فرهنگی میداند. در فصول ده گانه کتاب اسلام قرون وسطی (ویژگیهای قرون وسطی، مسیحیت و اسلام، پایه مذهبی وحی، پارسایی، قانون و دولت، نظم اجتماعی، ایدئال انسانی، ادب و تاریخ، اقتباسهای خلاقه و نتیجه گیری نهایی) این زیربنای فکری او مورد ارزیابی عمیق قرار گرفته است.

ساختار اجتماعی اسلام The Social Structure of Islam، تألیف R. Levy، محقق انگلیسی، در دو جلد، چاپ همزمان در کمبریج، نیویورک و ملبورن، ۱۹۵۲.

احتمالاً جامعترین پژوهشی است که تاکنون در زمینه اجتماعی اسلام انجام گرفته است. مؤلف که سالیانی ممتد استاد فارسی دانشگاه کمبریج بوده است در این دوره هشتصد صفحه ای پس از سه بحث اساسی مربوط به وضع مردان و زنان و کودکان، بترتیب مسائل زیر را از دیدگاه اجتماعی مورد بررسی مستند قرار داده است: فقه و قضای

اسلامی، اخلاق و عواطف در اسلام، ضوابط و رسوم و قوانین مربوط به زندگی روزمره، خلافت و حکومت مرکزی، حکومت‌های محلی تابع خلافت، سازمان نظامی اسلام، نجوم و سایر علوم اسلامی. در همه این موارد، تحولات ناشی از اقتباس‌هایی که خلافت‌های عرب برحسب نیازهای خود از تمدن‌های کشورهای تصرف شده در دو قرن اول هجری بعمل آورده اند، همراه با دستکاریهایی که در راستای منافع حکومتی و خصوصی خود خلفا و دستگاه‌های خلافت به خواست آنها در قوانین اولیه قرآنی صورت گرفته به ارزیابی گذاشته شده است، ولی تذکر داده میشود که در قرون بعد رکود و تحجر قوانین و مقررات میان جهان اسلامی و دنیای غرب فاصله ای پدید آورده که پیوسته بیشتر شده است. از این نویسنده بحث کوتاه ولی جالبی در همین زمینه در مجموعه «میراث ایران» اثر دسته جمعی عده ای از دانشمندان بچاپ رسیده است.

انشعاب‌ها در اسلام Les schismes dans l'Islam، تألیف  
H. Laoust محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۹۶۵.

بررسی محققانه ای است در ماهیت فرقه گرایی و انشعاب‌های فراوانی که از همان قرن اول تاریخ اسلام بطور پیگیر در این آیین روی داده است، و ارزیابی مذهبی، تاریخی و اجتماعی در باره انگیزه های غالباً سیاسی این انشعابها، همراه با بررسی تطبیقی وسیعی در دو بخش اساسی تسنن و تشیع، که آنرا احتمالاً بصورت بهترین کتاب پژوهشی نیمه دوم قرن در این زمینه درآورده است. چاپ تجدید نظر شده ای از این کتاب با عنوان کثرت گرایی ها در اسلام Pluralismes en Islam بصورت نشریه ویژه مطالعات اسلامی در سال ۱۹۸۳ در پاریس منتشر شده است.

تمدن اسلام کلاسیک La civilisation de l'Islam classique،  
تألیف مشترک Dominique & Janine Sourdel محققان فرانسوی، چاپ  
پاریس، ۱۹۶۸.

اثر تحقیقی ارزنده ای است که به ویژه به ارزیابی واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و مدنی جامعه اسلامی در گذشته و حال توجه دارد، و بهمین جهت در همه این زمینه‌ها غالباً مورد استناد پژوهشگران در کتابها و مقالات تحقیقی آنان قرار میگیرد. تصویرها و تابلوها و نقشه‌های متعدد جغرافیایی نیز امتیاز دیگری برای این اثر است. بخش نخستین این کتاب به تحلیل بنیانگذاری و نیرومندی و سپس تجزیه و انحطاط یک امپراتوری، بخش دوم آن به بررسی‌های مذهبی و اجتماعی جهان کلاسیک اسلام (که مسائل سیاسی، حقوقی، اداری و فرهنگی آنرا در برمیگیرد)، و بخش پایانی آن به بررسی‌های اقتصادی و محیط‌های اجتماعی (شهرها، کاخهای حکومتی، امور راهسازی و عمرانی، صنعت و کشاورزی) اختصاص یافته است. با توجه به انتشار این اثر در نیمه دوم قرن بیستم که امکان بهره‌گیری از بررسی‌های محققان پیشین را به نویسندگان آن داده است، «تمدن اسلام کلاسیک» قسمتی از بهترین دستاوردهای تحقیقی قبلی در همه این زمینه‌ها را بصورتی مختصر و مفید در هفتصد صفحه مورد تلفیق قرار داده است.

اسلام، از آغاز تا شروع امپراتوری عثمانی *L'Islam, des origines au début de l'Empire ottoman*، محقق فرانسوی، Claude Cahen، اثر دیگر همین محقق: *L'évolution sociale du monde musulman face à celle du monde chrétien jusqu'au XXe siècle* (تحول اجتماعی دنیای اسلامی در برابر جهان مسیحی، از آغاز تا قرن بیستم) چاپ پاریس، ۱۹۷۰. دو بررسی از بهترین بررسی‌های مربوط به تحولات تاریخ اسلام و جامعه اسلامی در طول قرون، توسط یکی از سرشناس‌ترین خاورشناسان سده گذشته فرانسه و اروپا است. در همین زمینه، اثر دسته جمعی دیگری نیز زیر نظر همین پژوهشگر، در سال ۱۹۷۷ با عنوان *Les peuples musulmans dans l'histoire médiévale* (ملتهای مسلمان در تاریخ قرون وسطی) با همکاری گروهی از پژوهشگران تاریخ اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام در دمشق منتشر

شده است، که در فصول مختلف آن مسائل زیر مورد ارزیابی جامعی قرار گرفته است: شناسایی مورخان از دنیای مسلمان، «انقلاب عباسی»، مسائل اقتصادی و اجتماعی مربوط به مسلمانی جوامع غیرعرب امپراتوری اسلام، برد اجتماعی چند شعبه اصلی از شعبه های اسلام، نگرشی در تاریخ تطبیقی جوامع قرون وسطایی در اسلام، بررسیهایی در باره قدرت و ضعف اقتصادی دنیای اسلامی در آغاز و پایان قرون وسطی، چادرنشین ها و شهرنشین های امپراتوری اسلام در نیمه قرون وسطی، مهاجرتهای ایرانیان بدنبال حمله مغول، تحولات فنی نظامی در خاور نزدیک قرون وسطایی و اهمیت تاریخی آن ها.

اسلام و تمدن آن از قرن هفتم تا قرن بیستم (سده های اول تا چهاردهم هجری) L'Islam et sa civilisation, VIIe-XXe siècle تألیف A. Miquel محقق معاصر فرانسوی، پاریس، ۱۹۸۲، و اثر دیگری از همین مؤلف: La géographie humaine du monde musulman jusqu'au milieu du XIe siècle (جغرافیای انسانی جهان مسلمان تا نیمه قرن پنجم هجری)، چاپ پاریس، ۱۹۸۸.

دو اثر از تازه ترین آثار تحقیقی که در این زمینه در جهان غرب منتشر شده اند، و به همین جهت مؤلف امکان آنرا داشته است که پژوهشهای گذشته را مورد ارزیابی تطبیقی و انتقادی قسرار دهد و در عین حال با پژوهشهای تازه تر تکمیل کند.

پایه های آیین اسلام Les fondations de l'Islam، تألیف A.L. de Prémare، چاپ پاریس، ۲۰۰۲.

تازه ترین کتاب معتبری است که تا هنگام انتشار کتاب حاضر در باره مسائل اسلامی در اروپا بچاپ رسیده است. مؤلف در این اثر بخصوص نحوه تحول تاریخ نگاری و بموازات آن حدیث پردازي مورخان و مفسران و راویان احادیث را در قرون اولیه اسلامی با بررسی های جامع در باره هر یک از ۶۵ نفری که نامداران این مکتب بشمار میروند مورد ارزیابی قرار داده و خود نیز در ادامه مکتبهای فکری



گلدتسیهر و شاخت و ونس برو بر این تأکید نهاده است که قدمت هیچیک از روایاتی که «تاریخی» دانسته شده اند، و به‌همراه آنها هیچیک از حدیثهایی که بصورت نقل قولهای پی‌سپاسی به محمد و صحابه او یا به امامان تشیع رسانیده شده اند از دست کم یک‌قرن بعد از خود محمد فراتر نمی‌رود، و عملاً پایه های آیین اسلام، در صورت کنونی آن، بر تاریخ‌سازیهایی جعلی و بر حدیث‌پردازیهای جعلی‌تر بنیان نهاده شده است. نویسندگان معتقد است که ارائه یک برداشت واقعی از نحوه پیدایش اسلام در چهارده قرن پیش و تحولات آن در سالهای صدر اسلامی، مستلزم تجدیدنظری بنیادی براساسی صرفاً علمی در مجموعه اسنادی است که دور از ملاحظات اسطوره‌ای یا داستان‌سرایانه و یا تقدس‌طلبانه هزار و چهار صد ساله به بررسی آورده شوند.

### ۳- در باره قرآن

کشف الآیات قرآن Concordantiae Corani arabicae تدوین Gustav Flügel محقق آلمانی، چاپ لایپتسیگ، ۱۸۴۲.

نخستین کتاب در نوع خود در جهان غرب، و بهترین کتاب از این نوع در جهان اسلامی است، بهمین جهت در حال حاضر بیش از هر کشف الآیات دیگری در کشورهای عربی مورد مراجعه قرار دارد. با اینهمه، این کشف الآیات مستقیماً از روی متن عربی قرآن تهیه نشده، بلکه براساس ترجمه فرانسوی A.B. Kazimirsky محقق لهستانی مقیم فرانسه از قرآن در تیمه اول قرن نوزدهم انجام گرفته است. کازیمیرسکی که همزمان با فردریک شوپن هم میهن خود بعزت مخالفت با اشغال کشورش از جانب روسیه بصورت تبعیدی در پاریس زندگی میکرد در عین حال ایران‌شناس برجسته‌ای نیز بود که از جمله کارهایش در این زمینه ترجمه فرانسوی او از دیوان منوچهری و چاپ آن همراه با متن فارسی دیوان، ترجمه گلستان سعدی به لهستانی و نگارش رمانی با

عنوان «داستان یک بانوی زیبای ایرانی» و نیز تدوین فرهنگ دو جلدی بزرگ عربی به فرانسه و فرانسه به عربی است. ترجمه عربی «کشف الآیات» فلوگل توسط فواد عبدالباقی استاد مصری بنام «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم» در سال ۱۹۴۵ در قاهره چاپ و به ملک فاروق اول اهداء شده است. ترجمه انگلیسی آن نیز با عنوان Concordance of the Koran در سال ۱۹۲۲ در دهلی منتشر شده است.

نگرش تاریخی - انتقادی به قرآن Historisch-Kritische Einleitung der Koran تألیف Gustav Weil محقق آلمانی، چاپ بیلفیلد، ۱۸۴۴.

اولین اثر تحقیقی در محتوای قرآن در جهان غرب است، که تنها دو سال پس از چاپ کشف الآیات فلوگل منتشر شده است. تقریباً همه بررسیهای بعدی مربوط به قرآن در اروپا و امریکا با توجه خاص بدین کتاب و براساس برداشتهای آن انجام گرفته اند. از همین محقق کتاب دیگری با عنوان «تاریخ ملل اسلامی» Geschichte der islamischen Volker در اشتوتگارت منتشر شده که ترجمه انگلیسی آن توسط خدابخش در کلکته بچاپ رسیده است.

تاریخ قرآن Geschichte des Qorans تألیف Theodor Nöldeke محقق آلمانی، چاپ گوتینگن، ۱۸۶۰. از همین محقق Der Qoran چاپ برلین، ۱۸۹۲ (بصورت بخشی از مجموعه Orientalische Skizzen). همین کتاب، با تکمیل و اضافات و تجدیدنظر کامل با همین عنوان Geschichte des Qorans بعداً در سه جلد بدین شرح منتشر شد: جلد اول: «در باره اصل قرآن» Über den Ursprung des Qorans با همکاری F. Schwally؛ جلد دوم: «متن کلی قرآن» Die Sammlung des Qorans با همکاری F. Schwally؛ جلد سوم: «تاریخ متون قرآن» Die Geschichte des Qorantextus با همکاری G. Bergsträsser و O. Pretzl، جمعاً در ۱۱۰۰ صفحه، چاپ لایپتسیگ، بترتیب سالهای ۱۹۰۹، ۱۹۱۹، ۱۹۳۸.

تاریخ قرآن نلدکه یکی از سه اثر تحقیقی دانش غرب در ارتباط با اسلام است که همراه با «سالنامه های اسلام» کاتسانی و «درسهای در باره اسلام» گلدتسیهر بنیادی ترین کارهای علمی در این رشته بشمار آمده اند. از هنگام آغاز تحقیقات نلدکه در باره قرآن که به چاپ «تاریخ قرآن» او در سال ۱۸۶۰ منجر شد، تا پایان چاپ متن تکمیل شده و نهایی آن در سال ۱۹۱۹، بیشتر از شصت سال فاصله بود، و در تمام این مدت ادامه بررسیهای مربوط به قرآن کار اصلی این خاورشناس بزرگ بود. تذکر این نکته بيمورد نیست که دیدگاههای خود نلدکه در باره قرآن غالباً دیدگاههای چندان مساعدی نیست، بطوریکه در یکجا مینویسد: «آشفستگی تصور و فقدان منطق و بی نظمی مطالب قرآن گاه واقعاً خواننده غربی را به شگفت میآورد. آنچه خود عربها نیز در آن میخواندند و احتمالاً میپسندیدند جز همین آیات مشوش و بهم ریخته نبود، منتها آنها آموخته بودند که عدم درک خود را از این آیات تنها به حساب ضعف ادراک خودشان بگذارند».

۷۴

کوششی در راستای تحلیل قرآن *Beiträge zur Erklärung des Koran*، تألیف Hartwig Hirschfeld، محقق آلمانی، چاپ لایپتسیگ، ۱۸۸۶. از همین مؤلف: *New researches into the composition and exegesis of the Coran*، (بررسیهایی تازه در باره ترکیب و تفسیر قرآن)، چاپ لندن، ۱۹۰۲ و «عناصر یهودی در قرآن» *Jüdische Elemente im Koran* چاپ برلین، ۱۸۷۸.

هیرشفلد در سلسله ارزیابیهای خود از قرآن بخصوص بر اقتباسهایی که در این کتاب بطور مستقیم یا غیرمستقیم از عهد عتیق و از کتب تفسیری یهود انجام گرفته است (و نخستین اثر منتشر شده او کلاً بدان اختصاص دارد) و بر تأثیرات آنها در روند کلی قرآن، و تناقضاتی که میان متون توراتی و قرآنی وجود دارد و وی برای برخی از آنها جنبه تعمدی قائل است تأکید گذاشته و در مواردی دیگر اصالت برخی از سوره ها یا آیه ها را مورد تردید قرار داده است.

تاریخ تفسیرگزاری قرآن در نزد مسلمانان Die Richtungen der Islamischen Koranauslegung تألیف I. Goldziher محقق مجارستانی، چاپ لیدن، ۱۹۲۰.

در این تحقیق که در پژوهشهای اسلامی جای خاص دارد، اسلام شناس نامی مجار مسیر تفسیرنویسی قرآن را از بعد از مرگ پیامبر تا پایان سده نوزدهم و تحولاتی را که در ارتباط با شرایط مختلف زمانی و مکانی در آن روی داده است به شیوه پژوهشی مستند و وسواس آمیز خود مورد بررسی قرار میدهد. از اختلاف قرائتهای اولیه قرآن و نخستین تفسیرهای آن که در آنها از کتابهای مسیحیان و یهودیان آنچه با قرآن سازگار بود برگرفته میشد ولی آنچه ناسازگار بود بکلی نادیده گرفته میشد (با این استدلال که گمراهی است اگر آدمیان خواستار دانشی بیشتر از آن باشند که خدا در کتابش در اختیار آنان نهاده است) به خردگرایان معتزلی و متکلمان میرسد و بعد به صوفیان و مکتب تأویل آنان و به تفسیرهای موضعگیرانه و غالباً مبالغه آمیز مفسران شیعه و سرانجام تفسیرگزاری های نوآورانه مفسران معاصر. ترجمه عربی این اثر گلدتسیهر که مکمل کتاب «درسهایی در باره اسلام» او است، با عنوان «مذهب التفسیرالاسلامی» در سال ۱۹۵۵ در قاهره منتشر شده است.

واژه های خارجی در قرآن The Foreign Vocabulary of the Koran، تألیف Arthur Jeffery محقق انگلیسی، چاپ باروده (هند)، ۱۹۳۸. اثر دیگری با عنوان موادی برای تاریخ متون قرآنی Materials for the history of the texts of the Koran زیر نظر همین محقق در سال ۱۹۳۷ در لندن و نیویورک بچاپ رسیده است.

بررسی جفری در زمینه لغات غیرعربی قرآن (که با تصریح سوره یوسف در اینکه قرآن به زبان عربی فصیح فرستاده شده است همخوانی ندارد) احتمالاً کاملترین بررسی در جهان غرب در این زمینه است. وی که خود استاد زبان شناسی است، در این بررسی ۲۷۵ واژه آرامی، عبری، سریانی، حبشی، فارسی و یونانی را در قرآن مشخص

کرده است که یکی از آنها خود کلمه قرآن است که به گفته او از زبان سریانی گرفته شده است. یکی از واژه های جالب دیگر، کلمه «حور» بمفهوم دوشیزگان بهشتی است که بنا به ارزیابی او از کلمه ای به همین صورت آمده است که در نزد اعراب شمالی جزیره العرب مفهوم سفید پوست داشته و توسط خود این اعراب از طریق حیره از زبان پهلوی گرفته شده بوده است. جفری در اشاره بدین کلمه و کلمه فارسی فردوس که در دو جای قرآن بکار رفته، روایتی از سیره ابن هشام را نقل میکند که بموجب آن منابع فارسی برای اعراب دوران ماقبل اسلامی نیز آشنا بوده اند، و در این مورد از نذرین حارث نام میبرد که با نقل داستانهای رستم و اسفندیار در صحن مکه مانع رفتن مردم به موعظه های محمد میشد. از نمونه های جالب دیگر اصطلاح رب العالمین است که به ارزیابی جفری از ترکیب ribbon ha-olamin میآید که یهودیان آنرا در دعاهاى خود بکار میبرند.

• در خارج از بررسیهای زبان شناسی قرآن، جفری ویراستار کتابی بنام «اسلام، محمد و آیین او» Islam. Muhammad and his religion است که در سال ۱۹۵۸ در نیویورک به چاپ رسیده است. خود او نیز مؤلف کتاب دیگری با عنوان A Reader on Islam است که در ۱۹۶۲ در لاهه منتشر شده است.

### قرآن، ترجمه بر مبنای بازنگری تحلیلی در طبقه بندی سوره ها

R. Bell محقق انگلیسی، در دو جلد و ۱۱۰۰ صفحه، چاپ ادین برو، ۱۹۳۷-۱۹۳۹.

از انقلابی ترین ارزیابی هایی است که در قرن گذشته در مسود متون مختلف قرآن انجام گرفته است. طبقه بندی سوره ها بر ضابطه خاصی صورت گرفته است که غالباً هم با طبقه بندی رسمی قرآن عثمان و هم با طبقه بندی زمان بندی شده نلدکه تفاوت دارد. در نقدهایی که بر این کتاب شده آنرا بحث انگیز ولى در بسیار موارد راهگشا شمرده اند.

دیدگاههای «بل» در باره ناهمخوانی های قرآنی که بنام قرآن عثمان در دسترس ما است گاه کاملاً انتقادی است. در این راستا، در کتابی که مشترکاً بقلم او و مونتگمری وات بنام Introduction to the Quran (چاپ ادین برو، ۱۹۷۷) نوشته شده میتوان خواند که: «متون قرآنی سرشار از ناهماهنگی هایی هستند که میتوان آنها را دلائلی بر تجدیدنظرهای بعدی در آنها دانست. به کرات یک موضوع خارجی وارد آیه ای میشود و ساختار آنرا برهم میزنند. در آغاز و انجام آیه ها مطالبی گفته میشود که با مفهوم خود آیه تناقض دارند. در شرح رویدادها ضمیرهای مفرد و جمع جابجا میشوند و ضمیر دوم شخص جای شخص سوم یا بالعکس را میگیرد. وقت دیگر عباراتی ناهمگون با تاریخهایی متفاوت در کنار همدیگر قرار میگیرند، یا آیه هایی که باید متأخرتر باشند جای مقدمی را احراز میکنند. برخی اوقات ساختار دستوری جملات قطع میشود و موضوع بحثی که میباید ادامه یابد به مورد دیگری که مدتی پیش از آن شرح داده شده باز میگردد».

قرآن Le Coran، ترجمه و تفسیر Régis Blachère محقق فرانسوی، در سه جلد و ۱۵۰۰ صفحه، پاریس، ۱۹۴۷-۱۹۵۱. این اثر که کاملترین ترجمه و بررسی قرآن در زبان فرانسه است، در صورت اصلی خود شامل سه جلد است که جلد نخستین آن تماماً به شناسایی قرآن و بررسی در باره مسائل تاریخی و لغوی و زبان شناسی و مذهبی آن با عنوان Introduction au Coran اختصاص یافته است (چاپ ۱۹۴۷). جلدهای دوم و سوم (چاپ ۱۹۴۹ و ۱۹۵۱) شامل ترجمه و تفسیر قرآن بر مبنای طبقه بندی تازه ای در سوره ها هستند که چنانکه قبلاً گفته شد نلدکه و بسیار از پژوهشگران دنباله رو مکتب او، آنرا براساس بررسیهای پنجاه ساله خود طبقه بندی واقعی سوره ها برحسب تقدم زمانی ابلاغ آنها تشخیص داده اند و طبقه بندی کنونی قرآن را آنطور که در زمان خلافت عثمان بر مبنای حجم سوره ها انجام گرفته یک طبقه بندی ساختگی و غیرمنطقی میدانند که خود پیامبر در آن دخالتی نداشته است. با این وجود چاپ دیگری نیز در سال

۱۹۵۷ (که در آن هر سه جلد در یک جلد گرد آمده اند) از این اثر منتشر شده که این بار در آن طبقه بندی سوره ها براساس نظم سنتی موجود قرآن صورت گرفته است. خلاصه بازنگری شده ای از کتاب Introduction پیشین نیز، با عنوان Le Coran از همین محقق در سال ۱۹۶۷ در مجموعه انتشارات دانشگاهی فرانسه منتشر شده است.

ترجمه و تفسیر قرآن Alessandro Bausani محقق ایتالیایی، چاپ فلورانس، ۱۹۵۵. نگارش با آنکه ایتالیا سابقه ای بیش از دیگر کشورهای اروپایی در ترجمه قرآن در قرون شانزدهم و هفدهم و ترجمه های دیگر در قرن بیستم دارد، ترجمه و بخصوص تفسیر الساندرو باوزانی استاد زبان شناس معاصر که چندی پیش درگذشت، بهترین آنها شناخته شده است. باوزانی با تسلط کامل خود بر زبان عربی و ۱۶ زبان قدیم و جدید دیگر (منجمله زبان فارسی) و اطلاعات فراوانش در مسائل مذهبی اسلامی و مسیحی تفسیرهای جالب و گاه جسورانه ای با دیدگاه تطبیقی از بسیاری از آیات ارائه داده است که غالباً تازگی دارند.

تفسیر قرآن The Koran interpreted، نوشته A.J. Arberry محقق انگلیسی، در دو جلد، چاپ لندن و نیویورک، ۱۹۵۵. تازه ترین و احتمالاً بهترین ترجمه قرآن به زبان انگلیسی، توسط یکی از عربی دانان و در عین حال ایران شناسان برجسته این کشور است. امتیاز این ترجمه کوشش مترجم در رعایت سجع ها و قوافی اصل عربی - در حد امکان - و حفظ انشای کلاسیک آن است. تفسیرهایی که در کتاب شده اند محققانه، ولی تا حد زیادی محافظه کارانه اند.

«محمد و قرآن» Mohammed und der Koran، «ترجمه قرآن»  
Der Koran. Übersetzung و «تفسیر و کشف الایات قرآن» Der Koran. Kommentar und Konkordanz تألیف و ترجمه Rudi Paret محقق

آلمانی، چاپ اشتوتگارت، بترتیب در سالهای ۱۹۵۷، ۱۹۶۶، ۱۹۷۱ مجموعه ای در سطح عالی تحقیقی به شیوه شناخته شده متدیک و دقیق و سنگین آلمانی، با انبوهی از حواشی و تفسیرها و توضیحات زیانشناسی و فلسفی و تاریخی که بسیاری از آنها حقاً میتوانند جای شایسته ای در متن و نه تنها در حاشیه داشته باشند. ماکزیم رودنسن محقق معاصر فرانسوی که خودش مؤلف کتاب جالبی در باره پیامبر اسلام است این دوره قطور را یکی از جامع ترین آثار تحقیقی نوع خود در قرن بیستم شمرده است.

بررسیهایی در قرآن Quranic Studies، نوشته J. Wansborough، محقق انگلیسی، چاپ اکسفرد، ۱۹۷۷

تئوری های ساخت در باره ماهیت غیراصیل روایاتی که مبنای فقه و حقوق اسلامی قرار گرفته اند، در دهه های اخیر، با تئوری های تازه تر «ونس برو»، استاد مطالعات اسلامی دانشگاه لندن، در کتاب «بررسیهای قرآنی» و کتاب دیگر او *The Sectarian Milieu. Content and Composition of Islamic Salvation History* (چاپ اکسفرد، ۱۹۷۸) وارد مرحله نویسی از برداشتهای تحقیقی شده اند. از نظر این محقق، احادیث مربوط به زندگی پیامبر اسلام تنها در حدود دو قرن بعد از او، بدست گروهی از کارشناسان حدیث با این هدف ساخته شدند که نمونه یک مسلمان صالح در جامعه اسلامی در رابطه با رقبای مسیحی و یهودی این جامعه براساس آنها عرضه شود، و برای این منظور متن هایی بعنوان واقعیت های تاریخی ارائه شدند که مطلقاً «تاریخ» نبودند بلکه کوششی برای «تاریخی کردن» اشارات یا آیه های قرآنی در جهت مورد نظر تاریخ سازان بودند. آنهایی که دو قرن بعد از محمد مدعی عرضه دقیق فلان واقعیت زمان او میشدند، غالباً این احساس را که در عمل به جعل تاریخ دست زده اند نداشتند، بلکه این احساس را داشتند که از این راه پایه های یک جامعه تازه اسلامی را در جهت مصالح آن و در رویارویی با رقیبان آن استحکام میبخشند. وانس برو در این راستا ارزیابی دقیق و جامعی از بخشهای بزرگی از سیره ابن هشام انجام داده است.



ساختار لغوی اصطلاحات اخلاقی در قرآن The Structure of the Ethical Terms in the Koran، تألیف Toshihiko Izutsu محقق ژاپنی، نشریه انستیتوی مطالعات زبان شناسی «کیو» در توکیو، ۱۹۵۹. از همین محقق اثری دیگر در همین زمینه با عنوان: «خدا و انسان در قرآن. بررسی در باره، ساختار لغوی اصطلاحات جهان بینانه قرآن» God and Man in the Koran ; semantics of the Koranic Weltanschauung از جانب همین انستیتو در سال ۱۹۶۴، و اثر سومی با عنوان Ethico-Religious concepts in the Qur'an (برداشتهای اخلاقی - مذهبی در قرآن) توسط دانشگاه مک گیل مونیرآل (کانادا) در سال ۱۹۶۶ منتشر شده و ترجمه فارسی آن نیز اخیراً در تهران به چاپ رسیده است.

قرآن. ترجمه و تفسیر و حواشی Le Coran. Introduction, traduction et notes از Denise Masson، در ۲ جلد، چاپ پاریس، ۱۹۶۷.

تنها ترجمه ای است که تاکنون توسط بانویی از قرآن صورت گرفته است، و در عین حال تنها ترجمه ای است که مورد تأیید دانشگاه معروف الازهر (جامع الازهر) قاهره قرار گرفته. مقدمه این کتاب در ۱۱۵ صفحه بررسی محققانه ای از متون قرآنی بخصوص در ارتباط آنها با دو آیین توحیدی دیگر یهود و مسیحیت است که در بیش از یکهزار حاشیه و توضیح بعدی نیز منعکس شده است. چاپ تازه ای از این کتاب در سال ۱۹۶۷ بصورت یک جلدی در کلکسیون معروف Pléiade در پاریس، و چاپ دو زبانی آن به عربی و فرانسه بطور جداگانه توسط دارالکتاب المصری در قاهره و دارالکتاب اللبنانی در بیروت، هر دو در سال ۱۹۸۰، و چاپ دو جلدی تجدیدنظر شده متن فرانسه آن در همین سال در پاریس انتشار یافته اند.

قرآن Le Coran، ترجمه و تحشیه حمزه ابوبکر Sir Hamza Boubakeur، پاریس، ۱۹۸۵. این ترجمه که توسط متولی پیشین مسجد اسلامی پاریس به زبان فرانسه صورت گرفته، تازه ترین ترجمه

یک محقق مسلمان از قرآن برای خوانندگان غربی است، و امتیاز آن بر ترجمه های دیگر این کتاب در کشورهای مسلمان این است که با دسترسی به تمام بررسیهای قبلی محققان اروپایی در این زمینه و در یک محیط علمی و تحقیقی غربی انجام گرفته است.

#### ۴- در باره تاریخ اعراب، کشورگشایی عرب و خلافت اسلامی

نگرشی در تاریخ اعراب در دوران پیش از اسلام و در دوران محمد تا هنگام تعمیم اسلام در میان همه قبایل عربستان  
*Essai sur l'histoire des Arabes avant l'islamisme, pendant l'époque de Mahomet et jusqu'à la réduction de toutes les tribus sous la loi musulmane*  
تألیف A.P. Caussin de Perceval محقق فرانسوی، در سه جلد، چاپ پاریس، ۱۸۴۷-۱۸۵۰.

این اثر محقق نامی قرن نوزدهم فرانسه که سالیان ممتد سمت استاد زبان عربی Collège royal و آموزشگاه زبانهای شرقی پاریس را داشت نخستین کتاب معتبری است که در این زمینه در فرانسه تألیف شده است، و محصول بیش از بیست سال کار مؤلف آن است. جلد اول این اثر کلاً به جامعه عرب ماقبل اسلامی از دیدگاه های جغرافیایی و قومی و قبیله ای و مراکز اساسی آن یعنی یمن و حضرموت و حجاز و حیره اختصاص دارد و در آن به ویژه بررسی جامعی در باره قبیله قریش که اسلام از درون آن برخاست صورت گرفته است. دو جلد بعدی به «کتاب» هایی ده گانه تقسیم شده اند که از آنجمله کتاب هشتم به محمد و کتاب نهم به ابوبکر و کتاب دهم به عمر اختصاص دارد و بررسیهای مربوط به حمله عرب به ایران بخشی از همین کتاب را دربر میگیرد. جلد پایانی به بررسی وضع یکایک قبایل عرب و نحوه مسلمان شدن آنها در زمان خود محمد یا در سالهای خلفای راشدین اختصاص یافته است. چاپ تازه ای از این مجموعه مفصل در سال ۱۹۶۷ در چاپخانه آکادمی علوم اتریش در گراتس (اتریش) انجام گرفته است.

تاریخ خلفا *Geschichte der Chalifen*، تألیف Gustav Weil محقق آلمانی، در پنج جلد و نزدیک به ۳,۰۰۰ صفحه، چاپ مانهایم، ۱۸۴۷-۱۸۶۲

این اثر عظیم، مکمل کتاب «محمد پیامبر اسلام، زندگی و آیین او» است که چهار سال پیش از آغاز انتشار این مجموعه توسط همین مؤلف در اشتوتگارت منتشر شده بود و سلسله تحقیقات و انتشارات «اسلامی» در خاورشناسی اروپا عملاً با انتشار آن شروع شد. کتاب تاریخ خلفای «ویل» که در تدوین آن حداکثر منابع جهان مسلمان همراه با مدارک و اسناد تاریخی جهان غرب (بیزانسی، ارمنی، سریانی و غیره) مورد مراجعه مؤلف قرار گرفته اند، از نظر ارزش تحقیقی، با وجود گذشت یک قرن و نیم بر آن، هنوز هم بهترین اثر تحقیقی است که در جهان غرب در این زمینه منتشر شده است. چاپ این اثر در طول پانزده سال انجام گرفته است.

تاریخ اعراب *Geschichte der Araber*، تألیف Gustav Flügel محقق آلمانی، لایپتسیگ، ۱۸۶۷.

این کتاب که یکربع قرن پس از چاپ «کشف الآیات» معروف فلوگل منشتر شد، در واقع مکملی بر اثر قبلی او بود که موفقیت فراوانی بهمراه آورده بود. «تاریخ اعراب» فلوگل تنها یکی از سلسله کتابهای تحقیقی متعددی بود که در این سالها تب «اسلام شناسی» در اروپای نیمه دوم قرن نوزدهم، بویژه در آلمان انتشار آنها را باعث شده بود.

گاهنامه های دوران اولیه خلافت *Annals of the early Caliphate*  
و: اعتلاء، انحطاط و سقوط خلافت *The Caliphate: its Prise, Decline and Fall*  
and Fall، تألیف Sir William Muir محقق انگلیسی، چاپ لندن، به ترتیب ۱۸۸۳ و ۱۸۸۶

در این هر دو کتاب، نویسنده کتاب «زندگانی محمد» تاریخ دوران خلافت بعد از محمد را (که از دیدگاه او سازمانی خودساخته

بود و هیچ پشتوانه ای در قرآن یا در رهنمودی از جانب خود پیامبر نداشت) برحسب سالهای هجری و بصورت سال به سال نقل کرده و آنرا با ارزیابی جامعی در باره علل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی انحطاط و سقوط آن پایان رسانیده است.

تمدن اعراب *La Civilisation des Arabes*، تألیف Gustave Le Bon محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۸۸۴.

این اثر از یکصد سال پیش تاکنون از معروفترین آثار نویسندگان اسلام شناس غربی در جهان اسلام بوده است، هر چند که عملاً بیش از آنکه به اسلام مربوط باشد به اعراب و جهان عرب مربوط میشود. علت این توجه طبعاً نظر بسیار مساعدی است که دانشمند فرانسوی در نگارش آن در ارتباط با دنیای عرب و تمدن و فرهنگ غنی آن ابراز داشته است، با شرکت در این خطای رایج که هر کتابی را که در این جهان اسلام به زبان عربی نوشته شده باشد از نویسنده ای عربی بدانند و به حساب فرهنگ عرب بگذارند، کاری که در این کتاب در مورد کسانی چون خوارزمی و ابن سینا و رازی و مجوسی و طبری و بسیاری دیگر شده است. واقعیت دیگری از این اثر، که این بار از طرف مترجمان خوانندگان مسلمان آن نادیده گرفته شده، این است که اگر مؤلف آن برای دانش و هنر و معماری عرب ستایش بسیار دارد، در مورد مذهب آنان و بخصوص در مورد قرآن چنین ستایشی را ندارد، بطوریکه حتی آنرا مجموعه ای ناهماهنگ و غالباً سطحی و گاه «ابتذال‌هایی کودکانه از نوع مطالب ماوراء الطبیعه همه مذاهب سامی» می‌شمارد و از این حیث مطلقاً قابل مقایسه با «کتابهای مذهبی عمیق هندوان و فلسفه والای آنان» نمیداند.

کتاب تمدن اعراب گوستاو لوبون، که محصول چندین سال سفر نویسنده آن به تقریباً همه جهان مسلمان بود، با عکسهای بسیار جالبی که خود وی در نخستین سالهای پیدایش صنعت عکاسی از آثار بدیع هنری کشورهای اسلامی، بخصوص مسجدهای آنها گرفته بود و بصورت زیبایی در چاپ اصلی کتاب قطور او منتشر شد یکی از

موفق ترین کتابهای اروپایی مربوط به جهان اسلام شناخته شده است. تذکر این نکته بيمورد نيست که گوستاو لويون در ايسن کتاب بهمان اندازه که ستايشگر تمدن از ميان رفته عرب است، با ترکان عثماني که در زمان او پرچمدار جهان اسلام بودند نظر نامساعد دارد و آنانرا جز جنگجوياني ويرانگر تمدن و فرهنگ نميداند که به ناروا نام خلافت اسلامي بر حکومت خود نهاده اند.

#### دولت عرب و سقوط آن Das arabische Reich und sein Sturz

تأليف Julius Wellhausen محقق آلماني، چاپ گوتينگن، ۱۹۰۲  
اين اثر ولهاوزن، مانند چند اثر تحقيقي ديگر او که قبلاً از آنها ياد شد، از بهترين پژوهشهاي مربوط به تاريخ امپراتوري اسلامي عرب و علل انحطاط و سقوط آنها شناخته شده است، هر چند که عملاً تنها دوران خلافت اموي را شامل ميشود. کتاب گذشته از مقدمه مبسوط و مهمي از ولهاوزن، به نه فصل مختلف تقسيم ميشود که عناوين آنها بترتيب: علي و نخستين جنگ داخلي در اسلام، آل سفيان و دومين جنگ داخلي، نخستين خلفاي مرواني، عمر دوم و موالی، مروانی های دوران متأخر، مروان و جنگ داخلي سوم، قبایل عرب خراسان، و سقوط سلطنت عرب است. ترجمه انگليسي اين کتاب با عنوان The Arab Kingdom and its fall در سال ۱۹۲۷ در کلکته بچاپ رسیده است.

#### تاريخ اعراب Histoire des Arabes، تأليف Clément Huart،

محقق فرانسوي، در دو جلد، پاریس، ۱۹۱۲.  
بهترين اثر اسلام شناس و ايران شناس برجسته آغاز قرن بيستم فرانسه است. که از همان زمان انتشار بصورت یک کتاب کلاسيک اين رشته درآمده و به زبانهای متعدد ديگر اروپايي نيز ترجمه شده است. «تاريخ اعراب» کلمان هوار بخصوص از نظر ارزيابي های انتقادی خود که در بسياري از تاريخ های مشابه آن ديده نميشود اهميت دارد. از همين مؤلف اثر تحقيقي جالب ديگري بنام La Perse antique منتشر شده است.

گاهواره اسلام: عربستان پیش از هجرت *Le berceau de l'Islam : l'Arabie avant l'Hégire*، و *عربستان غریبی در دوران قبل از هجرت* *L'Arabie occidentale avant l'Hégire*، تألیف H. Lammens، محقق روحانی بلژیکی، بترتیب چاپ رم، ۱۹۱۴ و بیروت، ۱۹۲۸.

هانری لامنس که در جهان خاورشناسی از بهترین متخصصان عربستان ماقبل اسلامی و وضع اجتماعی و قبیله ای و مذهبی آن شناخته شده است، در این هر دو اثر خود شرایطی را که زمینه ساز پیدایش اسلام در حجاز شد در ارتباط با مختصات درونی جزیره العرب از یکسو و تحولات سیاسی و اقتصادی سرزمینهای بیرون از عربستان بویژه ایران و بیزانس بصورتی مستند مورد ارزیابی قرار داده است، ولی نتیجه گیریهایی که در بسیاری از جهات میکند با برداشتهای سنتی مورخان اسلامی هماهنگ نیست، منجمله بر این عقیده است که اسلام در مواردی متعدد نه تنها شرایط بهتری را جانشین شرایط قبلی نکرده، بلکه بعکس شرایط ارتجاعی تری را بجای آنها آورده است.

خلافت *The Caliphate*، تألیف T.W. Arnold محقق انگلیسی، چاپ اکسفرد، ۱۹۲۴.

این اثر معروف پرفسور آرنولد، استاد عربی دانشکده مطالعات شرقی دانشگاه لندن در واقع یک تاریخ خلافت نیست، بلکه یک ارزیابی جامع از نهاد خلافت و موضع آن در اسلام و در تاریخ جهان مسلمان است. کتاب به ۱۴ فصل و ۵ ضمیمه تقسیم میشود که از جمله آنها فصول زیر است: خلافت و امپراتوری مقدس رم و ژرمنی، اساس خلافت و عنوان آن، برداشتهای فقها و قضات از نهاد خلافت، خلافت عباسی در بغداد و در قاهره، تصدی عنوان خلافت از جانب شاهزادگان مسلمان، برداشتهای فلسفی و اخلاقی نویسندگان از نهاد خلافت، خلافت عثمانی، پادشاهان مغول (گورکانی) هند، عقاید شیعه و خوارج در باره خلافت، پایان عصر خلافت.

درسهایی در باره تاریخ اعراب Lectures on Arabian History،  
مجموعه سخنرانیهای دانشگاهی D.S. Margoliouth، محقق انگلیسی،  
کلکته، ۱۹۳۰.

دیوید مرگولیوئث چنانکه قبلاً گفته شد، استاد عربی دانشگاه  
اکسفرد و مدتی نیز رئیس انجمن سلطنتی آسیائی انگلستان بود. در  
طول چند سال به سمت استاد ممتاز دانشگاه کلکته سلسله  
کنفرانسهایی در باره تاریخ و تمدن اعراب در این دانشگاه ایراد کرد که  
مجموعه آنها در سال ۱۹۳۰ از طرف خود این دانشگاه بچاپ رسید.  
این مجموعه، با آنکه از بعضی جهات جنبه تنسّد و انتقادی دارد، از  
نظر تحقیقی از کارهای ارزشمند محققان اروپایی در باره بررسیهای  
مربوط به اعراب و اسلام است.

تاریخ اعراب از قدیمترین ادوار تا به امروز History of the  
Arabs, from the earliest times to the Present، تألیف P.K. Hitti، محقق  
لبنانی تبار امریکایی، لندن و نیویورک، ۱۹۳۷.

کتاب «تاریخ اعراب» فیلیپ حیتی از همان زمان انتشار  
خود جنبه یک کتاب کلاسیک را در رشته خود یافته است، چنانکه  
در حال حاضر نیز، بسا گذشت بیش از شصت سال، همچنان  
علاقمندان غربی برای آشنایی با تاریخ کلی جهان اسلام بدین کتاب  
(که به بیش از ده زبان مختلف منجمله فارسی ترجمه شده است)  
مراجعه میکنند، و همین توجه عمومی، چاپهای متعددی را از این  
اثر در طول دهه های گذشته و در حال حاضر باعث شده است.  
«تاریخ اعراب» حیتی یک کتاب هشتصد صفحه ای است که در آن  
تقریباً همه آگاهی های مربوط به اعراب و اسلام از دوران کهن تا  
بامروز و در سطح جهانی در فصول متعددی به شیوه ای روان و  
مطلوب و در عین حال دقیق و مستند، و بخصوص با برداشتهای  
انتقادی جالب ارائه شده اند. از زمره تقسیم بندیهای مربوط بدانها  
از فصول زیر میتوان نام برد: عربها و مسلمانان، اعراب بدوی،  
عربستان در آستانه اسلام، محمد فرستاده خدا، کتاب و ایمان،

اسلام در حرکت، داستان خلافت، فتح اسپانیا، بغداد و شکوه آن، زندگی اجتماعی و فرهنگی مسلمانان، زندگی روزانه، علوم و ادبیات و هنرها، قرطبه گوهر جهان، سهم دانشمندان جهان مسلمان در تمدن عرب، رویارویی صلیب و هلال، جنگهای صلیبی، آخرین سلسله، دورنمای آینده.

عربها در تاریخ *The Arabs in History*، تألیف Bernard Lewis، محقق انگلیسی، لندن، ۱۹۵۰.

این اثر برنارد لیوئیس، استاد پیشین تاریخ خاور نزدیک و میانه دانشگاه لندن و استاد کنونی دانشگاههای امریکایی، تا حدودی برداشت دیگری از همان مطالبی است که در تاریخ عربهای فیلیپ حیتی نیز مورد بررسی قرار گرفته اند، با این تفاوت که جنبه تحلیلی و انتقادی آن در ارتباط با وقایع و با تحولات تاریخ اسلام بارزتر است، زیرا رشته تخصصی نویسنده بیش از تاریخ نویسی بررسیهای تاریخی بخصوص در زمینه روابط متقابل جهان اسلام و جهان غرب است. در این راستا از وی آثار متعددی دیگری بچاپ رسیده است که از جمله آنها میتوان از «اسلام و غرب»، «اسلام در تاریخ»، «قومیت و بردگی در خاورمیانه»، «اسلام و دموکراسی»، «تاریخ نویسان جهان اسلام»، «یهودیان اسلام» نام برد. ارزیابی های این مؤلف، با آشنایی فراوانی که با تاریخ اسلام و مسائل آن دارد، عادتاً بسیار محققانه است، هر چند جانبگیریهای او را در مواردی نادیده نمیتوان گرفت.

کتاب «عربها در تاریخ» به ده فصل با عناوین زیر تقسیم شده است: عربستان پیش از اسلام، محمد و ظهور اسلام، عصر فتوحات، امپراتوری عرب، انقلاب اسلام، عربها در اروپا، تمدن اسلامی، انحطاط جهان عرب، نقش دنیای غرب در جهان اسلام. مقدمه مؤلف بر این فصول شامل ارزیابی جالبی از تاریخ هزار و چهار صد ساله اسلام و دنیای «عربی - اسلامی» است.



### عصر خلافت، اعتلا و سقوط حکومت جهانی اسلامی

Die Chalifenzeit Andtehung und Zerfall des islamischen Weltreiches

تألیف Berthold Spuler محقق آلمانی، چاپ لایدن، ۱۹۵۲

این اثر تحقیقی پژوهشگر برجسته قرن گذشته آلمان بخشی از کتاب مفصلتر همین محقق بنام Geschichte der islamischen Länder (تاریخ سرزمینهای اسلامی) است که از سال ۱۹۵۲ به بعد منتشر شد و جلد مهمی از آن با عنوان ایران در سده های اول اسلامی Iran in früh-islamischer Zeit در همین سال در ویسبادن بچاپ رسید. اثر اشپولر مکمل «تاریخ سرزمینهای اسلامی» کارل بروکلن است که در قرن نوزدهم منتشر شده بود، و هر دو از بهترین کارهای تحقیقی دانشمندان آلمانی در این زمینه بشمار میروند. کتاب «ایران در قرون اولیه اسلامی» در سالهای پیش از انقلاب به فارسی ترجمه و توسط بنگاه نشر کتاب منتشر شده است.

### اعراب، اسلام و خلافت عرب در آغاز قرون وسطی

Arabs, Islam and Arab Caliphate in the early Middle Ages

تألیف E.A. Belyaev محقق روسی، چاپ لندن و نیویورک، ۱۹۶۹

یکی از بهترین کتاب هایی است که در دوران اتحاد شوروی در ارتباط با اسلام و اعراب در آن کشور تألیف شده و چاپ ترجمه انگلیسی آن در اروپا و آمریکا، بخلاف آنچه در مورد آثار ترجمه نشده بسیاری دیگر از دانشمندان خاورشناس این دوران از تاریخ شوروی میتوان گفت، به خوانندگان غربی امکان آشنایی با بررسیهای محققانه پژوهشگران مارکسیست را در این زمینه داده است. همه این بررسی ها طبعاً بر مبنای روش دیالکتیک مادی رژیم وقت صورت گرفته اند که مسلماً از جهات بسیار با روش ارزیابیهای محققان غربی هماهنگی ندارند، ولی در همه آنها جنبه تحقیقی گسترده ای را میتوان یافت که نظیر آن را در بسیاری از آثار مشابه اروپایی و امریکایی آنها باسانی نمیتوان یافت. کتاب بلیایف با عنوان اصلی Araby, islam, i arabskii Khalifat v rannee Srednevekov'e که اصل آن در سال ۱۹۶۴ توسط

انستیتوی ملل آسیائی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی در مسکو به چاپ رسیده، گذشته از مقدمه ای مفصل و محققانه، شامل پنج فصل با عناوین: عربستان و اعراب در قرون پنجم و ششم میلادی، ریشه های اسلام، ایجاد نهاد خلافت، خلافت اموی، خلافت بغداد از قرن ششم تا قرن دهم میلادی، و لغتنامه های جامعی در مورد اصطلاحات عربی و شرقی، نامهای خاص و اسامی جغرافیایی و نقشه های جغرافیائی مربوط به فتوحات اسلامی است.

خلیفه و شاهنشاه: آل بویه (دیلمیان) در عراق Chalif und  
Grosskönig : die Buyiden im Iraq تألیف H. Busse محقق آلمانی، چاپ  
بیروت، ۱۹۶۹

پژوهشگر آلمانی در این اثر تحقیقی خود دوران حکومت دیلمیان را در بغداد که مقارن با سالهای خلافت چهار خلیفه عباسی (المستکفی بالله، المطیع لله، الطائع لامراله، القادریالسه) و بخشی از دوران خلافت القائم بامراله بود و در آن برای امرای دیلمی (آل بویه) با عنوان شاهنشاه خطبه خوانده میشد، به تفصیل مورد بررسی قرار داده و بموازات ارزیابی های مربوط به روابط متقابل دیلمیان شیعی و خلافت سنی جامعه اسلامی قرن پنجم هجری، تلاشهای فراوان دیلمیان را در امور عمرانی و فرهنگی و ایجاد کتابخانه ها و بیمارستانها (با نام پارسی مارستان) و آموزشگاهها در بغداد و تمامی عراق تشریح کرده است.

برداشتهایی در باره ماهیت و انگیزه های جهانگشایی عرب  
Observations sur la nature et les causes de la conquête arabe نوشته  
G.H. Bousquet محقق فرانسوی، چاپ پاریس. از همین محقق بررسی  
دیگری با عنوان Quelques remarques critiques et sociologiques sur la  
conquête arabe et les théories émises à ce sujet (تذکراتی انتقادی و  
اجتماعی در مورد جهانگشایی عرب و فرضیه هایی که در این باره  
ارائه شده اند) در یادنامه Studi orientistici in onore di Georgio Levi  
della Vida (مطالعات خاورشناسی، به یادبود جورجو دلاویدا)، در شهر

رم به چاپ رسیده است. محمد و فتوحات عرب Maometto e le conquiste arabe، تألیف Francesco Gabrieli محقق ایتالیایی، چاپ رم، ۱۹۶۵. ترجمه فرانسوی این کتاب با عنوان Mahomet et les grandes conquêtes arabes در سال ۱۹۶۷ در پاریس و ترجمه انگلیسی آن با عنوان Muhammad and the Conquests of Islam در سال ۱۹۶۸ در نیویورک و تورونتو منتشر شده است. جهانگشایی اسلامی در سده های هفتم تا یازدهم L'expansion musulmane, VIIe-XIe siècles، تألیف R. Mantran محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۹۶۹.

سه اثر تحقیقی جالب که در دو دهه ۵۰ و ۶۰ قرن گذشته در اروپا بچاپ رسیده اند، و در آنها دیدگاههای مختلف در باره عوامل زیربنایی فتوحات اعراب و جنبه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و مذهبی این فتوحات مورد ارائه و ارزیابی قرار گرفته اند.

عربها در جهان باستان Die Araber in der alten Welt، تألیف مشترک Franz Altheim و Ruth Stiehl محققان آلمانی، در شش جلد، برلین ۱۹۶۴-۱۹۶۹.

بعد از «سالنامه های اسلام» لئونه کانتانی ایتالیایی، این اثر عظیم دو محقق آلمانی جامعترین اثر تحقیقی است که در اروپای قرن بیستم در ارتباط با اسلام و اعراب منتشر شده است. کتاب شش جلدی و نزدیک به ۵,۰۰۰ صفحه ای عربها در جهان باستان نمونه جامعی از آثار علمی خاورشناسی آلمان و ویژگیهای تحقیقی و استنادی آن است که در آن گاه فراوانی مبالغه آمیز حواشی خواندن متن اصلی کتاب را دشوار میکند.

عربها Les Arabes، تألیف M. Bergé، محقق فرانسوی، چاپ پاریس، ۱۹۷۸.

مارک برژه، استاد کلژدوفرانس و کارشناس پرسابقه تاریخ اسلامی، در این اثر قطور که عنوان دوم آن «تاریخ و تمدن اعراب و جهان مسلمان از آغاز تا سقوط سلطنت غرناطه» است، تاریخ «عربی - اسلامی» قوم عرب را بخصوص از دیدگاه اجتماعی و هنری و میراث

فرهنگی که تمدن اسلامی بر جای گذاشته است مورد ارزیابی های غالباً تازه ای قرار داده است و میکوشد تا علل واقعی انحطاط جهان عرب را تا آنجا که ممکن بداند ارائه کند تا زمینه را برای درک بهتر فصل پایانی کتاب بنام «سرنوشت غرب» آماده کرده باشد.

عربها Les Arabes، تألیف Maxime Rodinson، محقق فرانسوی، پاریس، ۱۹۷۹.

مکملی بر کتاب معروف دیگر این محقق بنام «محمد» است که قبلاً از آن سخن رفت، و در آن «عربیت» مورد ادعای جهان امروز عرب بر مبنای داده های تاریخی و فرهنگی مورد تحلیل اصولی قرار گرفته است. از نظر رودنسون، دو عامل زبان عربی و مذهب اسلام غالباً کافی نبوده است تا میان همه اقوامی که در مقام اجزاء امپراتوری عرب گذشته خود را کنار گذاشتند و «عرب» شدند همبستگی واقعی اجتماعی و فرهنگی نیز ایجاد کنند، و واقعیت‌های اجدادی همچنان در پس پرده عربیت در نزد هر یک از اجزاء کنونی این جهان ظاهراً یکپارچه بصورت عوامل تکروری باقی مانده اند.

نخستین فتوحات اسلامی The early Islamic Conquests، تألیف F. McGrau Donner محقق امریکایی، چاپ نیوجرسی، ۱۹۸۱.

از تازه ترین ارزیابی های مربوط به کشورگشایی اعراب در سده اول هجری، با توجه به عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی و بخصوص قومی این کشورگشایی است. مؤلف بخصوص شرایط زمانی و مکانی این فتوحات را عامل اساسی پیروزیهایی میداند که بعدها نوعی معجزه ناشی از شور و ایمان مذهبی به حساب آمده اند.

زندگانی محمد. شکل گیری دنیای کلاسیک اسلام The Life of Muhammad. The Formation of the Classical Islamic World، تألیف Lawrence I. Conrad محقق امریکایی، ۱۹۹۸.

\* \* \*

بغیر از کتابهایی که نام برده شدند میباید در اینجا به انبوه  
دائرة المعارفها و فرهنگها و تاریخ های دانشگاهی شناخته شده ای نیز  
اشاره کنم که در قرن گذشته، با همکاری های دسته جمعی محققان و  
پژوهشگران برجسته و متعددی در کشورهای مختلف جهان غرب به  
زبانهای مهم، ولی عمدتاً به انگلیسی و فرانسه، منتشر شده اند، و  
میتوان آنها را از گنجینه های فرهنگی پایان هزاره دوم دانست. برای  
تکمیل فهرستی که نقل کردم، در اینجا عناوین بخشی از ارزنده ترین  
این منابع را نیز نقل میکنم، با این هدف که کار مراجعه به مراجع  
درجه اول این اطلاعات را برای خوانندگان علاقمند خویش آسانتر کرده  
باشم:

دائرة المعارف اسلام Encyclopédie de l'Islam در زبان فرانسه و  
Encyclopaedia of Islam در زبان انگلیسی، در چهار جلد، چاپ لیدن  
(هلند)، سالهای ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۸. چاپ تازه از سال ۱۹۵۴ به بعد،  
در لیدن. از این چاپ تاکنون ۱۰ جلد منتشر شده و بقیه آن در جریان  
انتشار است.

دائرة المعارف کوتاه شده اسلام Shorter Encyclopaedia of Islam  
، زیر نظر H.A.R. Gibb، چاپ لیدن، ۱۹۵۳ و ۱۹۶۹.

دائرة المعارف خلاصه شده اسلامی The Concise Encyclopaedia of Islam  
، توسط Cyril Glassé، چاپ سن فرانسیسکو،  
۱۹۸۹.

فرهنگنامه مذهب و تمدن اسلام Dictionnaire de l'Islam, religion et civilisation  
، کار دسته جمعی ۱۱۰ پژوهشگر، نشریه  
مخصوص Encyclopaedia Universalis، چاپ پاریس، ۱۹۹۷.

تاریخ اسلام دانشگاه کمبریج The Cambridge History of Islam،  
در دو جلد، ۱۹۷۱ (جلد اول: ظهور اسلام و استیلای اعراب، جلد دوم،  
دوران چادرنشینان the steppe peoples در تاریخ اسلام).

میراث اسلام The Legacy of Islam، اثر دسته جمعی، زیر نظر  
A. Guillaume و Sir T.W. Arnold، چاپ اکسفرد، ۱۹۳۱.

میراث اسلام The Legacy of Islam، اثر دسته جمعی، زیر نظر

محقق انگلیسی C.E. Bosworth و محقق آلمانی J. Schacht، چاپ  
اکسفرد، ۱۹۷۴.

بنمایه های تمدن اسلامی Themes of Islamic Civilization، اثر  
دسته جمعی، زیر نظر محقق آمریکایی J.A. Williams، برکلی، ۱۹۷۱.

ماجرای اسلام The Venture of Islam، زیر نظر  
M.G.C. Hodgson محقق آمریکایی، در سه جلد، شیکاگو، ۱۹۷۴.

بررسیهای اسلامی Etudes d'islamologie، اثر دسته جمعی، زیر  
نظر R. Brunschwig و J. Schacht در دو جلد، پاریس، ۱۹۵۳.

۱

# اسلام و قرآن

## در دوران زندگی محمد

(۱۳ پیش از هجرت - ۱۰ هجری)

## اطلاعاتی اصولی در باره قرآن

از میان تمام کتابهای مقدس جهان، هیچکدام مقام خاصی را که قرآن در نزد مسلمانان دارد، ندارند. از نظر مسلمانان جهان، اهمیت استثنائی این کتاب در این است که مستقیماً توسط خود خداوند انشاء شده است و ازین دیدگاه در نوع خود منحصر به فرد است. بهمین جهت در همه طول تاریخ اسلامی تمام مسائل سیاسی و فقهی و قضائی و فلسفی و حتی نظامی مسلمانان در ارتباط با متون قرآنی شکل گرفته اند، یا دست کم از جانب کارگردانان حکومتی و کارگزاران روحانی آن، در هر شرایط زمانی و مکانی، چنین ادعا شده است. بدین جهت ضروری است که در اینجا نیز، پیش از هر گفتگوی دیگر اطلاعاتی اصولی در باره این کتاب استثنائی در دسترس آن خوانندگانی گذاشته شود که احتمالاً با آن آشنایی زیادی ندارند، یا تنها با قسمتهایی معین از آن آشنایی دارند.

آنطور که در خود قرآن آمده است، این کتاب از ازل بصورت ام‌الکتاب<sup>۱</sup> یا کتاب‌المکنون<sup>۲</sup> در لوح محفوظ خداوند ضبط بوده<sup>۳</sup> و بعد از آغاز رسالت پیامبر بطور یکجا در شب قدر به زمین فرستاده شده است<sup>۴</sup>. با این وجود، تاریخ اسلام بر این اصل شکل گرفته است که آیات ۶۲۳۶ گانه قرآن در طول ۲۳ سال، نخست در مکه و سپس در مدینه، تدریجاً و در مناسبت‌هایی خاص توسط روح القدس<sup>۵</sup> یا روح الامین<sup>۶</sup> یا

۱ - سوره زخرف، آیه های ۱-۳.

۲ - سوره واقعه، آیه های ۷۶-۷۸.

۳ - سوره بروج، آیه های ۲۱ و ۲۲.

۴ - سوره بقره، آیه ۱۸۱ و سوره قدر، آیه ۱۰.

۵ - سوره نحل، آیه ۱۰۲.

۶ - سوره شعرا، آیه ۱۹۳.

جبرئیل<sup>۱</sup> بصورت وحی به محمد ابلاغ شده اند، و این تضاد میان نزول یکجای قرآن در لیلۃ القدر و ابلاغ آیه به آیه آن به پیامبر، در تاریخ مباحثات اسلامی مشکلی بوده که با وجود همه پیچ و خم های فقاهتی و کلامی پاسخ واقعاً قانع کننده ای بدان داده نشده است.

در باره نحوه این ابلاغ نیز در طول زمان بحثهای فراوانی بین صاحب نظران اسلامی صورت گرفته است که نمونه ای از آنها را از قول معتبرترین آنان چنین میتوان یافت:

«قول اول اینکه جبرئیل قرآن را از لوح محفوظ از بر کرده و سپس آنرا نازل ساخته است و حروف قرآن در لوح محفوظ هر یک به اندازه کوه قاف است و زیر هر کدام از آنها معنی هایی است که جز خدا کسی نداند. قول دیگر اینکه جبرئیل علیه السلام فقط معنی را فرو فرستاده و پیغمبر آن معانی را آموخته و آنها را به لفظ عربی تعبیر کرده است. قول سوم اینکه معانی به جبرئیل القاء شده اند و خود او آنها را در قالب لغت عربی آورده است آنسان که مردم آسمانها آنرا به لفظ عربی خوانند، و سپس جبرئیل همانها را فرو فرستاده است. و قسم دیگر این است که خدای تعالی جبرئیل را میفرماید تا نامه او را برای پیغمبر بخواند و جبرئیل آن نامه را با همان عبارات و کلمات بدون تغییر و تبدیل برای پیغمبر میآورد... و به ظاهر جبرئیل علیه السلام در صورت مردی میآمده و با پیغمبر سخن میگفته است. و برخی نیز گویند که خدای تعالی سخنان خود را به جبرئیل الهام کرد و قرائت آنرا به وی آموخت و سپس جبرئیل آنرا به زمین که جایی پست است فرود آورد»<sup>۲</sup>.

بر اساس آنچه از خود قرآن برمیآید، پیش از پیامبر اسلام بخشهایی از این کتاب بصورت کتابهای آسمانی<sup>۳</sup> به موسی<sup>۴</sup> و به داود<sup>۵</sup>

۱ - سوره بقره، آیه های ۹۱ و ۹۷.

۲ - لغتنامه دهخدا، مقاله قرآن. نقل از کتابهای مختلف فقه و حدیث شیعه.

۳ - نساء، ۱۶۱.

۴ - سجده، ۲۳.

۵ - نساء، ۱۶۳.



و به عیسی<sup>۱</sup> فرستاده شده بوده اند. معتقدات اسلامی از همان آغاز بر این بوده که بجز این سه کتاب، یکصد کتاب دیگر بصورت بخشهای مختلفی از ام الکتاب برای انبیای مرسل دیگر به صورت صحف (پنجاه صحیفه بر شیت، سی صحیفه بر ادریس، بیست صحیفه بر ابراهیم) فرستاده شده بودند. در برخی احادیث ده صحیفه برای آدم و چهل صحیفه برای شیت منظور شده است.<sup>۲</sup>

از دیدگاه قرآن محتوای همه این کتابهای آسمانی همگون بوده اند، ولی یهودیان در برخی موارد بخشهایی از تورات را که برایشان فرستاده شده بود تحریف کرده اند<sup>۳</sup>، بخشهایی دیگر را پنهان داشته اند<sup>۴</sup> و بخشهایی را نیز از یاد برده اند<sup>۵</sup> و بعد از آنها، مسیحیان نیز با انجیل چنین کرده اند.<sup>۶</sup>

گزینش محمد به پیامبری برای این بوده که وی دین اولین یعنی دین ابراهیم و موسی و داود و عیسی را بصورت کامل به پیروان خود ابلاغ کند. بموجب آنچه در خود قرآن مورد تأکید قرار گرفته، محمد نمیتوانسته است شخصاً آیات وحی شده را بصورت نوشته درآورد، زیرا که توانایی خواندن و نوشتن نداشته است.<sup>۷</sup> بدین جهت این آیات توسط نزدیکان او که بعداً کاتبان وحی نامیده شدند بر روی اشیاء مختلفی از قبیل پاره های چرم، شاخه های خرما، استخوان های شانه شتر یا گوسفند و سنگهای پهن و نازک نوشته میشد تا بعداً بصورت بهتری دوباره ثبت شود. بنا بر حدیثی از «صحیح بخاری کاتبان اصلی قرآن علی، عثمان، زیدبن ثابت و علی بن کعب و چهار تن کسانی که قرآن

۱ - مائده، ۴۶

۲ - هزار و یک سخن، تألیف آیت الله علی مشکینی، ترجمه آیت الله احمد جنتی، قم، ۱۳۷۷.

۳ - نساء، ۴۸؛ مائده، ۱۶ و ۴۵.

۴ - انعام، ۹۱.

۵ - مائده، ۱۶.

۶ - بقره، ۱۴۶؛ آل عمران، ۱۸۱ و ۱۸۷؛ نساء، ۶ و ۶۶.

۷ - عنکبوت، ۴۸.

را تماماً از حفظ داشتند و قراء قرآن به شمار می‌آمدند علی و عبدالله بن مسعود و معاذبن جبل و ابی بن کعب بوده اند. در روایات دیگری عثمان و حذیفه و زیدبن ثابت و ابودردا و ابوموسی اشعری نیز جزو این قراء دانسته شده اند.

زبان قرآن، بنا به تحقیق زبان شناسان زبان محاوره ای عامه اعراب شمالی آنزمان است، که کلماتی از دیگر زبانهای سامی (عبری، آرامی، سریانی، حبشی قدیم) با آن درآمیخته اند<sup>۱</sup>. شمار این کلمات، بصورت کلمات عام یا اسامی خاص ۳۱۹ کلمه برآورده شده که در جزو آنها کلماتی از اصل فارسی چون فردوس و از اصل یونانی چون ابلیس میتوان یافت<sup>۲</sup>.

بطوریکه روایت شده، صحابی نزدیک پیامبر، حذیفه بن یمان، که در زمان حمله اعراب به ایران همدان و ری بدست او تصرف شد و مدتی نیز در دوران خلافت عمر حکومت مدائن را داشت، در سفر جنگی خود به ارمنستان متوجه شد که در مورد قرائت آیات مختلف قرآن میان نفرات زیر فرمان او اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. بدین جهت به عثمان خلیفه وقت توصیه کرد که در تهیه متن واحدی از قرآن اقدام کند تا کار مسلمانان در این مورد به مشکلی که یهود و نصاری در ارتباط با کتابهای مقدس خود با آن مواجهند دچار نشود، و عثمان این توصیه را پذیرفت و دستور داد که همه کسانی که مدارکی در این باره دارند آنها را به مرکز خلافت بیاورند تا براساس این مدارک به تدوین متن رسمی قرآن اقدام شود، و سرپرستی این کار را بسه زیدبن

---

۱ - به بررسی Karl Vollers در کتاب Volkssprache und Umgangssprache im Alten Arabien (چاپ استراسبورگ، ۱۹۰۶) زبان قرآن زبان محاوره ای اعراب شمالی دوران محمد است، ولی نلدکه بدین دلیل که در مدارک زبان شناسی دلیل مسلمی برای اثبات این نظر بدست نیامده آنرا تأیید نمیکنند. خود نلدکه میپذیرد که در قرآن کلماتی مأخوذ از دیگر زبانهای سامی از قبیل عبری و آرامی و سریانی و حبشی باستانی، غالباً بصورت معرب شده آنها بکار رفته اند. سیوطی در «جامع الصغیر» خود شمار واژه های غیرعربی قرآن را ۱۰۷ و آرتور جفری این شماره را ۲۷۵ دانسته اند. به توضیح جفری خود واژه قرآن از زبان سریانی گرفته شده است.

۲ - Geschichte der Qur'an : Th. Nöldeke, ص ۴۰ و ۴۱.

ثابت محول کرد که در سالهای آخر زندگانی محمد کاتب مخصوص او بود و در زمان ابوبکر و عمر نیز به دستور آنها به مأموریت مشابیهی گماشته شده بود، منتها فقط برای اینکه متن تهیه شده او مورد استفاده خود خلیفه و نزدیکانش قرار گیرد.

تقریباً همه محققان در این باره که تدوین متن نهایی قرآن در زمان خلافت عثمان و با نظارت او انجام گرفت همدستانند<sup>۱</sup>، ولی این نیز مسلم است که متن اعلام شده قرآن عثمان با همه پشتوانه تأیید سازمان خلافت مورد قبول عمومی قرار نگرفت و تا مدتها بعد قاریانی مختلف به قرائت قرآن براساس آنچه شفاهاً آموخته بودند و با قرآن رسمی عثمان تفاوت هایی داشت ادامه دادند. متون تدوین شده دیگری نیز وجود داشت که در مراکزی مختلف بعنوان قرآن واقعی پذیرفته شده بود، مانند قرآن ابن مسعود در کوفه، قرآن ابی بن کعب در دمشق و قرآن ابوموسی در بصره<sup>۲</sup>. قرآن هایی هم وجود داشتند که براساس فتوای انس بن مالک مؤسس فرقه مالکی (یکی از چهار فرقه اصلی جهان تسنن) در آنها کلمات نامأنوس با کلماتی آشنا تر عوض شده بود، زیرا عقیده وی بر این بود که اساس کار روح و مفهوم یک آیه است و نه ترکیب ظاهری آن، و از همینجا بود که منطق قرائت های مختلف از قرآن مطرح شد. در قرن چهارم هجری ابن مجاهد، یکی از فقهای بزرگ بغداد، به اتکاء حدیثی از پیامبر نظر داد که قرآن در هفت قرائت وحی شده است و هرچه جز آن باشد مخدوش است، و این نظر مورد تأیید دستگاه خلافت نیز قرار گرفت. بدین ترتیب هفت قرائت مختلف از قرآن که هرکدام از آنها به یکی از فقهای بزرگ قرون اول و دوم هجری در شهرهای مهم جهان اسلام ارتباط داده میشد در سال ۳۲۲ هجری توسط خلیفه المقتدر به رسمیت شناخته شد. بعد از آن در دو مرحله متوالی سه و چهار قرائت

۱ - A. Jeffery در Materials for the history of the texts of the Quran، ص ۱۰۷-۱۱۵.

۲

۲ - ابن الاثیر، کامل، ج ۳، ص ۸۶.

دیگر بر آن‌ها اضافه شد، بطوریکه سرانجام شمار قرائت‌های مجاز قرآن به چهارده رسید (که حافظ ما در غزلی که انتساب آن بدو مورد تردید است، مدعی از برداشتن همه آنها است). متن قرائتی برگزیده جامع‌الازهر که چاپ مصری رایج قرآن در جهان امروز براساس آن صورت گرفته است، منسوب به فقیهی بنام عاصم بن ابی‌النجد است که در سال ۱۲۷ هجری در کوفه درگذشته است.

با اینکه همه قدرت و اعتبار دستگاه خلافت در این راه به کار افتاد که متن تهیه شده در زیر نظر عثمان متن قطعی و نهایی این کتاب باشد، این تلاش از همان آغاز مورد مخالفت‌هایی از جانب صحابه و یاران نزدیک خود پیامبر قرار گرفت. ابی بن کعب ملقب به سیدالقرآء از قبیلہ خزرج که پیش از اسلام از علمای یهود بود و بعد از اسلام در شمار کاتبان مخصوص محمد در آمد و در جنگ‌های بدر و احد و خندق همه جا همراه او بود و در دوره عثمان نیز از جمله جمع آوران قرآن بود، در قرآن تدوین شده خودش دو سوره اضافی بنام‌های حفد و خلع داشت که در قرآن عثمان وجود ندارد، و در عوض در آن دو سوره فیل و قریش یک سوره واحد بودند. عبدالله بن مسعود، صحابی دیگر پیامبر که ششمین کسی بود که به اسلام گرویده بود و در سفرهای محمد ندیم و همراه خاص او بود، و هم او بود که در جنگ بدر سر ابوجهل را از تنش جدا کرده بود، و به اتفاق آراء حافظ بزرگ قرآن و از دانایان قدر اول احادیث شمرده میشد<sup>۱</sup>، بنوبه خود اصالت قرآن تدوین شده عثمان را مورد انکار قرار داد و از جمله سوره‌های ۱۱۳ و ۱۱۴ آنرا إلحاقی دانست. در «فهرست» ابن‌الندیم نمونه‌هایی از روایات ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود در این زمینه ارائه شده است<sup>۲</sup>. فرقه‌های خوارج بنوبه خود اصالت سوره یوسف را در قرآن منکر بودند<sup>۳</sup>.

«ابن‌المنادی روایت کند که امیرالمؤمنین علی علیه السلام پس

۱ - A.J. Wenscink در مقاله «ابن مسعود»، دائرة المعارف اسلام، جلد دوم.

۲ - الفهرست، چاپ لیدن، ص ۲۶-۲۸.

۳ - شهرستانی در «الملل والنحل»، ص ۹۵.

از رحلت رسول چون مردم را در امر قرآن بر اختلاف و طیره دید سوگند یاد کرد که تا کتاب خدای را فراهم نکنم ردا از دوش ننهم، و سه روز از خانه بیرون نشد و این کار به پایان برد، و آن اولین مصحف است که قرآن در آن جمع شد. و ابن الندیم گوید که این قرآن نزد اهل جعفر (خانواده امام جعفر صادق) بود و من در این زمان نزد ابی یعلی حمزة الحسنی مصحفی به خط علی بن ابیطالب دیدم که اوراقی چند افتاده داشت و ابی یعلی آنرا از بنی حسن (خانواده امام حسن) به ارث برده بود<sup>۱</sup>.

شیعیان بسیاری عقیده داشتند که امویان عمداً آیات حاکی از تعیین علی را به جانشینی پیامبر را از قرآن حذف کرده اند و بخصوص این دستکاری را در مورد ده ها آیه از سوره های حجر و نور قائل بودند. برخی از افراد فرقه معتزله نیز به آیاتی دیگر در قرآن که در آنها به دشمنان پیامبر بطور مستقیم حمله شده است اعتراض داشتند، زیرا چنین آیاتی را در شأن کاملیت خداوند نمیدانستند.

غلاة شیعه<sup>۲</sup> تقریباً به اتفاق قائل به تحریف قرآن و دستکاری در آن به میل عثمان و امویان بودند، منجمله عقیده داشتند که سوره احزاب بجای ۷۳ آیه کنونی درست به اندازه سوره بقره ۲۸۶ آیه داشته است، و سوره نور بجای ۶۴ آیه کنونی ۱۲۰ آیه و سوره حجر بجای ۹۹ آیه کنونی ۱۹۰ آیه<sup>۳</sup>.

به نوشته نولدکه در «تاریخ قرآن»، Garcin de Tassy خاورشناس نامی قرن نوزدهم فرانسه به اتفاق میرزا کاظم بیگ ایرانی برای اولین بار سوره ای از این سور مجعول را در سال ۱۸۴۲ در Journal asiatique

۲

۱ - نقل از لغتنامه دهخدا، مقاله قرآن.

۲ - برای توضیح بیشتر به فصل «کارنامه ۱۴۰۰ ساله روحانیت» مراجعه شود.

۳ - علامه امینی در جلد سوم الغدير تحت عنوان نقد و اصلاح حول الکتب و التألیف المزوره (ص ۷۷-۳۳۸) مطالبی را که در این کتابها (ملل و نحل شهرستانی، الانتصار، ابوالحسین خیاط، الفرق بین الفرق بغدادی، السنه ابن تیمیسه حرانی، البدایة والنهایه ابن کثیر دمشقی) در باره شیعه آمده است، مورد نقد و رد قرار داده است. در تفسیرهای مجمع و ابوالفتوح و صافی در فصل تسلوات قرآن در مورد سوره های ۱۱۳ و ۱۱۴ فواید بسیار نیز ذکر شده است.

فرانسه چاپ کردند. در هندوستان نسخه دیگری از قرآن در سالهای آغاز قرن بیستم بدست آمد که غیر از سوره مجعول، شامل سوره دیگری در هفت آیه است که محقق انگلیسی Claire Tisdall آنرا در مجله The Muslim World در سال ۱۹۱۳ ترجمه و همراه با شرح و توضیح مبسوطی منتشر کرده است.

\* \* \*

از همان زمان محمد، مخالفانش مدعی شدند که آیات قرآن توسط کس دیگری بدو آموخته میشود و اشاره آنان در این مورد به چند شخص معین، منجمله به سلمان فارسی بود. بدین جهت آیه ای از خود قرآن بدانان پاسخ گفت: «میدانیم که اینان گویند همانا بشری است که آموزنده او (محمد) است. بدانان که این تهمت را بتو زنند بگو که زبان آنکه بدو اشاره دارند اعجمی است و حال آنکه این قرآن به زبان رسای عربی آمده است» (نحل، ۱۰۳). در هشت مورد دیگر در قرآن، اختصاصاً بر جنبه عربی بودن آن تأکید نهاده شده است (یوسف، ۲۰؛ رعد، ۳۷؛ طه، ۱۱۳؛ زمر، ۲۸؛ فصلت، ۳؛ شوری، ۷؛ زخرف، ۳؛ احقاف، ۱۲).

با آنکه در خود قرآن تصریح شده است که: «اگر آدمیان و جنیان جملگی گرد آیند تا مانند این قرآن را بیاورند از عهده آن برنخواهند آمد، ولو آنها که برخی از آنان در این راه از بعضی دیگر کمک گیرند» (اسراء، ۱۷)، در همان قرون اولیه هجری کسانی چون ابراهیم نظام و عباد بن سلیمان و معتزلیانی چند مدعی شدند که خود آنان یا دیگران میتوانند نظیر قرآن یا حتی بهتر از آنرا بنویسند، و کسانی نیز نمونه های نثرهایی بعقیده آنان فصیح تر از نثر قرآن را نام بردند که از مهمترین آنها ترجمه های عربی ابن مقفع بود. این نیز غالباً گفته شده است که ابوالعلاء معری فیلسوف و شاعر نابینای عرب کتاب «الفصول والغایات» خود را به نیت معارضه ادبی با قرآن نوشت. حتی در زمان پیامبر کعب بن اشرف شاعر یهودی مدینه در حضور خود محمد ادعا کرد که میتواند آیه هایی چون آیه های قرآن و شیواتر از آنها را بیاورد، ولی محمد بخاطر اینکه تقاری با یهودیان

مدینه پیدا نکند خاموش ماند، و کعب از این امر استفاده کرد و به تحریکات خود ادامه داد. بعد از جنگ بدر به مکه رفت و با اشعار خود قریش را به جنگ تازه ای با مسلمانان مدینه دعوت کرد، ولی این بار محمد دستور کشتنش را داد.

در مورد عناوین سوره ها، بنویه خود اختلاف نظرهایی وجود داشته است. مثلاً ابن الندیم مینویسد که خودش در کوفه دو متن مختلف از قرآن را دیده است که در آنها هم عناوین و هم ترتیب آیات با آنچه در قرآن عثمان دیده میشود تفاوت فاحش داشته اند<sup>۱</sup>.

تا مدتها پس از قتل عثمان اختلاف نظرها در باره قرآن رسمی اعلام شده او همچنان باقی بود. مثلاً در کوفه مصحف عبدالله بن مسعود مورد قبول بود، در بصره مصحف ابوموسی اشعری، و در شام مصحف ابی بن کعب. اگر سرانجام مصحف عثمان که قرآن رایج امروز جهان اسلام است تنها قرآن مورد مراجعه شناخته شد، برای این بود که در دوران خلافت بنی امیه که خلفای آن خود را وارث عثمان میدانستند، تمام نسخه های دیگر قرآن در هر جا که بدست میآمد ضبط و منهدم شد. آخرین نسخه ای که باقی مانده بود نسخه ای از قرآن بسود که در زمان ابوبکر توسط زیدبن ثابت تهیه شده بود و با متنی که خود او در بار دوم به دستور عثمان تهیه کرد - و از همانوقت او را متهم کردند که به توصیه عثمان آیات معینی را از آن حذف کرده است - تفاوتهایی داشت. این متن را ابوبکر به حفصه دختر عمر و زوجه پیامبر داده بود و وی نیز آنرا به خواش عثمان در اختیار زید و هیئت چهار نفری همراهان او گذاشت، ولی بعد از اتمام کار، بخلاف سایر مدارک و نوشته های گردآوری شده که کلاً در آتش سوزانده شدند، این متن به احترام مقام حفصه بدو بازگردانده شد و تا هنگام درگذشت وی در سال ۴۶ هجری در اختیار او باقی ماند. اما در فردای وفات او، به دستور مروان بن حکم خلیفه اموی این متن نیز ضبط و منهدم شد، و بدین ترتیب عملاً جز متن رسمی عثمان متنی از قرآن باقی نماند.

۱ - Régis Blachère در مقدمه ترجمه خود از قرآن، ص ۲۰۶.

اصل نسخه خطی قرآن که بنا به روایات سنتی، عثمان در هنگام کشته شدن خود مشغول خواندن آن بوده و قطره‌هایی از خون او بر آن چکیده بود، نسخه‌ای دانسته می‌شود که از دورانی کهن در مسجد خواجه احرار سمرقند نگاهداری می‌شده است. این نسخه در دوران انضمام ماوراالنهر به امپراتوری روسیه در قرن نوزدهم، توسط مقامات نظامی روس به سنت پترزبورگ برده شد، ولی بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ به امر لنین به جای خود بازگردانده شد و اکنون در اختیار انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم ازبکستان است. با اینهمه اصالت آن از نظر پژوهشگران مسلم نیست، زیرا چندین قرآن دیگر نیز با همین لکه‌های خون در مراکزی دیگر وجود دارند، بطوریکه پتروشفسکی در کتاب اسلام در ایران خود این لکه‌های خون را آثاری میداند که مؤمنان متظاهر به پارسایی در طول قرون جعل کرده‌اند و قرآن مسجد خواجه احرار تنها یکی از آنها است<sup>۱</sup>.

### تفسیرهای قرآن

قرآن  
تائیه

با آنکه در قرآن آمده است که «تر و خشکی نیست که در قرآن نیامده باشد» (انعام، ۵۹)، با گسترش جهان اسلام در دوران بعد از محمد، خیلی زود کمبودهایی احساس شد که تنها از راه تفسیر و تأویل قرآن جبران پذیر می‌شد. این موضوع علم تفسیر را بوجود آورد که حاصل آن پیدایش چند صد مفسر و بیش از یکهزار تفسیر کلی و جزئی قرآن در طول قرون است.

نخستین این مفسران عبدالله بن عباس پسر عم پیامبر است که بنیانگذار علم تفسیر دانسته شده است. در همان قرون اولیه اسلامی کار تفسیر قرآن مانند دیگر رشته‌های مذهبی به چند دستگی گرایید که در اصطلاح خود مفسران گرایشهای تأویلی و باطنی و متصوفه نام گرفته‌اند و هریک از آنها مورد قبول فرقه‌های خاصی از قبیل

۱ - I.P. Petrushevskii در کتاب «اسلام در ایران»، ترجمه فارسی، ص ۱۲۸.



معتزله، اشعریه، اسماعیلیه، غلاة شیعه و اهل تصوف هستند. هر کدام از این گرایشها ده ها و ده ها تفسیر جداگانه از قرآن پدید آورده اند که گاهی طول و عرض آنها شگفتی میآورد، مانند تفسیر عبدالسلام قزوینی که شامل ۳۰۰ جلد است<sup>۱</sup>، و تفسیر خلف بن احمد الصغاری که بیش از ۱۰۰ جلد دارد<sup>۲</sup> و تفسیر الکبیر دوازده هزار صفحه ای ابویکر معتزلی که فهرست ابن ندیم از آن یاد کرده است. ولی معتبرترین تفسیرهای قرآن که مورد استناد و مراجعه اند، و همه آنها کار مفسران ایرانی هستند عبارتند از: تفسیر کبیر طبری (قرن سوم هجری)، التبیان فی تفسیر القرآن ثعالبی (پایان قرن چهارم هجری)، الکشاف عن حقایق التنزیل زمخشری (آغاز قرن ششم هجری)، مفاتیح الغیب فخر رازی (پایان قرن ششم هجری). بجز اینها میباید از تفسیرهای شیعه: تفسیر تبیان شیخ طوسی (قرن پنجم)، تفسیر ابوالفتوح رازی (آغاز قرن ششم)، مجمع البیان طبرسی (قرن ششم)، انوار التنزیل بیضاوی (قرن هفتم) نام برد. از معروفترین تفسیرهای صوفیانه کشف الاسرار میبیدی (قرن ششم) و تفسیر القرآن ابن عربی (آغاز قرن هفتم) هستند. در این تفسیر معروف که Brockelmann آنرا «بهترین تفسیر قرآن از نظرگاه صوفیه» نامیده است، قرآن غالباً از دیدگاهی بکلی غیرسنتی مورد تأویل قرار گرفته، مثلاً داستان یوسف سمبول مبارزه روح انسانی و مجرای یعقوب و یوسف نماینده جدال عقل و احساس و برادران دهگانه یوسف نمایندگان حواس پنجگانه ظاهری و حواس پنجگانه باطنی دانسته شده اند.

از تفسیرهای جالبی که میباید از آن نام برد تفسیر معروف جلالین به زبان عربی است که تدوین آن در قرن نهم هجری توسط جلال الدین محلی آغاز شد و بعد از مرگ او توسط شاگردش جلال الدین سیوطی پایان رسید و بدین جهت تفسیر جلالین نام گرفت. نحوه تفسیرهای این

۱ - از این تفسیر در «صفات الشافعیه» چاپ قاهره (ج ۳، صص ۳۲-۳۶) به تفصیل یاد شده است.

۲ - نقل از سیره الیمینین، ویراستاری A. Springer، چاپ برلین، ص ۳۷.

کتاب گاه مورد مطایبه قرار گرفته است، مثلاً آیه ۲۲۳ سوره بقره که «زنان شما کشتزار شمایند، پس بدانسان که بخواهید به کشتزار خویش درآیید» اینطور تفسیر شده است که: «یعنی اینکه به هر صورت بخواهید در آنها دخول کنید، ایستاده یا نشسته یا خوابیده، از پیش یا از پس». این تفسیر از تفسیرهایی است که بیش از آنهای دیگر در قاهره و شهرهای مختلف هندوستان بچاپ رسیده، و در ایران نیز اولین بار در سال ۱۲۷۶ هجری قمری با چاپ سنگی در تهران منتشر شده است.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مسیحی گرایشهایی در هند و در مصر بوجود آمد که قرآن را در تطبیق با روح تمدن و دانش عصر جدید تفسیر کنند، و در این زمینه تفسیرهایی نیز نوشته و منتشر شدند که شناخته شده ترین آنها تفسیر سید امیرعلی هندوی و تفسیر المنار محمد رشید رضا است که بر پایه تفسیر شیخ محمد عبده دانشمند مصری و همکار نزدیک جمال الدین اسدآبادی نوشته شده است.

### ترجمه های قرآن

قدیمی ترین ترجمه فارسی قرآن ظاهراً ترجمه ای است که بدستور منصور بن نوح پادشاه سامانی در قرن چهارم هجری در بخارا همزمان با ترجمه فارسی تفسیر بزرگ طبری صورت گرفته است. اندکی پس از آن ترجمه فارسی دیگری از قرآن انجام گرفته که ناتمام مانده و بچاپ هم نرسیده است، ولی نسخه ای از آن در بخش کتابهای خطی دانشگاه کمبریج نگهداری میشود که ادوارد براون شرح جامعی در باره آن نوشته است. در قرون پنجم و ششم هجری ترجمه های فارسی دیگری همراه با تفسیر توسط مترجمان و مفسرانی بنام سورآبادی و ظاهر اسفراینی انجام گرفته اند.

در صد ساله گذشته چندین ترجمه فارسی تازه از قرآن صورت گرفته که از جمله آنها میتوان از ترجمان القرآن شریف جرجانی چاپ سنگی در سال ۱۳۳۰ قمری (۱۲۹۰ شمسی) و چاپ سربی در سال ۱۳۳۳، ترجمه شیخ مهدی الهی قمشه ای در سال ۱۳۲۹، و ترجمه ابوالقاسم پاینده در سال ۱۳۳۶، نام برد.

نخستین ترجمه قرآن در جهان غرب، در نیمه اول قرن دوازدهم مسیحی بزبان لاتینی توسط چند تن از مترجمان مکتب معروف ترجمه تولدو (طلیظه) در اسپانیا صورت گرفت. این ترجمه که ترجمه ناقص و مغلوطی بود در سال ۱۵۴۳ در شهر بال (بازل) سویس بچاپ رسید و اهمیت خاص آن در این بود که مقدمه آن به قلم مسارتین لوتر بنیانگذار آئین پروتستان نوشته شده بود. دستنوشته این ترجمه چهار سال پیش از جنگ دوم صلیبی به سن برناردوکلر قدیس معروف اهداء شد تا علیه اسلام بکار گرفته شود، و پنج قرن بهمین منظور بکار رفت. در سال ۱۶۹۱ ترجمه لاتینی کاملتری از قرآن به دستور پاپ اینوسنتوس یازدهم در پادوا همراه بسا رساله ای انتشار یافت که فضالنه ولی با نظری بسیار ستیزه جو علیه اسلام نوشته شده بود و این ترجمه Ludovico Maracci در همه اروپا رواج یافت. از قرن شانزدهم بعد قرآن تقریباً به همه زبانهای مهم غریبی ترجمه و منتشر شد. نخستین ترجمه ایتالیایی آن در سال ۱۵۴۷، نخستین ترجمه آلمانی در ۱۶۱۶، نخستین ترجمه فرانسوی در ۱۶۴۷، نخستین ترجمه انگلیسی در ۱۷۳۴ و نخستین ترجمه روسی در ۱۷۶۶ انجام گرفت و از آن پس در هر یک از این زبانها ترجمه های متعدد دیگری از این کتاب منتشر شده اند، باضافه ترجمه های دیگری که به زبانهای اسپانیائی، سوئدی، دانمارکی و غیره صورت گرفته اند. در سالهای آغاز قرن بیستم فهرست جامعی از ترجمه های قرآن در زبانهای اروپایی توسط A. Krimskii خاورشناس روسی (که از خود او ترجمه قدیمی ترین سوره های مکی قرآن در سال ۱۹۱۲ در مسکو بچاپ رسیده) تهیه شد که Dozy خاورشناس هلندی آنرا در کتاب «نگرشی در تاریخ اسلام» خود در شش صفحه کامل نقل کرده است. در بخش آسیایی خود روسیه، ترجمه بسیار خوبی از قرآن در سال ۱۸۷۹ در شهر قازان منتشر شد که در سال ۱۹۰۷ همراه با متن عربی قرآن دوباره در آن شهر بچاپ رسید. تازه ترین ترجمه قرآن به زبان روسی در سالهای حکومت کمونیستی (۱۹۶۳) توسط یو. کراچکوفسکی انجام گرفت که دوازده سال پس از درگذشت مترجم آن در مسکو منتشر شد. ترجمه